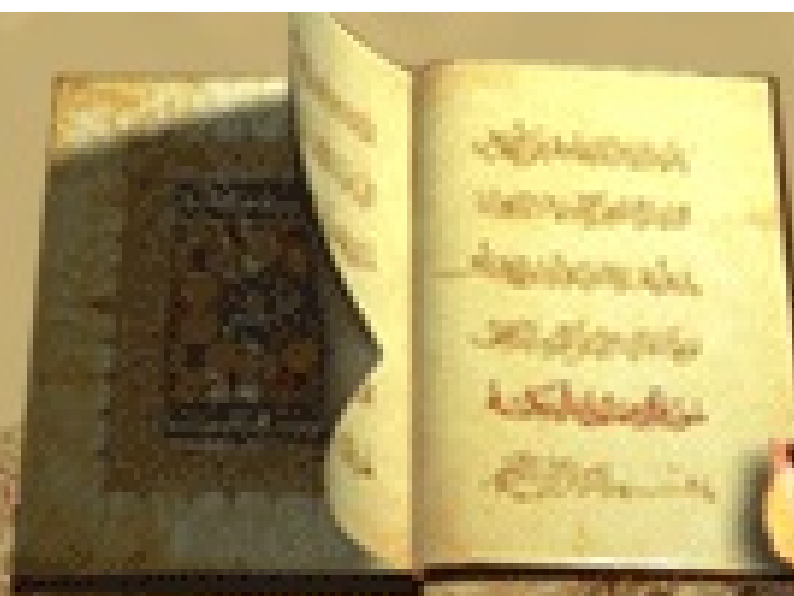


المزمل

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۷۳. سوره المزمل

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره المزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

يا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (١)

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (٢)

نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (٣)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)

إِنَّ ناشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِيلًا (۶)

إِنَّ لَكَ فِي النَّهارِ سَبْحاً طَوِيلًا (٧)

وَ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (٨)

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (٩)

وَ اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلًا (١٠)

وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَ مَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (١١)

إِنَّ لَدَيْنا أَنْكالًا وَ جَحِيماً (١٢)

وَ طَعاماً ذا غُصَّةٍ وَ عَذاباً أَلِيماً (١٣)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ الْجِبالُ وَ كانَتِ الْجِبالُ كَثِيباً مَهِيلًا (۱۴)

إِنَّا أَرْسَلْنا إِلَيْكُمْ رَسُولاً شاهِداً عَلَيْكُمْ كَما أَرْسَلْنا إِلى فِرْعَوْنَ رَسُولاً (۱۵)

فَعَصى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْناهُ أَخْذاً وَبِيلًا (۱۶)

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْماً يَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِيباً (۱۷)

السَّماءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كانَ وَعْدُهُ مَفْعُولاً (۱۸)

إِنَّ هذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹)

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنى مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَؤُا ما تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضى وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِی الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ

يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَؤُا ما تَيَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْراً وَ أَعْظَمَ أَجْراً وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٢٠)

آشنایی با سوره

۷۳- مزمل [گلیم به خود پیچیده]

آیه اول را که می خوانیم، با این تعبیر به پیامبر خطاب شده، آن هنگام که در اول بعثت، مشرکان در «دار الندوه دعوتش را نپذیرفتند و در فکر توطئه بر ضد او بودند. پیامبر غمگین و آزرده به خانه رفت و خوابید. اما سروش خدائی اینگونه نوازشش داد و او را به «برخاستن و عبادت شبانه، و کمک گیری از نیایش و تلاوت قرآن، و مقاومت در برابر حرفها و مخالفتهایشان دعوت کرد، و از آن حضرت، در برابر برخوردهای سرد و بی مهری های اهل مکه، حمایت نمود در آیه آخر، دستوری مبنی بر نیایش شبانه و تلاوت قرآن به پیامبر می دهد. این سوره با ۲۰ آیه در مکه نازل شده است. (اوائل بعثت).

شان نزول

خود سازی و انقلابی گسترده

شأن نزول آیه ۲۰ سوره مزمل

پیامبر پیوسته نماز شب می خواند و مردم را نیز به ثواب آن بشارت می داد. شرایط آغاز اسلام ایجاب می کرد که مردم به عنوان یک وظیفه مستحب یا وظیفه واجب، پیامبر را همراهی کنند و با تلاوت قرآن و هم چنین عبادت های شبانه، خود را برای تبلیغ و دفاع از اسلام آماده سازند، ولی انجام دادن این عمل، برای مردم مشکل و سخت بود؛ چون وقتی که برای نماز شب برمی خاستند، نمی دانستند که آیا نیمی از شب و یا دو ثلث آن گذشته است. به همین سبب احتیاط می کردند و گاه تمام شب را بیدار می ماندند و مشغول عبادت می شدند. پاهای آنان به سبب قیام شبانه ورم می کرد و از کارهای روزانه نیز ناتوان می شدند. بنابراین، خداوند این حکم را تغییر داد و آیه ۲۰ سوره

مزمل نازل شد.

باید پذیرفت که برای ایجاد یک انقلاب گسترده در همه مراحل زندگی، پیش از هر چیز، یک نیروی مصمم انسانی لازم است که با اعتقاد راسخ، آگاهی کامل، آموزش های لازم فکری و فرهنگی و پرورش های اخلاقی برای این کار ساخته شده باشد و این دقیقا کاری بود که پیغمبر اسلام در مکه در سال های نخستین بعثت، بلکه در همه دوران عمرش انجام داد و به دلیل وجود همین زیر بنای محکم، نهال اسلام به سرعت رشد کرد و جوانه زد و شاخ و برگ داد.

آن چه در این سوره آمده است، نمونه زنده و بسیار گویایی از این برنامه حساب شده است؛ دستور به عبادت در دو سوم یا حداقل یک سوم از شب، آن هم با تلاوت و دقت در آیه های قرآن مجید به گونه ای که اثرگذار باشد. این عبادت و رازهای شبانه، سرانجام کار خود را کرد و گروهی اندک از توده های محروم و قشرهای مستضعف، شایستگی حکومت بر بخشی از جهان را پیدا کردند و امروز هم اگر ما مسلمانان بخواهیم عظمت و قدرت دیرین را بازیابیم، راه همین راه و برنامه همین برنامه است. هرگز نباید انتظار داشته باشیم با افرادی ضعیف و ناتوان، که پرورش های لازم فرهنگی و اخلاقی را نیافته اند، دست زورگویان را از سرزمین های اسلامی کوتاه کنیم:

در حقیقت، پروردگارت می داند، که تو و گروهی از کسانی که با تواند، نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را [به نماز] بر می خیزید، و خداست که شب و روز را اندازه گیری می کند. [او] می داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید، پس بر

شما ببخشود، [اینک] هر چه از قرآن میسّر می شود بخوانید. [خدا] می داند که به زودی در میانتان بیمارانی خواهند بود، و [عدّه ای] دیگر در زمین سفر می کنند [و] در پی روزی خدا هستند و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می کنند. پس هر چه از [قرآن] میسّر شد، تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید؛ و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید، آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیش تر باز خواهید یافت و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است.» (۱)

پاورقی:

(۱) تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۹۳.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِیمِ} نعت تابع

{یا} (یا) حرف ندا {أَیُّهَا} منادا، منصوب یا در محل نصب / (ها) حرف تنبیه {الْمُزَّمِّلُ} نعت تابع

{قُم} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {اللَّیْلَ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {إِلَّا} حرف استثنا {قَلِیلًا} مستثنی، منصوب

{نِصْفَهُ} بدل تابع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {أَوِ} حرف عطف {انْقُصْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {مِنْهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {قَلِیلًا} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب

{أَوْ} حرف عطف {زِدْ} فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {عَلَیْهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَرَتِّلِ} (و) حرف عطف / فعل

امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {الْقُرْآنَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {تَرْتِیلًا} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب

{إِنَّا} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / (نا) ضمیر متصل در محل نصب، اسم إنّ {سَنُلْقِی} (س) حرف استقبال / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر / خبر إنَّ محذوف {عَلَیْکَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {قَوْلاً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {ثَقِیلًا} نعت تابع

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {ناشِئَةَ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب {اللَّیْلِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {هِیَ} ضمیر فصل بدون محل {أَشَدُّ} خبر إنَّ، مرفوع یا در محل رفع {وَطْئاً} تمییز، منصوب {وَأَقْوَمُ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {قِیلًا} تمییز، منصوب

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {لَکَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر إنَّ محذوف {فِی} حرف جر {النَّهارِ} اسم مجرور یا در محل جر {سَبْحاً} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب {طَوِیلًا} نعت تابع

{وَاذْکُرِ} (و) حرف استیناف / فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {اسْمَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {رَبِّکَ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / (ک) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَتَبَتَّلْ} (و) حرف عطف / فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {إِلَیْهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {تَبْتِیلًا} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب

{رَبُّ} مبتدا مقدّر یا محذوف یا

در محل / خبر، مرفوع یا در محل رفع {الْمَشْرِقِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَالْمَغْرِبِ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {لا} (لا)ی نفی جنس {إِلهَ} اسم لای نفی جنس، منصوب / خبر لای نفی جنس، محذوف {إِلَّا} حرف استثنا {هُوَ} بدل تابع {فَاتَّخِذْهُ} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر مبنی بر سکون / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {وَكِيلًا} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب

{وَاصْبِرْ} (و) حرف عطف / فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {عَلى} حرف جر {ما} اسم مجرور یا در محل جر {يَقُولُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {وَاهْجُرْهُمْ} (و) حرف عطف / فعل امر مبنی بر سکون / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {هَجْراً} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {جَمِيلًا} نعت تابع

{وَذَرْنِي} (و) حرف عطف / فعل امر مبنی بر سکون / (ن) حرف وقایه / (ی) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {وَالْمُكَذِّبِينَ} (و) حرف عطف / عطف (ی) {أُولِي} نعت تابع {النَّعْمَةِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَمَهِّلْهُمْ} (و) حرف عطف / فعل امر مبنی بر سکون / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {قَلِيلًا} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {لَدَيْنا} ظرف یا

مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب / (نا) ضمير متصل در محل جر، مضاف اليه / خبر إنَّ محذوف {أَنْكالاً} اسم إنّ، منصوب يا در محل نصب {وَجَحِيماً} (و) حرف عطف / معطوف تابع

{وَطَعاماً} (و) حرف عطف / معطوف تابع {ذا} نعت تابع {غُصَّهٍ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر {وَعَذاباً} (و) حرف عطف / معطوف تابع {أَلِيماً} نعت تابع

{يَوْمَ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب {تَرْجُفُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهرى يا تقديرى {الْأَرْضُ} فاعل، مرفوع يا در محل رفع {وَالْجِبالُ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {وَكانَتِ} (و) حرف عطف / فعل ماضى، مبنى بر فتحه ظاهرى يا تقديرى / (ت) تأنيث {الْجِبالُ} اسم كانَ، مرفوع يا در محل رفع {كَثِيباً} خبر كان، منصوب يا در محل نصب {مَهِيلًا} نعت تابع

{إِنَّا} حرف مشبه بالفعل يا حرف نفى ناسخ / (نا) ضمير متصل در محل نصب، اسم إنّ {أَرْسَلْنا} فعل ماضى، مبنى بر سكون / (نا) ضمير متصل در محل رفع و فاعل / خبر إنَّ محذوف {إِلَيْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {رَسُولاً} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب {شاهِداً} نعت تابع {عَلَيْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {كَما} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {أَرْسَلْنا} فعل ماضى، مبنى بر ضمه / (نا) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {إِلى} حرف جر {فِرْعَوْنَ} اسم مجرور يا در محل جر {رَسُولاً} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب

{فَعَصى} (ف) حرف عطف / فعل ماضى، مبنى بر فتحه ظاهرى يا تقديرى {فِرْعَوْنُ} فاعل، مرفوع يا در محل رفع {الرَّسُولَ}

مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {فَأَخَذْناهُ} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {أَخْذاً} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب {وَبِیلًا} نعت تابع

{فَکَیْفَ} (ف) رابط جواب برای شرط / حال، منصوب {تَتَّقُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {إِنْ} حرف شرط جازم {کَفَرْتُمْ} فعل ماضی، مبنی بر سکون / (ت) ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل {یَوْماً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {یَجْعَلُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {الْوِلْدانَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {شِیباً} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب

{السَّماءُ} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {مُنْفَطِرٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {بِهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {کانَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {وَعْدُهُ} اسم کانَ، مرفوع یا در محل رفع / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {مَفْعُولاً} خبر کان، منصوب یا در محل نصب

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {هذِهِ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب {تَذْکِرَةٌ} خبر إنَّ، مرفوع یا در محل رفع {فَمَنْ} (ف) حرف عطف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {شاءَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {اتَّخَذَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا

تقـدیری / فاعل، ضـمیر مسـتتر (هو) در تقـدیر {إِلی} حرف جر {رَبِّهِ} اسم مجرور یا در محل جر / (ه) ضـمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {سَبِیلاً} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یـا حرف نفی ناسـخ {رَبَّکَ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب / (ک) ضـمیر متصل در محل جر، مضـاف الیه {یَعْلَمُ} فعـل مضارع، مرفوع به ضـمه ظاهری یا تقـدیری / فاعل، ضـمیر مسـتتر (هو) در تقـدیر / خبر إنَّ محـذوف {أَنَّکَ} حرف مشـبه بالفعـل یـا حرف نفی ناسـخ / (ک) ضـمیر متصل در محل نصب، اسم أنّ {تَقُومُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقـدیری / فاعل، ضـمیر مسـتتر (أنت) در تقـدیر / خبر أنَّ محـذوف {أَدْنی} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محـل نصب {مِنْ} حرف جر {ثُلُثَیِ} اسم مجرور یـا در محـل جر {اللَّیْلِ} مضـاف الیه، مجرور یا در محل جر {وَنِصْفَهُ} (و) حرف عطف / عطف (أدنی) / (ه) ضـمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَثُلُثَهُ} (و) حرف عطف / معطوف تابع / (ه) ضـمیر متصـل در محـل جر، مضـاف الیه {وَطائِفَةٌ} (و) حرف عطف / عطف (أنت) {مِنَ} حرف جر {الَّذِینَ} اسم مجرور یا در محل جر {مَعَکَ} ظرف یـا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (ک) ضـمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَاللَّهُ} (و) حرف عطف / مبتـدا، مرفوع یـا در محل رفع {یُقَدِّرُ} فعل مضارع، مرفوع به ضـمه ظاهری یا تقـدیری / فاعل، ضـمیر مسـتتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {اللَّیْلَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل

نصب {وَالنَّهارَ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {عَلِمَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {أَنْ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ / اسم أنْ {لَنْ} حرف نصب {تُحْصُوهُ} فعل مضارع، منصوب به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / خبر أنْ محذوف {فَتابَ} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {عَلَيْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {فَاقْرَؤُا} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {ما} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {تَيَسَّرَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {مِنَ} حرف جر {الْقُرْآنِ} اسم مجرور یا در محل جر {عَلِمَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {أَنْ} حرف مشبه بالفعل (أن) مخففّه از مثقلّه / (ه) محذوف و اسم إنْ مخفّفه {سَيَكُونُ} (س) حرف استقبال / فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {مِنْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر کان، محذوف یا در تقدیر {مَرْضى} اسم کانَ، مرفوع یا در محل رفع / خبر أنَّ محذوف {وَآخَرُونَ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {يَضْرِبُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {فِي} حرف جر {الْأَرْضِ} اسم مجرور یا در

محل جر {يَبْتَغُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {مِنْ} حرف جر {فَضْلِ} اسم مجرور يا در محل جر {اللَّهِ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر {وَآخَرُونَ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {يُقاتِلُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {فِي} حرف جر {سَبِيلِ} اسم مجرور يا در محل جر {اللَّهِ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر {فَاقْرَؤُا} (ف) رابط جواب براى شرط / فعل امر، مبنى بر حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {ما} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب {تَيَسَّرَ} فعل ماضى، مبنى بر فتحه ظاهرى يا تقديرى / فاعل، ضمير مستتر (هو) در تقدير {مِنْهُ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وَأَقِيمُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنى بر حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {الصَّلاةَ} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب {وَآتُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنى بر حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {الزَّكاةَ} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب {وَأَقْرِضُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنى بر حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {اللَّهَ} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب {قَرْضاً} مفعول مطلق يا نائب مفعول، منصوب {حَسَناً} نعت تابع {وَما} (و) حرف اعتراض / مفعولٌ به جازم {تُقَدِّمُوا} فعل مضارع مجزوم به حذف نون / (و) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {لِأَنْفُسِكُمْ} حرف جر و اسم

بعد از آن مجرور / (ک) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {مِنْ} حرف جر زائد {خَیْرٍ} تمییز، منصوب {تَجِدُوهُ} فعل مضارع مجزوم به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {عِنْدَ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {هُوَ} ضمیر فصل بدون محل {خَیْراً} مفعولٌ به ثان (دوم)، منصوب یا در محل نصب {وَأَعْظَمَ} (و) حرف عطف / معطوف تابع {أَجْراً} تمییز، منصوب {وَاسْتَغْفِرُوا} (و) حرف عطف / فعل امر، مبنی بر حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {اللَّهَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {اللَّهَ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب {غَفُورٌ} خبر إنَّ، مرفوع یا در محل رفع {رَحِیمٌ} خبر إنَّ ثان (دوم)، مرفوع یا در محل رفع

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Ya ayyuha almuzzammilu.۱

Qumi allayla illa qaleelan.۲

Nisfahu awi onqus minhu qaleelan.۳

Aw zid AAalayhi warattili alqur-ana tarteelan.۴

Inna sanulqee AAalayka qawlan thaqeelan.۵

Inna nashi-ata allayli hiya ashaddu wat-an waaqwamu qeelan.۶

Inna laka fee alnnahari sabhan taweelan.۷

Waothkuri isma rabbika watabattal ilayhi tabteelan.۸

Rabbu almashriqi waalmaghribi la ilaha illa huwa faittakhiththu wakeelan.۹

Waisbir AAala ma yaqooloona waohjurhum hajran jameelan.۱۰

Watharnee waalmukaththibeena olee alnnaAAmati wamahhilhum qaleelan.۱۱

Inna ladayna ankalan wajaheeman.۱۲

WataAAaman tha ghussatin waAAathaban aleeman.۱۳

١۴. Yawma tarjufu al-ardu waaljibalu wakanati aljibalu katheeban maheelan

١۵. Inna arsalna ilaykum rasoolan shahidan AAalaykum kama arsalna ila firAAawna rasoolan

١۶. FaAAasa firAAawnu alrrasoola faakhathnahu akhthan wabeelan

١٧. Fakayfa tattaqoona

in kafartum yawman yajAAalu alwildana sheeban

Alssamao munfatirun bihi kana waAAduhu mafAAoolan.۱۸

Inna hathihi tathkiratun faman shaa ittakhatha ila rabbihi sabeelan.۱۹

Inna rabbaka yaAAlamu annaka taqoomu adna min thuluthayi allayli wanisfahu.۲۰ wathuluthahu wata-ifatun mina allatheena maAAaka waAllahu yuqaddiru allayla waalnnahara AAalima an lan tuhsoohu fataba AAalaykum faiqraoo ma tayassara mina alqur-ani AAalima an sayakoonu minkum marda waakharoona yadriboona fee al-ardi yabtaghoona min fadli Allahi waakharoona yuqatiloona fee sabeeli Allahi faiqraoo ma tayassara minhu waaqeemoo alssalata waatoo alzzakata waaqridoo Allaha qardan hasanan wama tuqaddimoo li-anfusikum min khayrin tajidoohu AAinda Allahi huwa khayran waaAAthama ajran waistaghfiroo Allaha inna Allaha ghafoorun raheemun

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ای جامه به خویشتن فرو پیچیده، (۱)

به پا خیز شب را مگر اندکی، (۲)

نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه، (۳)

یا بر آن [نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان. (۴)

در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می کنیم. (۵)

قطعاً برخاستن شب، رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام راستین تر است. (۶)

[و] تو را، در روز، آمد و شدی دراز است. (۷)

و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز. (۸)

[اوست پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست، پس او را کارساز خویش اختیار کن. (۹)

و بر آنچه می گویند شکیبا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر. (۱۰)

و مرا با تکذیب کنندگان توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده. (۱۱)

در حقیقت پیش ما زنجیرها و دوزخ، (۱۲)

و غذایی گلوگیر و عذابی پر درد است. (۱۳)

روزی

که زمین و کوهها به لرزه درآیند و کوهها به سان ریگ روان گردند. (۱۴)

بی گمان، ما به سوی شما فرستاده ای که گواه بر شماست روانه کردیم، همان گونه که فرستاده ای به سوی فرعون فرستادیم. (۱۵)

[ولی فرعون به آن فرستاده عصیان ورزید، پس ما او را به سختی فرو گرفتیم. (۱۶)

پس اگر کفر بورزید، چگونه از روزی که کودکان را پیر می گرداند، پرهیز توانید کرد؟ (۱۷)

آسمان از [بیم آن [روز] در هم شکافد؛ وعده او انجام یافتنی است. (۱۸)

قطعاً این [آیات اندرزی است، تا هر که بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد. (۱۹)

در حقیقت، پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با توانند، نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را [به نماز] برمی خیزید، و خداست که شب و روز را اندازه گیری می کند. [او]می داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید، پس بر شما ببخشود، [اینک هر چه از قرآن میسر می شود بخوانید. [خدا] می داند که به زودی در میانتان بیمارانی خواهند بود، و [عده ای دیگر در زمین سفر می کنند [و] در پی روزی خدا هستند، و [گروهی دیگر در راه خدا پیکار می نمایند. پس هر چه از [قرآن میسر شد تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید؛ و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت. و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است. (۲۰)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» ای جامه به خود پیچیده!

«۲» شب را، جز کمی، بپاخیز!

«۳» نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن،

«۴» یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقّت و تأمّل بخوان؛

«۵» چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد!

«۶» مسلّماً نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت تر است!

«۷» و تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت!

«۸» و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند!

«۹» همان پروردگار شرق و غرب که معبودی جز او نیست، او را نگاهبان و وکیل خود انتخاب کن،

«۱۰» و در برابر آنچه [دشمنان] می گویند شکیبا باش و بطرزی شایسته از آنان دوری گزین!

«۱۱» و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده،

«۱۲» که نزد ما غل و زنجیرها و [آتش] دوزخ است،

«۱۳» و غذایی گلوگیر، و عذابی دردناک،

«۱۴» در آن روز که زمین و کوه ها سخت به لرزه درمی آید، و کوه ها [چنان درهم کوبیده می شود که] به شکل توده هایی از شن نرم درمی آید!

«۱۵» ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم!

«۱۶» [ولی] فرعون به مخالفت و نافرمانی آن رسول برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم!

«۱۷» شما [نیز] اگر کافر شوید، چگونه خود را [از عذاب الهی] بر کنار می دارید؟! در آن روز که کودکان را پیر می کند،

«۱۸» و آسمان از هم شکافته می شود، و وعده او شدنی و حتمی است.

«۱۹» این هشدار و تذکّری است، پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند!

«۲۰» پروردگارت می داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزند؛ خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند؛ او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را [به دقّت] اندازه گیری کنید [برای عبادت کردن]، پس شما را بخشید؛ اکنون آنچه برای شما میسّر است قرآن بخوانید او می داند بزودی گروهی از شما بیمار می شوند، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی [و کسب روزی] به سفر می روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند [و از تلاوت قرآن بازمی مانند]، پس به اندازه ای که برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا (قرض الحسنه) دهید [= در راه او انفاق نمایید] و [بدانید] آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ای جامه بر خود پیچیده! (۱)

شب را جز اندکی [که ویژه استراحت است، برای عبادت] برخیز؛ (۲)

نصف [همه ساعات] شب [را به عبادت اختصاص ده] یا اندکی ازنصف بکاه، (۳)

یا [مقداری] بر نصف بیفزا، و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان. (۴)

به یقین ما به زودی گفتاری سنگین [چون آیات قرآن] به تو القا خواهیمکرد. (۵)

بی تردید

عبادت[ی که در دل] شب [انجام می گیرد] محکم تر و پایدارتر و گفتار در آن استوارتر و درست تر است. (۶)

تو را در روز [برای مشاغل فراوان معنوی و هدایت مردم و حل مشکلات نیازمندان،] رفت و آمدی طولانی است [پس ساعات شب برای عبادت فرصتی بهتر است.] (۷)

نام پروردگارت را [به زبان حال و قال] یاد کن [و از غیر او قطع امید نما] و فقط دل بر او بند. (۸)

[همان که] پروردگار مشرق و مغرب [است]، هیچ معبودی جز او نیست، پس او را وکیل و کارساز خود انتخاب کن، (۹)

و بر گفتار [و آزار] مشرکان شکیبا باش و از آنان به شیوه ای پسندیده دوری کن، (۱۰)

و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و نازپرورده واگذار و آنان را اندکی مهلت ده، (۱۱)

که حتماً [برای آنان] نزد ما [به کیفر اعمالشان] زنجیرهایی گران و آتشی به شدت شعله ور است، (۱۲)

و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک است، (۱۳)

در روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآیند، و کوه ها به صورت توده ای شن روان گردند! (۱۴)

ما پیامبری که گواه بر [اعمال] شماست، به سویتان فرستادیم، همان گونه که به سوی فرعون، رسولی فرستادیم؛ (۱۵)

پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد، پس او را به عذابی سخت گرفتیم. (۱۶)

اگر امروز کفر بورزید، پس چگونه خود را [از عذاب] روزی که کودکان را پیر می کند، حفظ می نمایید؟! (۱۷)

آسمان به سبب شدت و کوبندگی آن روز، درهم شکافته می شود و قطعاً وعده خدا شدنی است. (۱۸)

بی تردید این [قرآن] مایه تذکر و پند است، پس هر کس بخواهد راهی

به سوی پروردگارش [باتکیه براین قرآن] برگزیند. (۱۹)

پروردگارت آگاه است که تو و گروهی از کسانی که با تواند، نزدیک به دو سوم شب و گاهی نیمی از آن و زمانی یک سومش را [برای عبادت و خواندن قرآن] برمی خیزد، و خدا شب و روز را [دقیق و منظم] اندازه گیری می کند، و برای او مشخص است که شما هرگز نمی توانید [به علت کوتاهی و بلندی شب در طول سال، دو سوم و نصف و یک سوم را دقیقاً] اندازه گیری کنید، پس [اندازه گیری دقیق را] بر شما بخشید؛ بنابراین آنچه را از قرآن برای شما میسر است بخوانید. او می داند که به زودی برخی از شما بیمار می شوند، و گروهی برای به دست آوردن رزق و روزی خدا در زمین سفر می کنند، و بعضی در راه خدا می جنگند؛ پس آنچه را از آن میسر است بخوانید و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و وام نیکو به خدا بدهید؛ و آنچه را از عمل خیر برای خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگ ترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۰)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

الا ای رسولی که در جامه فکرت و خاموشی خفته ای (۱)

هان شب را به نماز و طاعت خدا برخیز مگر کمی (۲)

که نصف یا چیزی کمتر از نصف باشد به استراحت پرداز (۳)

یا چیزی بر نصف بیفزا و به تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باش (۴)

ما به وحی خود کلام بسیار سنگین و گرانمایه قرآن را

بر تو لقا می کنیم (۵)

البته نماز شب و دعا و ناله سحر بهترین شاهد خلاص و صفای قلب و دعوی صدق ایمانست (۶)

تو را روز روشن در طلب روزی وقت کافی و فرصت وسیع است (۷)

و دایم در شب و روز نام خدا را یاد کن و بکلی از غیر او علاقه ببر و به او پرداز که بی انقطاع از خلق اتصال به حق میسر نگردد (۸)

همان خدای مشرق و مغرب عالم که جز او هیچ خدائی نیست او را بر خود وکیل و نگهبان اختیار کن (۹)

و بر طعن و یاوه گوئی کافران و مکذبان صبور و شکیبا باش و به طرزی نیکو که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواریست از آنان دوری گزین (۱۰)

و کار آن کافران مغرور نعمت و مال حرام را به من واگذار و اندک زمانی به آنها مهلت ده تا وقت انتقام بزودی فرا رسد (۱۱)

که البته نزد ما غل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ برای کیفر کافران مهیاست (۱۲)

و طعامی که از فرط غصه و اندوه گلوگیر آنها میشود و عذاب دردناک با حسرت و ندامت در روز ثواب و عقاب بر آنها است (۱۳)

آن روزی که از وحشت آن روز بزرگ زمین و کوه ها به لرزه درآید و تل ریگی شود و چون موج روان گردد (۱۴)

ما به شما امت آخر زمان رسولی فرستادیم که شاهد اعمال و حجت کامل شماست چنانکه بر فرعون و وزیرش هامان و سایر فرعونیان هم رسول فرستادیم (۱۵)

تا فرعون نافرمانی آن رسول کرد ما هم او

را به قهر و انتقام سخت بگرفتیم (۱۶)

پس ای مردم غافل اگر امروز به خدا کافر شوید باز چگونه از عذاب حق نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟ (۱۷)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده ثواب و عقاب الهی به وقوع انجامد (۱۸)

این قرآن برای تذکر و یادآوری فرستاده شد تا هر که بخواهد راهی به سوی خداپیش گیرد و برای سعادت ابد به فکر و ذکر و عبادت پردازد (۱۹)

خدا به حال تو آگاهست که تو و جمعی هم از آنان که با توانند اغلب نزدیک دو ثلثیا نصف یا لا اقل ثلث شب را همیشه به طاعت و نماز می پردازی و خدا گردش روز و شب را مقدر می کند تا هر چه در روز فوت شد شب و هر چه در شب فوت شد روز تدارک کنید خدا میداند که شما هرگز تمام ساعات شب را به عبادت ضبب نخواهید کرد لذا از شما اوقات خواب و کارهای دیگر را درگذشت تا هر چه از شب را بی مشقت و آسانست به تلاوت قرآن پردازید. خدا بر احوال شما آگاهست که برخی مریض و ناتوانید و برخی به سفر برای کسب و تجارت از کرم خدا روزی می طلبید و برخی در راه خدا روز و شب به جنگ و جهاد مشغولید پس در هر حال آنچه میسر و آسان باشد به قرائت قرآن پردازید و نماز بپادارید و زکات مالتان به فقیران بدهید و به خدا قرض نیکو دهید یعنی برای خدا به محتاجان احسان کنید و

قرض الحسنه دهید و بدانید که هر عمل نیک برای آخرت خود پیش فرستید پاداش آن را البته نزد خدا بیابید و آن اجر و ثواب آخرت که بهشت ابد است از متاع دنیا بسی بهتر و بزرگتر است و دایم به دعا از خدا آمرزش طلبید که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۲۰)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

ای جامه به خود پیچیده. (۱)

شب را جز اندکی، به پا خیز. (۲)

نصف آن، یا اندکی از آن کم کن. (۳)

یا بر آن بیفزای و قرآن را با تأنّی و شمرده بخوان. (۴)

همانا ما سخنی سنگین و گرانمایه بر تو القا خواهیم کرد. (۵)

همانا برخاستن در شب (برای عبادت) پایدارتر پابرجاتر و گفتار آن استوارتر است. (۶)

همانا تو در روز حرکت و تلاشی طولانی داری (و کمتر به عبادت می رسی). (۷)

و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به سوی او منقطع شو. (۸)

او که پروردگار مشرق و مغرب است، معبودی جز او نیست، پس او را وکیل خود ساز. (۹)

و بر آنچه می گویند صبر کن و به گونه ای نیکو از آنان کناره بگیر. (۱۰)

و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و خوشگذران واگذار و آنان را اندکی مهلت ده. (۱۱)

همانا نزد ما است غل ها و آتش برافروخته. (۱۲)

و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک. (۱۳)

در روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآیند و کوه ها به صورت پشته هایی از شن روان گردند. (۱۴)

همانا ما رسولی را که گواه بر شماست، به سوی شما فرستادیم، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم. (۱۵)

امّا فرعون،

آن رسول را نافرمانی کرد و ما او را به کیفری وخیم گرفتیم. (۱۶)

پس اگر کفر ورزید، چگونه خود را از (عذاب) روزی که کودکان را پیر می کند مصون می دارید؟ (۱۷)

آسمان به سبب (هول) آن روز می شکافد، آری وعده خداوند انجام شدنی است. (۱۸)

همانا این آیات مایه تذّکر است، پس هر کس می خواهد، راهی به سوی پروردگارش برگیرد. (۱۹)

همانا پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند، نزدیک به دو سوم شب یا نصف آن یا یک سوم آن را به عبادت برمی خیزید و خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند. او می داند که شما نمی توانید به طور دقیق آن را احصا کنید. از این رو شما را بخشید (و حساب دقیق شب را از شما برداشت) پس آنچه میسّر است از قرآن بخوانید. خداوند می داند که برخی از شما بیمار خواهند شد و گروه دیگری به سفر می روند تا از فضل خدا (رزق) جویند و گروه دیگری در راه خدا به جهاد مشغولند (و از تلاوت قرآن بازمی مانند) پس (اکنون که فرصت دارید) هرچه می توانید از قرآن بخوانید و نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خداوند وام دهید، وامی نیکو (بدانید که) آنچه برای خود از پیش فرستید، آن را نزد خدا نیکوتر و با پاداشی بزرگ تر خواهید یافت و از خداوند طلب آمرزش کنید که همانا خداوند آمرزنده مهربان است. (۲۰)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

ای جامه به خود پیچیده، (۱)

شب را [به نماز] برخیز مگر اندکی، (۲)

نیمی از آن را، یا اندکی از نیمه بکاه - تا به

ثلث رسد -، (۳)

یا بر آن بیفزای - تا به دو ثلث رسد - و قرآن را شمرده و آرام - واضح و با درنگ - بخوان. (۴)

ما بر تو سخنی سنگین و دشوار - یا گرانمایه - خواهیم افکند - یعنی این قرآن را بر تو فرو خواهیم آورد -. (۵)

همانا ساعتهای شب - یا قیام و عبادت در شب - استوارتر و پابرجاتر و به گفتار درستتر است - از عبادت روز -. (۶)

زیرا تو را در روز آمد و شد - کار و شغل - دراز و بسیار است - پس شب را ویژه عبادت و خلوت و مناجات کن -. (۷)

و نام پروردگارت را یاد کن و از همه بریده شو و یکسره روی دل بدو آر، (۸)

خداوند خاور و باختر، هیچ خدایی جز او نیست، پس او را کارساز خویش گیر. (۹)

و بر آنچه می گویند شکیبا باش و به شیوه ای نیکو از آنان کناره بگیر. (۱۰)

و مرا با آن دروغ انگاران کامران و توانگر - صنادید قریش - واگذار، و اندکی مهلتشان ده. (۱۱)

هرآینه نزد ما بندهای گران و آتش افروخته است، (۱۲)

و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک، (۱۳)

به روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآید، و کوه ها توده ای ریگ روان گردد. (۱۴)

همانا به سوی شما پیامبری فرستادیم که بر [اعمال] شما گواه است همچنانکه به سوی فرعون پیامبری فرستادیم. (۱۵)

اما فرعون آن پیامبر را نافرمانی کرد، پس او را بگرفتیم گرفتنی سخت. (۱۶)

اگر [امروز] کافر باشید، پس چگونه پروا می کنید از [عذاب] روزی که کودکان

را سپید موی - پیر - می گرداند؟! (۱۷)

آسمان در آن روز شکافته شود، وعده او شدنی است. (۱۸)

همانا این آیتها یادآوری و پندی است، پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگار خویش فراگیرد. (۱۹)

همانا پروردگارت می داند که تو نزدیک دو ثلث شب و نیم آن و ثلث آن را به نماز بر می خیزی و گروهی از آنان که با تواند نیز [چنین می کنند]، و خدا شب و روز را اندازه می کند - به اندازه آن داناست و می داند که شما چه اندازه از شب را به نماز می ایستید -، می داند که شمار آن نتوانید داشت پس [به مهر و بخشایش خود] بر شما بازگشت - آن را بر شما سبک ساخت - پس هر چه میسر شود از قرآن بخوانید، می داند که برخی از شما بیمار و برخی دیگر به جستجوی فضل خدا - روزی - در سفرند و گروهی دیگر در راه خدا کارزار می کنند، پس هر چه میسر شود از آن بخوانید، و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و خدای را وام دهید وامی نیکو - در راه خدا انفاق کنید -، و هر کار نیکی که برای خویشتن پیش فرستید آن را نزد خدای باز یابید - به پاداش آن می رسید -، که آن بهتر و مزدش بزرگتر است، و از خدای آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگار و مهربان است. (۲۰)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

ای جامه بر خود پیچیده ، (۱)

شب را زنده بدار، مگر اندکی را. (۲)

نیمه ای از آن را، یا اندکی از نیمه کم کن. (۳)

یا اندکی بر

نیمه بیفزای و قرآن را شمرده و روشن بخوان. (۴)

ما به تو سخنی دشوار را القا خواهیم کرد. (۵)

هر آینه شب هنگام از بستر برخاستن، موافقت زبان و دل را افزاینده تر است و بیان سخن را استوار دارنده تر. (۶)

که کارهای تو در روز بسیار است. (۷)

و نام پروردگارت را یاد کن و از همه ببر و به او بپیوند: (۸)

پروردگار مشرق و مغرب. هیچ خدایی جز او نیست. او را کارساز خویش برگزین. (۹)

و بر آنچه می گویند صبر کن و به وجهی پسندیده از ایشان دوری جوی . (۱۰)

تکذیب- کنندگان صاحب نعمت را به من واگذار. و اندکی مهلتشان ده . (۱۱)

نزد ماست بندهای گران و دوزخ، (۱۲)

و طعامی گلوگیر و عذابی دردآور. (۱۳)

روزی که زمین و کوهها به لرزه آیند و کوهها تپه ای از ریگ روان گردند. (۱۴)

ما بر شما پیامبری فرستادیم که بر اعمالتان گواه است. بدانسان که بر فرعون هم پیامبری فرستادیم. (۱۵)

و فرعون از پیامبر فرمان نبرد. ما نیز او را به سختی فرو گرفتیم. (۱۶)

اگر کافر باشید، در روزی که کودکان را پیر می گرداند چگونه در امان مانید. (۱۷)

در آن روز آسمان بشکافد و وعده خدا به وقوع پیوندد. (۱۸)

این تذکاری است. پس هر که بخواهد، راهی به سوی پروردگارش آغاز کند. (۱۹)

پروردگار تو می داند که تو و گروهی از آنان که با تو هستند نزدیک به دو ثلث شب و نیم شب و ثلث شب را به نماز می ایستید. و خداست که اندازه شب و روز

را معین می کند. و می داند که شما هرگز حساب آن را نتوانید داشت. پس توبه شما را بپذیرفت. و هر چه میسر شود از قرآن بخوانید. می داند چه کسانی از شما بیمار خواهند شد، و گروهی دیگر به طلب روزی خدا به سفر می روند و گروه دیگر در راه خدا به جنگ می روند. پس هر چه میسر شود از آن بخوانید. نماز بگزارید و زکات بدهید و به خدا قرضالحسنه دهید. و هر خیری را که برای خود پیشاپیش بفرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت. و آن پاداش بهتر است و پاداشی بزرگتر است. و از خدا آمرزش بخواهید، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است. (۲۰)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای مرد جامه بر خود پیچیده (۱)

شب را به پای دار، مگر اندکی از آن را (۲)

نیمه اش، یا اندکی از نیمه کم نما (۳)

یا اندکی بر آن بیفزا، و قرآن را شمرده و شیوا بخوان (۴)

ما سخنی سنگین بر تو نازل می کنیم (۵)

بی گمان شبخیزی بیشتر موافقت [دل و زبان] در بردارد و از لحاظ سخن استوارتر است (۶)

تو را در روز کار و کوشش بسیار است (۷)

و نام پروردگارت را یاد کن و از همه گسسته و با او پیوسته شو (۸)

پروردگار مشرق و مغرب، که خدایی جز او نیست، او را کارساز خود بشمار (۹)

و بر آنچه می گویند شکیبایی کن و از آنان به نیکویی دوری کن (۱۰)

و مرا با منکران متنعم واگذار و اندکی به آنان مهلت ده (۱۱)

بی گمان نزد ما بندها و آتش دوزخ

است (۱۲)

و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک (۱۳)

روزی که زمین و کوه ها بلرزد و کوه ها [چون] ریگهای روان شود (۱۴)

ما به سوی شما پیامبری فرستاده ایم که بر شما گواه است، همچنانکه به سوی فرعون هم پیامبری فرستادیم (۱۵)

آنگاه فرعون از پیامبر نافرمانی کرد، و او را به گیر و داری سخت فرو گرفتیم (۱۶)

پس اگر کفرورزید، چگونه از روزی که کودکان را پیر می گرداند، می پرهیزید [و در امان می مانید]؟ (۱۷)

و آسمان بدان شکافته گردد، که وعده او انجام گرفتنی است (۱۸)

این پندآموزی است، پس هر کس که خواهد راهی به سوی پروردگارش پیش گیرد (۱۹)

بی گمان پروردگارت می داند که تو و گروهی از همراهانت نزدیک به دو سوم شب و [گاه] نصف آن و [گاه] یک سوم آن را [به نماز] بر می خیزی، و خداوند است که شب و روز را سامان می دهد، و معلوم داشت که شما هرگز آن را تاب نمی آورید، لذا از شما درگذشت، حال هر چه مقدور باشد از قرآن بخوانید، معلوم داشت که بعضی از شما [ممکن است] بیمار باشند و دیگران در این سرزمین [تلاش می کنند و] گام می زنند و روزی خود از فضل الهی می جویند، و دیگرانی هم هستند که در راه خدا کارزار می کنند، لذا هر چه مقدور باشد از آن بخوانید، و نماز [پنجگانه واجب] را برپا دارید و زکات بپردازید، و در راه خدا قرض الحسنه دهید، و هر آنچه از کارهای خیر که برای خود پیش اندیشی کنید، پاداش آن را بهتر و بزرگتر نزد خداوند خواهید یافت، و از خداوند آمرزش خواهید، که خداوند آمرزگار مهربان

است. (۲۰)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ای جامه به خود پیچیده (۱)

بپای خیز شب را جز اندکی (۲)

نیمش را یا بکاه از آن اندکی (۳)

یا بیفزای بر آن و بسرای قرآن را سرودنی (۴)

همانا زود است افکنیم بر تو گفتاری سنگین (۵)

همانا پیدایش شب پررنج تر است و استوارتر است در گفتار (۶)

همانا تو را است در روز شناوریی دراز (بلند) (۷)

و یاد کن نام پروردگار خویش را و به سویش گرای گرائیدنی (۸)

پروردگار خاور و باختر نیست خدائی جز او پس برگیرش وکیل (۹)

و شکیبا شو بر آنچه گویند و دوری گزین از ایشان دوری جستنی نکو (۱۰)

و بهل مرا با تکذیب کنندگان دارندگان نعمت و مهلتشان ده اندکی (۱۱)

همانا نزد ماست شکنجه هائی و دوزخی (۱۲)

و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناك (۱۳)

روزی که بلرزد زمین و کوه ها و بگردند کوه ها پشته ای پاشیده (پراکنده) (۱۴)

همانا فرستادیم بر شما پیمبری که گواه است بر شما چنانکه فرستادیم بسوی فرعون پیمبری (۱۵)

پس عصیان کرد فرعون پیمبر را پس گرفتیمش گرفتنی سخت (۱۶)

پس چگونه پرهیزید اگر کفر ورزید روزی را که بگرداند کودکان را پیر (۱۷)

آسمان است شکافته بدان بوده است وعده شدنی (۱۸)

همانا این است یادآوردنی تا هر که خواهد گیرد بسوی پروردگار خویش راهی (۱۹)

همانا پروردگار تو داند که برمی خیزی کمتر از دو ثلث شب را و نیمی از آن و سه یك از آن را و گروهی از آنان که با تو هستند خدا است اندازه دهنده (مقدرکننده) شب و روز دانست که هرگز فرا نگیریدش پس توبه کرد بر

شما پس بخوانید هر چه دست به هم دهد از قرآن دانست بزودی باشد از شما بیمارانی و دیگرانی که بگردند در زمین در پی فضل خدا و دیگرانی که پیکار کنند در راه خدا پس بخوانید آنچه فراهم شود از آن و بپای دارید نماز را و بدهید زکات را و وام دهید خدا را وامی نکو و آنچه پیش فرستید برای خویش از نیکی بیابیدش نزد خدا بهتر و بزرگتر به پاداش و آمرزش خواهید از خدا که خدا است همانا آمرزنده مهربان (۲۰)

ترجمه انگلیسی قرائی

In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful.

۱ O you wrapped up in your mantle!

۲ Stand vigil through the night, except a little,

۳ a half, or reduce a little from that

۴ or add to it, and recite the Qur’an in a measured tone.

۵ Indeed soon We shall cast on you a weighty word.

۶ Indeed the watch of the night is firmer in tread and more upright in respect to speech,

۷ for indeed during the day you have drawn-out engagements.

۸ So celebrate the Name of your Lord and dedicate yourself to Him with total dedication.

۹ Lord of the east and the west, there is no god except Him, so take Him for your trustee,

۱۰ and be patient over what they say, and keep away from them in a graceful manner.

۱۱ Leave Me [to deal] with the deniers, the opulent, and give them a little respite.

۱۲ Indeed with Us are heavy fetters and a fierce fire,

۱۳ and

[a food that chokes [those who gulp it], and a painful punishment [prepared for

۱۴ the day when the earth and the mountains will quake, and the mountains will be like .dunes of shifting sand

۱۵ Indeed We have sent to you an apostle, to be a witness to you, just as We sent an .apostle to Pharaoh

۱۶ .But Pharaoh disobeyed the apostle; so We seized him with a terrible seizing

۱۷ So, if you disbelieve, how will you avoid the day which will make children white- ,headed

۱۸ .and wherein the sky will be rent apart? His promise is bound to be fulfilled

۱۹ .This is indeed a reminder. So let anyone who wishes take the way toward his Lord

۲۰ Indeed your Lord knows that you stand vigil nearly two thirds of the night—or [at times] a half or a third of it—along with a group of those who are with you. Allah measures the night and the day. He knows that you cannot calculate it [exactly], and so He was lenient toward you. So recite as much of the Qur'an as is feasible. He knows that some of you will be sick, while others will travel in the land seeking Allah's grace, and yet others will fight in the way of Allah. So recite as much of it as is feasible, and maintain the prayer and pay the zakat and lend Allah a good loan. Whatever good [you send ahead for your souls you will find it with Allah [in a form

that is better and greater with respect to reward. And plead to Allah for forgiveness; .indeed Allah is all-forgiving, all-merciful

ترجمه انگلیسی شاکر

(O you who have wrapped up in your garments! (۱

(Rise to pray in the night except a little, (۲

(Half of it, or lessen it a little, (۳

(Or add to it, and recite the Quran as it ought to be recited. (۴

(Surely We will make to light upon you a weighty Word. (۵

Surely the rising by night is the firmest way to tread and the best corrective of speech. ((۶

(Surely you have in the day time a long occupation. (۷

And remember the name of your Lord and devote yourself to Him with (exclusive) (devotion. (۸

The Lord of the East and the West-- there is no god but He-- therefore take Him for a (protector. (۹

(And bear patiently what they say and avoid them with a becoming avoidance. (۱۰

And leave Me and the rejecters, the possessors of ease and plenty, and respite them (a little. (۱۱

(Surely with Us are heavy fetters and a flaming fire, (۱۲

(And food that chokes and a painful punishment, (۱۳

On the day when the earth and the mountains shall quake and the mountains shall (become (as) heaps of sand let loose. (۱۴

Surely We have sent to you a Messenger, a witness against you, as We sent a (messenger to Firon. (۱۵

(But Firon disobeyed the messenger, so We laid on him a violent hold. (۱۶

How, then, will you

guard yourselves, if you disbelieve, on the day which shall make children grey-(headed? (۱۷

(The heaven shall rend asunder thereby; His promise is ever brought to fulfillment. (۱۸

(Surely this is a reminder, then let him, who will take the way to his Lord. (۱۹

Surely your Lord knows that you pass in prayer nearly two-thirds of the night, and (sometimes) half of it, and (sometimes) a third of it, and (also) a party of those with you; and Allah measures the night and the day. He knows that you are not able to do ((۲۰

ترجمه انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

, You who are bundled up (۱)

:stay up all night, except for a little while (۲)

,half of it or a trifle less than that (۳)

.or [even] add some to it, and chant the Qur'an distinctly as it should be chanted (۴)

!We will cast a weighty statement on you (۵)

The onset of night is more serious for impressions, as well as more effective for (۶) .speaking in

.You have lengthy employment during daylight (۷)

!Mention your Lord's name and devote yourself to Him utterly (۸)

Lord of the East and the West, there is no deity except Him, so accept him as your (۹) .Defender

Be patient about anything they may say, and steer clear of them in a polite (۱۰) .manner

Let Me deal with rejectors who are enjoying their leisure; put up with them for a (١١) .while

Before us there lie fetters (١٢)

,and Hades

.plus food which will make one choke, and painful torment (١٣)

Some day the earth and mountains will rumble, and the mountains spill over as if (١٤) .they had been turned into sand

We have sent a messenger to you (all) to act as a witness concerning you, just as (١٥) .We sent Pharaoh a messenger

!Yet Pharaoh defied the messenger, so We seized him mercilessly (١۶)

So how will you do your duty if you already disbelieve in the day which will turn (١٧) ?children into greybeards

.The sky will crack open from it; His promise will be fulfilled (١٨)

.This is a Reminder, so let anyone who so wishes, adopt a way unto his Lord (١٩)

Your Lord knows how you stay up close to two thirds of the night [in prayer], half (٢٠) of it, and even a third of it; and [so do] a group of those who are with you. God measures out both night and daylight; He knows that you (all) will never count them up, so He has relented towards you. Read whatever seems feasible from the Qur'an. He knows that some of you may be ill while others are out travelling around the earth seeking God's bounty, and still others are fighting for God's sake. So read any of it that seems feasible, and keep up prayer and pay the welfare tax, and advance God a handsome loan. Anything good you send on ahead for yourselves, you will find [later on] with God; it is

better and more important as earnings. Seek forgiveness from God; God will be .Forgiving, Merciful

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(O thou enwrapped in thy robes, (۱

(keep vigil the night, except a little (۲

(a half of it, or diminish a little, (۳

(or add a little, and chant the Koran very distinctly. (۴

(Behold, We shall cast upon thee a weighty word; (۵

(surely the first part of the night is heavier in tread, more upright inspeech, (۶

(surely in the day thou hast long business. (۷

(And remember the Name of thy Lord, and devote thyself unto Him very devoutly. (۸

(Lord of the East and the West; there is no god but He; so take Him for aGuardian. (۹

(And bear thou patiently what they say, and forsake themgraciously. (۱۰

(Leave Me to those who cry lies, those prosperous ones, and respite them alittle, (۱۱

(for with Us there are fetters, and a furnace, (۱۲

(and food that chokes, and a painful chastisement, (۱۳

upon the day when the earth and the mountains shall quake and the (mountainsbecome a slipping heap of sand. (۱۴

Surely We have sent unto you a Messenger as a witness over you, even as Wesent to (Pharaoh a Messenger, (۱۵

(but Pharaoh rebelled against the Messenger, so We seized him remorselessly. (۱۶

If therefore you disbelieve, how will you guard yourselves against a day thatshall (make the children grey-headed? (۱۷

(Whereby heaven shall be split, and its promise shall be performed. (۱۸

(Surely this is a Reminder; so let him who will take unto his Lord a way. (۱۹

Thy Lord knows that thou keepest vigil nearly two-thirds of the night, or ahalf of it, or a third of it, and a party of those with thee; and Goddetermines the night and the day. He knows that you will not number it, andHe has turned towards you. Therefore recite of the Koran so much as isfeasible. He knows that some of you are sick, and others journeying in theland, seeking the bounty of God, and others fighting in the way of God. Sorecite of it so much as is feasible. And perform the prayer, and pay thealms, and lend to God a good loan. Whatever good you shall forward to yoursouls' account, you shall find it with God as better, and mightier a wage.And ask God's forgiveness; (God is All-forgiving,All-compassionate. (۲۰

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(O thou wrapped up in thy raiment! (۱

(Keep vigil the night long, save a little (۲

(A half thereof, or abate a little thereof (۳

(Or add (a little) thereto and chant the Quran in measure, (۴

(For We shall charge thee with a word of weight. (۵

Lo! the vigil of the night is (a time) when impression is more keen and speech more (certain. (۶

(Lo! thou hast by day a chain of business. (۷

(So remember the name of thy Lord and devote thyself with a complete devotion (۸

Lord of the

East and the West; there is no God save Him; so choose thou Him alone for thy (defender (٩

And bear with patience what they utter, and part from them with a fair leave taking. ((١٠

Leave Me to deal with the deniers, lords of ease and comfort (in this life); and do thou (respite them awhile. (١١

(Lo! with Us are heavy fetters and a raging fire, (١٢

(And food which choketh (the partaker), and a painful doom (١٣

On the day when the earth and the hills rock, and the hills become a heap of running (sand. (١۴

Lo! We have sent unto you a messenger as witness against you, even as We sent unto (Pharaoh a messenger. (١۵

But Pharaoh rebelled against the messenger, whereupon We sealed him with no (gentle grip. (١۶

Then how, if ye disbelieve, will ye protect yourselves upon the day which will turn (children grey, (١٧

(The very heaven being then rent asunder. His promise is to be fulfilled. (١٨

(Lo! This is a Reminder. Let him who will, then, choose a way unto his Lord. (١٩

Lo! thy Lord knoweth how thou keepest vigil sometimes nearly two thirds of the night, or (sometimes) half or a third thereof, as do a party of those with thee. Allah measureth the night and the day. He knoweth that ye count it not, and turneth unto you in mercy. Recite, then, of the Quran that which is easy for you. He knoweth that ,there are sick folk among you

while others travel in the land in search of Allah's bounty, and others (still) are fighting for the cause of Allah. So recite of it that which is easy (for you), and establish worship and pay the poor due and (so) lend unto Allah a goodly loan. Whatsoever good ye send before you far your souls, ye will surely find it with Allah, better and greater in (the recompense. And seek forgiveness of Allah. Lo! Allah is Forgiving, Merciful. (۲۰

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(O thou folded in garments! (۱

(Stand (to pray) by night but not all night (۲

(Half of it or a little less (۳

(Or a little more; and recite the Quran in slow measured rhythmic tones. (۴

(Soon shall We send down to thee a weighty Message. (۵

Truly the rising by night is most potent for governing (the soul) and most suitable for ((framing) the Word (of Prayer and Praise). (۶

(True there is for thee by day prolonged occupation with ordinary duties: (۷

But keep in remembrance the name of the Lord and devote thyself to Him (wholeheartedly. (۸

He is) Lord of the East and the West: there is no god but He: take Him therefore for) ((thy) Disposer of Affairs. (۹

(And have patience with what they say and leave them with noble (dignity). (۱۰

And leave Me (alone to deal with) those in possession of the good things of life who (yet) deny the Truth; and bear with them for

(a little while. (۱۱

(With Us are Fetters (to bind them) and a Fire (to burn them) (۱۲

(And Food that chokes and a Penalty Grievous. (۱۳

One Day the earth and the mountains will be in violent commotion and the mountains (will be as a heap of sand poured out and flowing down. (۱۴

We have sent to you (O men!) an apostle to be a witness concerning you even as We (sent an apostle to Pharaoh. (۱۵

(But Pharaoh disobeyed the apostle; so We seized him with a heavy Punishment. (۱۶

Then how shall ye if ye deny (Allah) guard yourselves against a Day that will make (children hoary-headed? (۱۷

(Whereon the sky will be cleft asunder? His Promise needs must be accomplished. (۱۸

Verily this is an Admonition: Therefore whoso will let him take a (straight) path to his (Lord! (۱۹

The Lord doth know that thou standest forth (to prayer) nigh two- thirds of the night or half the night or a third of the night and so doth a party of those with thee. But Allah doth appoint Night and Day in due measure. He knoweth that ye are unable to keep count thereof. So He hath turned to you (in mercy): read ye therefore of the Quran as much as may be easy for you. He knoweth that there may be (some) among you in ill-health; others travelling through the land seeking of Allahs bounty; yet others fighting in Allahs Cause. Read ye therefore as much of the Quran

as may be easy (for you); and establish regular Prayer and give regular Charity; and loan to Allah a Beautiful Loan. And whatever good ye send forth for your souls Ye shall find it in Allahs presence yea better and greater in Reward. And seek ye the Grace of (Allah: for Allah is Oft-Forgiving Most Merciful. (٢٠

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

١. ش!, dans tes vêtements] toi, l'enveloppé[!

٢. Lève-toi [pour prier], toute la nuit, excepté une petite partie;

٣. Sa moitié, ou un peu moins;

٤. ou un peu plus. Et récite le Coran, lentement et clairement.

٥. Nous allons te révéler des paroles lourdes (très importantes).

٦. La prière pendant la nuit est plus efficace et plus propice pour la récitation.

٧. Tu as, dans la journée, à vaquer à de longues occupations.

٨. Et rappelle-toi le nom de ton Seigneur et consacre-toi totalement à Lui,

٩. le Seigneur du Levant et du Couchant. Il n'y a point de divinité à part Lui. Prends-Le donc comme Protecteur.

١٠. Et endure ce qu'ils disent; et écarte-toi d'eux d'une façon convenable.

١١. Et laisse-moi avec ceux qui crient au mensonge et qui vivent dans l'aisance; et accorde-leur un court répit:

١٢. Nous avons [pour eux] lourdes chaînes et Enfer,

١٣. et nourriture à faire suffoquer, et châtiment douloureux.

١٤. Le jour où la terre et les montagnes trembleront, tandis que les montagnes

.deviendront comme une dune de sable dispersée

Nous vous avons envoyé un Messager pour être témoin contre .١٥

.vous, de même que Nous avions envoyé un Messager à Pharaon

.Pharaon désobéit alors au Messager. Nous le saisîmes donc rudement .۱۶

Comment vous préserverez-vous, si vous mécroyez, d'un jour qui rendra les .۱۷ ?enfants comme des vieillards aux cheveux blancs

.et] durant lequel le ciel se fendra. Sa promesse s'accomplira sans doute] .۱۸

.Ceci est un rappel. Que celui qui veut prenne une voie [menant] à son Seigneur .۱۹

Ton Seigneur sait, certes, que tu (Muhammad) te tiens debout moins de deux tiers .۲۰ de la nuit, ou sa moitié, ou son tiers. De même qu'une partie de ceux qui sont avec toi. Allah détermine la nuit et le jour. Il sait que vous ne saurez jamais passer toute la nuit en prière. Il a usé envers vous avec indulgence. Récitez donc ce qui [vous] est possible du Coran. Il sait qu'il y aura parmi vous des malades, et d'autres qui voyageront sur la terre, en quête de la grâce d'Allah, et d'autres encore qui combattront dans le chemin d'Allah. Récitez-en donc ce qui [vous] sera possible. Accomplissez la Salat, acquittez la Zakat, et faites à Allah un prêt sincère. Tout bien que vous vous préparez, vous le retrouverez auprès d'Allah, meilleur et plus grand en fait de récompense. Et implorez .le pardon d'Allah. Car Allah est Pardonneur et Très Miséricordieux

ترجمه اسپانیایی

!Tú, el arrebujadoi .۱

,Vela casi toda la nochei .۲

,o media noche, o algo menos .۳

!o más, y recita el Corán lenta y claramente .۴

:Vamos a comunicarte algo importante .۵

.la primera noche es más eficaz y de dicción más correcta .۶

.Durante el día estás demasiado ocupado .۷

!Y menciona el nombre de tu Señor y conságrate totalmente a Éli .۸

El Señor del Oriente y del Occidente. No hay más dios que Él. ¡Tómale, pues, como .۹ !protector

!Ten paciencia con lo que dicen y apártate de ellos discretamentei .۱۰

Déjame con los desmentidores, que gozan de las comodidades de la vida!i .۱۱ !¡Concédeles aún una breve prórroga

,Disponemos de cadenas y de fuego de gehena .۱۲

.de alimento que se atraganta y de castigo doloroso .۱۳

El día que tiemblen la tierra y las montañas, y se conviertan las montañas en .۱۴ ...montones dispersos de arena

Os hemos mandado un Enviado, testigo contra vosotros, como antes habíamos .۱۵ .mandado un enviado a Faraón

.Faraón desobedeció al enviado y le sorprendimos duramente .۱۶

?Si no creéis, ¿cómo vais a libraros de un día que hará encanecer a los niños .۱۷

.El cielo se entreabrirá. Se cumplirá Su promesa .۱۸

!Esto es un Recuerdo. El que quiera ¡que emprenda camino hacia su Señor .۱۹

Tu Señor sabe que pasas en oración casi dos tercios de la noche, la mitad o un .۲۰ tercio de la misma, y lo mismo algunos de los que están contigo. Alá determina la noche y el día. Sabe que no vais a contarlo con exactitud y os perdona. ¡Recitad, pues, lo

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnنdigen, des Barmherzigen.

١. O du Verhüllter!

٢. Erhebe dich und verbringe die Nacht

– im Gebet, stehend, bis auf ein kleines

٣. Die Hنlfte davon, oder verringere es ein wenig,

٤. Oder füge ein wenig hinzu – und sprich den Koran langsam und besinnlich.

٥. Fürwahr, Wir legen dir da ein Wort auf, das gewichtig ist.

٦. Wahrlich, die Nachtwache ist die beste Zeit zur Selbstzucht und zur Erreichung von Aufrichtigkeit in Wort.

٧. Du hast ja gewiک wنhrend des Tages eine lange Beschنftigung.

٨. So gedenke des Namens deines Herrn und weihe dich Ihm ausschlieکlich.

٩. Herr des Ostens und des Westens – es gibt keinen Gott auکer Ihm; drum nimm Ihn zum Beschützer.

١٠. Und ertrage in Geduld alles, was sie reden; und scheide dich von ihnen in geziemender Art.

١١. Und laک Mich allein mit denen, die die Wahrheit verwerfen und in ppigkeit und Behagen leben; und gewنhre ihnen eine kleine Frist.

١٢. Bei Uns sind schwere Fesseln und ein rasendes Feuer

١٣. Und erstickende Speise und schmerzliche Strafe,

١٤. Am Tage, da die Erde und die Berge erbeben und die Berge Haufen von rinnendem Sand werden sollen.

١٥. Wahrlich, Wir haben euch einen Gesandten geschickt, der ein Zeuge ist über euch, wie Wir zu Pharao einen Gesandten schickten.

١٦. Doch Pharao widersetzte sich dem Gesandten, drum erfaکten Wir ihn mit schrecklichem Griff.

١٧. Wie wollt ihr euch, wenn ihr unglنubig seid, wohl schützen vor einem Tag, der

?Kinder greis macht

in Erfüllung كung muكDem Tage) da der Himmel sich spalten wird! Seine Verhei) .۱۸
.gehn

,Dies ist fürwahr eine Ermahnung. So nehme nun .۱۹

.wer da will, den Weg zu seinem Herrn

du im Gebete stehest fast zwei Drittel der Nacht, ک fürwahr, da ک Dein Herr wei .۲۰ lfte oder ein Drittel davon, und ein Teil derer, die mit dir sind ن und (manchmal) eine H ک da ,ک der Nacht und des Tages. Er wei ک (tun auch so). Und Allah bestimmt das Ma ihr es nicht werdet bestimmen knnen, darum hat Er Sich euch in Gnade zugewandt. einige unter ک da ,ک llt. Er wei ن Traget denn so viel vom Koran vor, wie (euch) leicht f euch sein werden, die krank sind, und andere, die im Lande umherreisen, nach Allahs mpfen. So traget ن Gnadenfülle strebend, und wieder andere, die für Allahs Sache k llt, und verrichtet das Gebet und zahlet die Zakat ن von ihm das vor, was (euch) leicht f und leihet Allah ein stattliches Darlehen. Und was ihr an Gutem für eure Seelen er sein an Lohn. ک vorausschicket, ihr werdet es bei Allah finden; es wird besser und gr .Und bittet Allah um Verzeihung. Wahrlich, Allah ist allverzeihend, barmherzig

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. nelle tue vesti] O tu l'avvolto] ,

۲. veglia una parte della notte,

۳. la metà, oppure meno,

۴. distintamente, oppure poco più. E recita il Corano lentamente .

۵. Faremo scendere su di te parole gravi.

۶. In verità la preghiera della notte è la più efficace e la più propizia:

۷. durante il giorno hai occupazioni impegnative.

۸. Menziona il Nome del tuo Signore e consacrati totalmente a Lui.

۹. Il Signore dell'Oriente e dell'Occidente: non c'è dio

.all'infuori di Lui. Prendi Lui come Protettore

. Sopporta con pazienza quello che dicono e allontanati dignitosamente .١٠

LasciaMi con coloro che tacciano di menzogna, che vivono nell'agiatezza e concedi .١١ .loro un po' di tempo

Invero presso di Noi ci sono catene e la Fornace .١٢

,e cibo che soffoca e doloroso castigo .١٣

nel Giorno in cui la terra e le montagne tremeranno e in cui le montagne . ١۴ .diventeranno come dune di sabbia fina

In verità inviammo a voi un Messaggero, affinché testimoniasse contro di voi, così .١۵ .come inviammo un Messaggero a Faraone

.Ma Faraone disobbedì al Messaggero. Lo afferrammo allora con stretta severa .١۶

Come vi difenderete, voi che già non credeste nel Giorno che trasformerà i bambini .١٧ in vecchi canuti

.nel Giorno in cui] si spaccherà il cielo? La promessa [di Allah] si realizzerà] .١٨

In verità questo è un Monito. Chi vuole, intraprenda dunque la via che conduce al .١٩ .suo Signore

In verità il tuo Signore sa che stai ritto [in preghiera] per quasi due terzi della notte, .٢٠ o la metà, o un terzo e che lo stesso [fanno] una parte di coloro che sono con te. Allah ha stabilito la notte e il giorno. Egli già sapeva che non avreste potuto passare tutta la notte in preghiera ed è stato indulgente verso di voi. Recitate dunque, del Corano, quello che vi sarà agevole. Egli già sapeva che ci sarebbero stati tra voi i malati ed altri che avrebbero viaggiato sulla terra in cerca della

grazia di Allah ed altri ancora che avrebbero lottato per la Sua causa. Recitatene dunque quello che vi sarà agevole. Assolvete all'orazione e versate la decima e fate ad Allah un prestito bello. Tutto il bene che avrete compiuto, lo ritroverete presso Allah, migliore e maggiore ricompensa. Implorate il perdono di Allah. In verità Allah è .perdonatore, misericordioso

ترجمه روسی

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

١. !О завернувшийся

٢. – ,Простаивай ночь, если не немного

٣. ,половину ее, или убавь от этого немного

۴. .или прибавь к этому и читай Коран чтением

۵. .Мы пошлем тебе слово тяжелое

۶. .Ведь вставание ночью – оно сильнее по действию и прямее по речи

٧. .Ведь у тебя днем великое плавание

٨. .И поминай имя Господа твоего и устремись к нему всем устремлением

٩. Господь востока и запада; нет божества, кроме Него; возьми же Его !покровителем

١٠. .И терпи то, что они говорят, и беги от них хорошенько

١١. И оставь Меня с теми, кто обвиняет во лжи, обладателями благодати, и дай .им отсрочку немного

١٢. ,Поистине, у Нас ведь оковы и огонь

١٣. и еда удавляющая, и наказание мучительное

!в тот день, как задрожит земля и горы и станут горы холмом сыпучим .۱۴

Мы ведь послали к вам посланца, свидетельствующего против вас, как .۱۵
.послали к Фир'ауну посланца

.И ослушался Фир'аун посланца, и схватили Мы его схваткой мучительной .۱۶

И как же вы спасетесь, если останетесь неверными, от того дня, который .۱۷
?детей сделает седыми

.Небо раскалывается тогда; обещание Его совершается .۱۸

Поистине, это – напоминание; и кто .۱۹

.пожелает, избирает путь к Господу своему

Поистине, Господь твой знает, что ты простаиваешь меньше, чем две трети .۲۰ ночи, и половину ее и треть; и люди из тех, что с тобою. И Аллах размеряет ночь и день. Знает Он, что вы не учтете этого, и обратился Он к вам. Читайте же, что легко вам из Корана. Знает Он, что будут из вас больные и другие, которые ударяют землю, выискивая милости Аллаха, и другие, которые сражаются на пути Аллаха. Читайте же, что легко вам из него, и простаивайте молитву, и приносите очистительную подать, и одолжайте Аллаху хороший заем. Что вы уготоваете вперед из добра для самих себя, найдете это у Аллаха лучшим и большим по награде, и просите прощения у Аллаха. Поистине, Аллах - !Прощающ, Милостив

ترجمه ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adiyle

.Ey elbisesine bürünen -۱

.Geceleyin halk namaza ama gecenin az bir ksmnda -۲

.Gece yarsnda, yahut ondan biraz da sonra -۳

Yahut biraz nce ve oku Kur'ân', harfleri saylrcasna, tâne-tâne ve yava yava -۴

.Gerçekten de sana ar bir ey vahyedeceiz -۵

üphe yok ki geceleyin kalkmak, pek me akkatlidir, fakat ibâdet için de gece, pekق -۶ .uygun

.üphe yok ki gündüzün, i in-gücün vardrق -۷

.Ve an Rabbinin adn ve gnlünü ona tam baa -۸

Rabbidir dounun ve batnn, yoktur ondan ba ka tapacak, artk ona dayan, onu - ۹ .koruyucu say

Ve sabret dediklerine ve gnlünden onlara aykr olmakla berâber ktülüklerine kar -١٠
.vermeyerek brak onlar

.Ve bana brak nîmet sâhibi olan yalanlayanlar ve az bir zaman mühlet ver onlara -١١

üphe yok ki katmzdaق -١٢

.bağlar var ve koca cehennem var

۱۳- .Ve boğazdan geçmez dikenli yemek var ve elemli bir azap var

۱۴- O gün, iddetli bir sarsntyla yeryüzü ve dağlar sarslr ve hepsi de esintiyle tozan kum .yığınlarna dner

۱۵- قüphe yok ki biz, size tank olmak üzere bir Peygamber gnderdik, nitekim Firavun'a .da peygamber gndermi tik

۱۶- Derken Firavun, peygambere isyân etmi ti de onu, pek iddetli bir sûrette helâk etmi .tik

۱۷ - Nasl korursunuz kendinizi, kâfir olursanz, o günün errinden ki çocuklar bile .ihtiyarlatr da saçlarn ağartr

۱۸- .Gk, o gün yarlr, vaadi, yerine gelir

۱۹- قüphe yok ki bu, bir üttür; artk dileyen, Rabbine yol bulur.

۲۰- قüphe yok ki Rabbin daha iyi bilir, gerçekten de senin, gecenin üçte ikisinden ve yarsndan daha az ve bâz vakitlerde de üçte biri kadar bir zamânnda kalktığn ve seninle berâber bulunanlarn bir blüğünün de kalktklarn ve Allah, gecenin ve gündüzün vakitlerini lçer; bilmi tir ki siz, onu lâykyla hesaplayamazsnz, bu yüzden de tvbenizi kabûl etmi tir, artk, Kur’ân'dan, kolay geleni okuyun; bilmi tir ki sizden hastalar bulunabilir ve bir ba ka ksmnz da Allah'n lütfünü, ihsânn elde etmek için yeryüzünde yolculuk eder ve ba ka bir blük de Allah yolunda sava r, artk, ondan, kolay geleni okuyun ve kln namaz ve verin zekât ve Allah'a, güzel bir borç verin ve kendiniz için, nceden ne hayr yaparsanz ondan daha hayrlsyla ve mükâfat bakmndan daha büyüğüyle bulursunuz onu Allah katnda ve yarlganma dileyin Allah'tan ve üphe yok ki .Allah, suçlar rter, rahîmdir

ترجمه آذربایجانی

!Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə

!(Ey (libasına) örtünüb bürünən (əbasına bürünüb yatan Peyğəmbər .۱

– Gecəni .۲

!az bir hissəsi istisna olmaqla – qalxıb namaz qıl

;Gecənin) yarısına qədər, yaxud bir qədər ondan az) .٣

Və ya bir qədər ondan çox! (Sənin gecəni oyaq qalıb namaz qılmağın onun üçdə bir .۴ hissəsindən az, üçdə ikisindən çox olmasın!) Həm də (gecə ibadət etdiyin zaman) !aramla (ağır-ağır) Qur'an oxu

.Həqiqətən, Biz sənə (məs'uliyyəti) ağır bir kəlam (Qur'an) vəhy edəcəyik .۵

Şübhəsiz ki, gecə (namaz qılmaq üçün) qalxmaq (çox çətin olsa da) daha əlverişli və .۶ !(o zaman) söz demək (Qur'an oxumaq, dua etmək) daha münasibdir

Cünki gündüz (ya Peyğəmbər!) sənin uzun-uzadı davam edən (dünyəvi) işlərin .٧ vardır. (Gündüz insanın işi çox olur, məişət işləri hardasa onu ibadətdən bir qədər yayındırır. Gecə isə insan rahatlaşır, heç kəs ona mane olmur. İnsan öz daxilinə qapılıb Rəbbi ilə tək qalır, qulaq qəlbə daha yaxın olur. Buna görə də gecə ibadət etmək çətin .(olsa da, daha məqsədəuyğundur

.Rəbbinin adını zikr et və (hər şeyi buraxıb) Ona tərəf yönəl .٨

O, məşriqin və məğribin Rəbbidir. Ondan başqa heç bir tanrı yoxdur. (?zünə) ancaq .٩ !Onu vəkil et

Ya Peyğəmbər!) Onların (Məkkə müşriklərinin) sənə deyəcəklərinə (batil söz və) .١٠ !iftiralarına) səbr et. Onlardan gözəl tərzdə ayrıl

Ayələrimizi) yalan sayan var-dövlət sahiblərini mənə tapşır və onlara bir az möhlət) .١١ .(ver! (Tezliklə cəzalarına yetişərlər

;Dərgahımızda (onlardan ötrü ağır) qandallar və (alovlu) Cəhənnəm .١٢

!Boğaza tıxanıb qalan yemək (zəqqum) və (yandırıb-yaxan) şiddətli əzab vardır .١٣

O gün (qiyamət qopandan) yer və dağlar lərzəyə gəlib titrəyəcək, dağlar (dağılıb) .١۴ .yumşaq qum təpəsinə dönəcəkdir

Həqiqətən, Biz – Fir'ona peyğəmbər göndərdiyimiz kimi – sizə .۱۵

də (qiyamət günü Allahın hüzurunda) şahidlik edəcək peyğəmbər göndərdik.

۱۶. Fir'on o peyğəmbərə (Musaya) asi oldu və Biz də onu şiddətli əzabla yaxaladıq (həm özünün, həm də onunla birlikdə olanları suda boğduq).

۱۷. Elə isə əgər küfr etmiş olsanız, uşaqları ağ saçlı qocalara döndərəcək gündən (qiyamət gününün əzabından) özünüzü necə qoruyacaqsınız?!

۱۸. (O gün) göy parçalanaraq, (Allahın) və'di yerinə yetəcəkdir.

۱۹. Həqiqətən, bu (ayələr insanlara) öyüd-nəsihətdir. Hər kəs istəsə, Rəbbinə tərəf bir yol tutar! (İbadət və itaətlə Allaha yaxınlaşar!)

۲۰. (Ya Peyğəmbər!) Həqiqətən, Rəbbin bilir ki, sən (yatağından) qalxıb bə'zən gecənin təqribən üçdə ikisini, bə'zən yarısını, bə'zən də üçdə birini namaz qılırsan. Səninlə birlikdə olan bir zümrə (yaxın səhabən) də belədir. Gecəni də, gündüzü də ölçüb-biçən ancaq Allahdır. O sizin bunu (gecə vaxtlarını və saatlarını) ölçüb saya bilməyəcəyinizi (yaxud bütün gecəni oyaq qalıb ibadət edə bilməyəcəyinizi) bildiyi üçün sizi əfv etdi (sizə rüsxət verdi). Qur'andan sizə müyəssər olanı oxuyun. (Allah) bilir ki, içərinizdə xəstələr də olacaq, bə'ziləri Allahın lütfündən ruzi axtarmaq üçün (ticarət məqsədilə) yer üzünü gəzib dolaşacaq, digərləri isə Allah yolunda vuruşacaqdır (cihada gedəcəkdir). Elə isə ondan (Qur'andan) sizə müyəssər olanı oxuyun, namaz qılın, zəkat verin və Allah yolunda gözəl (könül xoşluğu ilə) bir borc verin. ?zünüz üçün öncə (dünyada) nə yaxşı iş görsəniz, Allah dərgahında onun daha xeyirli və daha böyük mükafatı olduğunu görəcəksiniz. Allahdan bağışlanmağınızı diləyin. Həqiqətən, Allah bağışlayandır, rəhm edəndir!

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بڑا مہربان نہایت رحم والا ہے

۱. اے (محمد) جو کپڑے میں لپٹ رہے ہو

۲. رات کو قیام کیا کرو مگر تھوڑی سی

رات

۳. (قیام) آد□ی رات (کیا کرو)

۴. یا اس س□ کچ□ کم یا کچ□ زیاد□ اور قرآن کو □□□ر □□□ر کر پ□□ا کرو

۵. □م عنقریب تم پر ایک ب□اری فرمان نازل کری□ گ□

۶. کچ□ شک ن□ی□ ک□ رات کا ا□□نا (نفس ب□یمی) کو سخت پامال کرتا □□ اور اس وقت ذکر ب□ی خوب درست □وتا □□

۷. دن ک□ وقت تو تم□ی□ اور ب□ت س□ شغل □وت□ □ی□

۸. تو اپن□ پروردگار ک□ نام کا ذکر کرو اور □ر طرف س□ بیتعلق □و کر اسی کی طرف متوج□ □وجاؤ

۹. (و□ی) مشرق اور مغرب کا مالک (□□ اور) اس ک□ سوا کوئی معبود ن□ی□ تو اسی کو اپنا کارساز بناؤ

۱۰. اور جو جو (دل آزار) باتی□ ی□ لوگ ک□ت□ □ی□ ان کو س□ت□ ر□و اور اچ□□ طریق س□ ان س□ کنار□ کش ر□و

۱۱. اور مج□□ ان ج□□لان□ والو□ س□ جو دولتمند □ی□ سمج□ لین□ دو اور ان کو ت□و□ی سی م□لت د□ دو

۱۲. کچ□ شک ن□ی□ ک□ □مار□ پاس بی□یا□ □ی□ اور ب□□کتی □وئی آگ □□

۱۳. اور گلوگیر ک□انا □□ اور درد دین□ والا عذاب (ب□ی) □□

۱۴. جس دن زمین اور پ□ا□ کانپن□ لگی□ اور پ□ا□ ایس□ ب□ر ب□ر□ (گویا) ریت ک□ □یل□ □وجائی□

۱۵. (ا□ ا□ل مک□) جس طرح □م ن□ فرعون ک□ پاس (موسیٰ کو) پیغمبر (بنا کر) ب□یجا ت□ا (اسی طرح) تم□ار□ پاس ب□ی (محمد) رسول ب□یج□ □ی□ جو تم□ار□ مقابل□ می□ گوا□ □و□ گ□

۱۶. سو فرعون ن□ (□مار□) پیغمبر کا ک□ا ن□ مانا تو □م ن□ اس کو ب□□ وبال می□ پک□

لیا

۱۷. اگر تم ب□ی (ان پیغمبرو□ کو) ن□ مانو گ□ تو اس دن س□ کیونکر بچو گ□ جو بچّو□ کو بو□□ا کر د□ گا

۱۸. (اور) جس س□ آسمان پ□□ جائ□ گا□ ی□ اس کا وعد□ (پورا) □و کر ر□□ گا

۱۹. ی□ (قرآن) تو نصیحت □□□ سو جو چا□□ اپن□ پروردگار تک (پ□نچن□ کا) رست□ اختیار کرل□

۲۰. تم□ارا پروردگار خوب جانتا □□ ک□ تم اور تم□ار□ سات□ ک□ لوگ (کب□ی) دو ت□ائی رات ک□ قریب اور (کب□ی) آد□ی رات اور (کب□ی) ت□ائی رات قیام کیا کرت□ □و□ اور خدا تو رات اور دن کا انداز□ رک□تا □□□ اس ن□ معلوم کیا ک□ تم اس کو نبا□ ن□ سکو گ□ تو اس ن□ تم پر م□ربانی کی□ پس جتنا آسانی س□ □وسک□ (اتنا) قرآن پ□□ لیا کرو□ اس ن□ جانا ک□ تم می□ بعض بیمار ب□ی □وت□ □ی□ اور بعض خدا ک□ فضل (یعنی معاش) کی تلاش می□ ملک می□ سفر کرت□ □ی□ اور بعض خدا کی را□ می□ ل□ت□ □ی□□ تو جتنا آسانی س□ □وسک□ اتنا پ□□ لیا کرو□ اور نماز پ□□ت□ ر□و اور زکوٰه ادا کرت□ ر□و اور خدا کو نیک (اور خلوص نیت س□) قرض دیت□ ر□و□ اور جو عمل نیک تم اپن□ لئ□ آگ□ ب□یجو گ□ اس کو خدا ک□ □اں ب□تر اور صل□ می□ بزرگ تر پاؤ گ□□ اور خدا س□ بخشش مانگت□ ر□و□ بیشک خدا بخشن□ والا م□ربان □□

ترجمه پشتو

$ (۱)

$ (۲)

$ (۳)

$ (۴)

$ (۵)

$ (۶)

$ (۷)

$ (۸)

$ (۹)

$ (۱۰)

$ (۱۱)

$ (۱۲)

$ (۱۳)

$ (۱۴)

$ (۱۵)

$ (۱۶)

$ (۱۷)

$ (۱۸)

$ (۱۹)

$ (۲۰)

ترجمه كردى

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Kesê (te) xwe di kincê xwe da peçaî!

۲. Di şevê da rabe (perestî bike) ji pêştirê hindikê (ji şevê).

۳. Di nîvê şevê da (rabe) ya jî hindik ji wî nîvî jî bibore.

۴. Ya jî hinekî ji wî nîvî pir bike û tu Qu'ran ê hêdî û tîpên wî ji hev derxe, bixûne.

۵. Bi rastî emê di nezîk da, gotineke giran li ser te da bavêjin.

۶. Bi rastî temtêla (merivên) di şevê da rabû î (ji bona xebat û perestîyî) û xwûndinê, şidya û bi hêztir e.

۷. Loma bi rastî di royî da ji bona te ra danê xebatên dirêj hene.

۸. (Muhemmed!) tu bi navê Xuda yê xwe (bi xwûne) tu ji hemî (xe¬bat û sêwrandinan) dile xwe vala bi¬ke, xurî hey li bal (Xuda yê xwe da) bizvire.

۹. (Ewa Xuda yê te) Xuda yê rojhilat û rojava ye. Ji pêştirê wî, tu Yezdan ê babetê (Perestîyê) tunene, îdî tu ewî bi tenê ji xwe ra cînîşte bigire.

۱۰. Û tu li ser gotinê wan hew bike, tu bi qencîyan dest ji wan berde.

۱۱. Tu min ü ewanê maldarên virek bi tenê bihêle û tu hindik dan ji wan ra bide.

۱۲. Loma bi rastî li bal me (ji bona wan ra) serberjêr kirin û agirê doja pêketî heye.

۱۳. Xwarinê (bi sturî) û xenoqe û şapata dilsoz heye.

۱۴. Di wê rojê da zemîn çîyan dihejin û

.çîya di binê wekî tîxê qumê da dimînin

Geli merivan!) Me ça li bal Fir'ewn da qasidek, şandibû bi rastî wusa jî me li bal we) .۱۵ .da qasidek şandîye ji bo ku li ser we bibe nihrewan

Îdî Fir'ewn bê gotina wî qasidê kiriye, mejî Fir'ewn bi girtinekî (zor şapat va) îdî .۱۶ .girtîye

Erê heke hûn filetî ya wî bikin, ka hûnê ça (ji şapata) wê roya, ku zar tê da kal dibin, .۱۷ ?xwe biparisînin

Ezman (ji tirsa) di wê royî da çiryaye.Bi rastî peymana (Yezdan bi şapatdana wan) .۱۸ .pêk hatîye

Bi rastî evan(beratan) şîret in, îdî kîjan hez bike, ewa (ji bo çûna) li bal Xuda yê xwe .۱۹ .da rêyekî digire

Bi rastî Xuda yê te dizane, ku tu ji sê parê şevê nêzîkê duparan, yan jî nîvê şevê, .۲۰ yan jî sê parê şevê, di parekî da radibî (nimêj dikî). Destekî ji wanê bi ter a jî (wekî te radibin, Xuda yê xwe te bi wan jî dizane). Pîvandina şev û royan Yezdan dike. Ji ber ku ewî dizanibû, hûn nikarin (danê xweyê şevê) bipîvin (di wan danan da ranabin) îdî ewî hûn (ji hijmara wan danan) baxişandîne. Îdî ji Qur'an ê (ji bona we ra) çi hêsaîye, ewî bixwûnin (zor nedine xwe)! Ji ber (Yezdan) zanîbû, ku wê ji we nexwaşê hebin û destekî ji we di zemin da ji rûmeta wî rojînê xwe bigerin û destek jî di rê ya Yezdan da qirînê (bi wanê file ra) bikin (eva hêsaya hanê, ji bona we ra pêk

anî). Îdî (gelî bawerkeran!) ji (Qu'ran ê ji bona we ra) çi hêsaîye, hûn ewî bixwûnin (zor nedine xwe). Hûn nimêj bikin û baca malê xwe bidin, hûn ji bona qayîlbûna Yezdan, bi qencî ji hev ra deynan bidin. Hûn ji bona xwe ra ji qenrîyan çi pêş da pêk bînin, hûnê li bal Yezdan rastê wî werin, ku ewa (ji bona we ra) qencîyeke û mez¬tirê kiryane. Hûn .baxişandina xwe ji Yezdan bixwazin, loma bi rastî Yezdan baxişkarê dilovîn e

ترجمه اندونزی

Dia- lah) Tuhan masyrik dan magrib, tiada Tuhan (yang berhak disembah) melainkan) (Dia, maka ambillah Dia sebagai pelindung.(٩

Dan bersabarlah terhadap apa yang mereka ucapkan dan jauhilah mereka dengan (cara yang baik.(١٠

Dan biarkanlah Aku (saja) bertindak terhadap orang- orang yang mendustakan itu, orang- orang yang mempunyai kemewahan dan beri tangguhlah mereka barang (sebentar.(١١) (٢

Karena sesungguhnya pada sisi Kami ada belenggu- belenggu yang berat dan neraka (yang bernyala- nyala,(١٢) (٣

(dan makanan yang menyumbat di kerongkongan dan azab yang pedih.(١٣) (۴

Pada hari bumi dan gunung- gunung bergoncangan, dan menjadilah gunung- gunung (itu tumpukan- tumpukan pasir yang beterbangan(١۴) (۵

Sesungguhnya Kami telah mengutus kepada kamu (hai orang kafir Mekah) seorang Rasul, yang menjadi saksi terhadapmu, sebagaimana Kami telah mengutus (dahulu) (seorang Rasul kepada Firaun.(١۵) (۶

Maka Firaun mendurhakai Rasul itu, lalu Kami siksa dia dengan siksaan yang berat. ((١۶) (٧

Maka bagaimanakah kamu akan dapat memelihara dirimu jika kamu tetap kafir (kepada hari yang menjadikan anak- anak beruban.(١٧) (٨

Langit (pun) menjadi pecah belah pada hari itu karena Allah. Adalah janji-Nya itu pasti

(terlaksana.(١٨) (٩

Sesungguhnya ini adalah suatu peringatan. Maka barang siapa yang menghendaki (niscaya ia menempuh jalan (yang menyampaikannya) kepada Tuhannya.(١٩) (١٠

Sesungguhnya Tuhanmu mengetahui bahwasanya kamu berdiri (sembahyang) kurang dari dua pertiga malam, atau seperdua malam atau sepertiganya dan (demikian pula) segolongan dari orang- orang yang bersama kamu. Dan Allah menetapkan ukuran malam dan siang. Allah mengetahui bahwa kamu sekali- kali tidak dapat menentukan batas- batas waktu- waktu itu, maka Dia memberi keringanan kepadamu, karena itu bacalah apa yang mudah (bagimu) dari Al Quran. Dia mengetahui bahwa akan ada di antara kamu orang- orang yang sakit dan orang- orang yang berjalan di muka bumi mencari sebagian karunia Allah; dan orang- orang yang lain lagi yang berperang di jalan Allah, maka bacalah apa yang mudah (bagimu) dari Al Quran dan dirikanlah sembahyang, tunaikanlah zakat dan berikanlah pinjaman kepada Allah pinjaman yang baik. Dan kebaikan apa saja yang kamu perbuat untuk dirimu niscaya kamu memperoleh (balasan) nya di sisi Allah sebagai balasan yang paling baik dan yang paling besar pahalanya. Dan mohonlah ampunan kepada Allah; (sesungguhnya Allah Maha Pengampun lagi Maha Penyayang.(٢٠) (١١

(Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang. (١٢

(Hai orang yang berkemul (erselimut).(١) (١٣

(Bangunlah, lalu berilah peringatan!(٢) (١٤

(Dan Tuhanmu agungkanlah,(٣) (١٥

(Dan pakaianmu bersihkanlah,(٤) (١٦

(Dan perbuatan dosa (mnyembah berhala)tinggalkanlah, (٥) (١٧

Dan janganlah kamu memberi (denganmaksud)memperoleh(balasan)yang lebih (banyak. (٦) (١٨

(Dan untuk(memenuhi perintah)Tuhanmu, bersabarlah. (٧) (١٩

(Apabila ditiup sangkakala,(٨) (٢٠

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

(Wahai orang yang berselimut!. (١

Bangunlah sembahyang Tahajjud pada

(waktu malam, selain dari sedikit masa (yang tak dapat tidak untuk berehat), (٢

(Iaitu separuh dari waktu malam, atau kurangkan sedikit dari separuh itu, (٣

(Ataupun lebihkan (sedikit) daripadanya; dan bacalah Al-Quran dengan "Tartil". (٤

Sayugialah engkau dan pengikut-pengikutmu membiasakan diri masing-masing) dengan ibadat yang berat kepada hawa nafsu, kerana) sesungguhnya Kami akan menurunkan kepadamu wahyu (Al-Quran yang mengandungi perintah-perintah) (yang berat (kepada orang-orang yang tidak bersedia menyempurnakannya). (٥

Sebenarnya sembahyang dan ibadat malam lebih kuat kesannya (kepada jiwa), dan (lebih tetap betul bacaannya. (٦

Kami galakkan engkau dan umatmu beribadat pada waktu malam), kerana) sesungguhnya engkau pada siang hari mempunyai urusan-urusan yang panjang kira (bicaranya; (٧

Dan sebutlah (dengan lidah dan hati) akan nama Tuhanmu (terus menerus siang dan malam), serta tumpukanlah (amal ibadatmu) kepadaNya dengan sebulat-bulat (tumpuan. (٨

Dia lah Tuhan yang menguasai timur dan barat; tiada Tuhan melainkan Dia; maka (jadikanlah Dia Penjaga yang menyempurnakan urusanmu. (٩

Dan bersabarlah terhadap apa yang dikatakan oleh mereka (yang menentangmu), (dan jauhkanlah dirimu dari mereka dengan cara yang baik. (١٠

Dan biarkanlah Aku sahaja membalas orang-orang yang mendustakan (bawaanmu) itu, orang-orang yang berada dalam kemewahan, dan berilah tempoh kepada (mereka sedikit masa; (١١

Kerana sesungguhnya di sisi Kami disediakan (untuk mereka) belenggu-belenggu dan (neraka yang menjulang-julang, (١٢

Serta makanan yang menjadikan pemakannya tercekik, dan azab seksa yang tidak

(terperi sakitnya. (١٣

Azab itu tetap berlaku) pada hari bumi dan gunung-ganang bergoncang (serta) hancur lebur), dan menjadilah gunung-ganang itu timbunan pasir yang mudah (bersepah. (١۴

Sesungguhnya Kami telah mengutus kepada kamu (wahai umat Muhammad), seorang Rasul

yang menjadi saksi terhadap kamu (tentang orang yang mematuhi atau menolak (seruannya), sebagaimana Kami telah mengutus kepada Firaun seorang Rasul. (١٥

Maka Firaun menderhaka kepada Rasul itu, lalu Kami menyeksakannya dengan azab (seksa yang seberat-beratnya. (١۶

Sekiranya kamu tidak ditimpa azab di dunia), maka bagaimana kamu dapat menjaga) dan menyelamatkan diri kamu - kalau kamu kufur ingkar - (dari azab) hari yang huru-(haranya menyebabkan kanak-kanak menjadi tua beruban? (١٧

Langit (yang demikian besarnya) akan pecah belah dengan sebab kedahsyatan hari (itu. (Ingatlah), janji Allah adalah perkara yang tetap dilakukanNya. (١٨

Sesungguhnya (keterangan-keterangan yang mengandungi amaran) ini menjadi peringatan oleh itu sesiapa yang mahukan kebaikan dirinya dapatlah ia mengambil (jalan yang membawa kepada Tuhannya (dengan iman dan taat). (١٩

Sesungguhnya Tuhanmu (wahai Muhammad) mengetahui bahawasanya engkau bangun (sembahyang Tahajjud) selama kurang dari dua pertiga malam, dan selama satu perduanya, dan selama satu pertiganya; dan (demikian juga dilakukan oleh) segolongan dari orang-orang yang bersama-samamu (kerana hendak menepati perintah yang terdahulu); padahal Allah jualah yang menentukan dengan tepat kadar masa malam dan siang. Ia mengetahui bahawa kamu tidak sekali-kali akan dapat mengira dengan tepat kadar masa itu, lalu Ia menarik balik perintahNya yang terdahulu (dengan memberi kemudahan) kepada kamu; oleh itu bacalah mana-mana yang mudah kamu dapat membacanya dari Al-Quran (dalam sembahyang). Ia juga mengetahui bahawa akan ada di antara kamu orang-orang yang sakit; dan yang lainnya orang-orang yang musafir di muka bumi untuk mencari rezeki dari limpah kurnia Allah; dan yang lainnya lagi orang-orang yang berjuang pada jalan Allah (membela ugamaNya). Maka bacalah mana-mana yang sudah kamu

dapat membacanya dari Al-Quran; dan dirikanlah sembahyang serta berikanlah zakat; dan berilah pinjaman kepada Allah sebagai pinjaman yang baik (ikhlas). Dan (ingatlah), apa jua kebaikan yang kamu kerjakan sebagai bekalan untuk diri kamu, tentulah kamu akan mendapat balasannya pada sisi Allah, -sebagai balasan yang sebaik-baiknya dan yang amat besar pahalanya. Dan mintalah ampun kepada Allah; (sesungguhnya Allah Maha Pengampun, lagi Maha Mengasihani. (۲۰

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Ewe uliyejifunika nguo .۱

.Simama usiku ila kidogo .۲

.Nusu yake au ipunguze kidogo .۳

.Au izidishe na soma Qur'an kwa vizuri .۴

.Hakika sisi hivi karibuni tutakutilia kauli nzito .۵

Hakika kuamka usiku (kwa ibada) ni bora zaidi kwa kukanyaga (nafsi) na vizuri zaidi .۶ .kutamka

.Hakika mchana una shughuli nyingi .۷

.Na litaje jina la Mola wako na ujitupe kwake kwa kweli .۸

Yeye ndiye) Mola wa mashariki na magharibi, hakuna aabudiwaye ila Yeye tu, basi) .۹ .mfanye kuwa mlinzi

.Na subiri juu ya hayo wasemayo na uwaepuke mwepuko mwema .۱۰

.Na niache mimi na wanaokadhibisha walioneemeka na uwape muda kidogo .۱۱

.Hakika tunazo adhabu na Moto uwakao .۱۲

.Na chakula kikwamacho kooni na adhabu yenye kuumiza .۱۳

Siku ardhi na milima vitakapotetemeka, na milima itakuwa kama mkusanyiko wa .١٤
.mchanga

Hakika sisi tumekuleteeni Mtume aliye shahidi juu yenu, kama tulivyompeleka .١٥
.Mtume kwa Firaun

.Lakini Firaun alimuasi Mtume, basi tukamtesa mateso makubwa .١٦

Basi nyinyi mkikufuru, mtawezaje kujikinga na siku ambayo itawafanya watoto .١٧
.kuwa wazee

.Mbingu zitapasuka (siku) hiyo ahadi yake itakuwa imetimizwa .١٨

(Kwa hakika hii (Qur'an .١٩

.ni mawaidha, basi anayetaka atajifanyia njia kwa Mola wake

Kwa hakika Mola wako anajua kuwa wewe husimama (kumwabudu) karibu na .۲۰ thuluthi mbili za usiku, na (pengine) nusu yake, na (wakati mwingine) thuluthi yake, na baadhi ya watu walio pamoja nawe. Na Mwenyeezi Mungu huupima usiku na mchana, anajua kuwa hamuwezi kufanya hivyo, basi amekusameheni, kwa hiyo, someni yaliyo mepesi katika Qur'an. Anajua kuwa baadhi yenu watakuwa wagonjwa na wengine watasafiri katika ardhi wakitafuta fadhili ya Mwenyeezi Mungu, na wengine watapigana katika njia ya Mwenyeezi Mungu, kwa hiyo someni yaliyo mepesi humo, na simamisheni swala na toeni zaka, na mkopesheni Mwenyeezi Mungu mkopo mwema. Na kheri yoyote mnayoitanguliza kwa ajili ya nafsi zenu mtaipata kwa Mwenyeezi Mungu imekuwa bora zaidi na ina malipo makubwa sana. Na ombeni msamaha kwa Mwenyeezi Mungu, hakika Mwenyeezi Mungu ni Mwingi wa .kusamehe, Mwenye kurehemu

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۹۲

(۷۳) سوره مزمل مکی است و بیست آیه دارد (۲۰)

[سوره المزمل (۷۳): آیات ۱ تا ۱۹]

ترجمه آیات به نام خداوند بخشایشگر و مهربان هان ای جامه به خود پیچیده! (۱).

پاره ای از شب به جز اندکی از آن را بر خیز و زنده بدار (۲).

صفحه ی ۹۳

یا نصف آن را و یا کمی کمتر از نصف را (۳).

و یا اندکی بر نصف بیفزا و قرآن را شمرده شمرده بخوان (۴).

آماده باش که به زودی کلامی سنگین بر تو نازل می کنیم (۵).

(کلامی که قبلا باید خود را برای تحملش آماده کرده باشـی) و بهترین وسـیله برای صـفای نفس و سخن با حضور قلب گفتن هنگام شب است که خدا آن را پدید آورده (۶).

چون تو در

روز دوندگی و مشاغل بسیار داری (۷).

و ذکر خدا را بگو و دست حاجت به سویش دراز کن (۸).

همان پروردگار مشرقها و مغربهای عالم که بجز او معبودی نیست پس او را وکیل خود بگیر (۹).

و در برابر زخم زبانهای مشرکین صبر کن و اگر هم قهر می کنی قهری ملایم و خوشایند و سازنده بکن (۱۰).

و اما تکذیب گران که بجز داشتن نعمت من انگیزه ای برای تکذیب آیات من ندارند امرشان را به خود من واگذار کن و اندکی مهلتشان ده (۱۱).

که نزد ما انواع شکنجه ها و در آخر عذاب دوزخ هست (۱۲).

و طعامی گلوگیر و عذابی دردناک است (۱۳).

در روزی که زمین و کوه ها به لرزه در آیند و کوه ها چون تلی از ماسه شوند (۱۴).

هان ای انسانها! ما رسولی به سوی شما گسیل داشتیم که شاهد بر شما نیز هست همانطور که رسولی به سوی فرعون فرستادیم (۱۵).

ولی فرعون از اطاعتش سر برتافت پس او را به عذابی سخت بگرفتیم (۱۶).

شما اگر کفر بورزید چگونه می توانید از عذاب قیامت خود را کنار بکشید روزی که کودکان را پیر می کند (۱۷).

و آسمان به وسیله تحول آن روز شکافته می شود و وعده خدا شدنی است (۱۸).

و این محققا تذکر است پس اگر کسی خواست می تواند راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند (۱۹).

بیان آیات این سوره رسول خدا (ص) را امر می کند به اینکه نماز شب بخواند، تا به این وسیله آماده و مستعد گرفتن مسئولیتی گردد که به زودی به او محول می شود، و آن قرآنی است که به وی وحی خواهد شد، و دستورش می دهد در برابر حرفهای بیهوده ای

که دشمنان می زنند، و

شاعر و کاهن یا دیوانه اش می خوانند صبر کند، و به نحوی پسندیده از آنان کناره گیری نماید، و در این آیات تهدید و انذاری هم به کفار شده، و حکم صبر را به همه مؤمنین تعمیم داده، در آخر تخفیفی را که برای رسول خدا (ص) و مؤمنین قائل شده ذکر می کند.

و این سوره از نخستین سوره هایی است که در اول بعثت نازل شده. حتی بعضی گفته اند: دومین یا سومین سوره ای است که بر قلب مقدس نبی اکرم (ص) نازل شده است.

[مفاد خطاب " يا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ "]

" يا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ " کلمه " مزمل "- با تشدید زاء و تشدید میم- در اصل " متزمل " بوده، اسم فاعل از باب تفعل (تزمل) است، و معنایش لفافه به خود پیچیده است. کسی که جامه یا چیزی به خود می پیچد تا بخوابد یا مثلا سرما را دفع کند، آن را " مزمل " می گویند، و از ظاهر این جمله بر می آید در آن ساعتی که این سوره نازل می شده آن جناب جامه ای را به خود پیچیده بوده، از این جهت به " مزمل " مورد خطاب قرار گرفته.

این را بدان جهت گفتیم که کسانی خیال نکنند این خطاب جنبه توبیخ و یا تحسین دارد، بله ممکن است از سیاق آیات استفاده شود که گویا آن جناب در مقابل دعوتش مورد استهزا و اذیت قرار گرفته، و برای خاطر خدا اندوهناک شده، و برای دفع غم و اندوه خود جامه ای به خود پیچیده تا لحظه ای استراحت کند، در این هنگام خطاب شده که ای جامه به خود پیچیده بر خیز، نماز شب بخوان و در برابر آنچه به تو می گویند صبر کن، همانطور که به عموم مسلمانان سفارش

کرده برای مقاوم شـدن در برابر ناملایمات از صبر و نماز کمک بخواهند،" اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ" «۱» با این دستور به آن جناب فهمانده که باید خود را در مقابل اندوه های بزرگتر و مصائب تلخ به وسیله نماز و صبر مقاوم سازد، نه به وسیله پیچیدن جامه و خوابیدن.

بعضی «۲» آیه را چنین معنا کرده اند: ای کسـی که با مشـقت و دشواری نبوت متزمل شده ای، یعنی متحمل دشواری های این مقام گشته ای. و لیکن از جهت لفظ هیچ دلیلی در آیه بر این معنا نیست.

---

(۱) سوره بقره، آیه ۱۵۳.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۷.

[چند وجه در معنای آیه:" قُمِ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا ..."]

" قُمِ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِیلًا أَوْ زِدْ عَلَیْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا" مراد از" قیام در لیل" قیام در شب برای نماز است، پس کلمه" لیل" مفعول فیه است، که مجازا مفعول به واقع شـده، مثل اینکه می گوینـد:" دخلت الـدار- داخل شـدم خانه را"، که حقیقتش" دخلت فی الدار- داخل شدم در خانه" است.

بعضی «۱» گفته اند: معمول" قم" در تقدیر است، و کلمه" لیل" به خاطر ظرفیت منصوب شده، و تقدیر کلام" قم الی الصلاه فی اللیل" است، و جمله" الا قلیلا" استثنا از کلمه" لیل" است.

و از ظاهر سیاق بر می آیـد کـه جمله" نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِیلًا أَوْ زِدْ عَلَیْهِ"، بـدل باشـد از جمله" اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا"، که متعلق تکلیف" قم" است، و دو ضـمیر" منه" و" علیه" به کلمه" نصف"، و ضـمیر در" نصفه" به کلمه" لیل" بر می گردد، و معنای آیه این است که نیمی از شب را بپا خیز،

و یا کمی از نصف کم کن، و یا انـدکی بر نصف بیفزا، و این تردید بین سه امر تردید تخییر است، می خواهد بفرماید: مخیری بین اینکه درست نیمی از شب را زنده بداری، و یا کمی کمتر از نصف، و یا کمی بیشتر از آن را.

بعضی «۲» از مفسـرین گفته انـد: کلمه" نصـفه" بـدل از مسـتثنی، یعنی کلمه" قلیلا" است، و اگر اینطور باشـد، معنا چنین می شود: شب را بپا خیز الا نصف آن را، و یا از نصف کمی کمتر کن، یعنی بیشتر از نصف را بپا خیز، و یا کمی زیادتر کن، یعنی کمتر از نصف بپا خیز. و در این صورت بر عکس وجه قبلی جمله بدل، ابهام را از مستثنی به مطابقه و از مستثنی منه به التزام بر می دارد.

و این دو وجه هر چنـد در نـتیجه یکی هسـتند، و لیکن وجه قبلی زودتر به ذهن می رسـد، چـون احتیـاج به رفع ابهـام کردن به وسـیله بدل از متعلق حکم، سابقه بیشتری دارد، تا احتیاج به رفع ابهام از توابع و ملحقات آن. پس بدل بودن جمله" نصـفه ..." از کلمه" لیـل" که لازمه آن رفع ابهام از متعلق تکلیف است به دلالت مطابقی زودتر به ذهن می رسـد، از اینکه بـدل باشـد از کلمه" قلیلا".

بعضی «۳» دیگر گفته انـد: کلمه" نصـفه" بـدل از لیـل است، و لیکن مراد از قلیـل، قلیل از شـبهاست، نه قلیل از ساعتهای یک شب، و معنای آیه این است که: همه نیمه شب ها بر خیز،

---

(۱) روح البیان، ج ۱۰، ص ۲۰۴.

(۲) روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۰۲.

(۳) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۶۳۶. و مجمع البیان، ج ۱۰،

یا شبهای اندکی از آن کم کن، و یا شبهای اندکی بر آن اضافه کن، و منظور از این شبهای اندک آن شبهایی است که انسان عذر دارد، یا بیمار است، و یا خواب بر او غلبه کرده و یا عذری دیگر دارد. و این وجه عیبی ندارد، جز اینکه وجه اول زودتر به ذهن می آید.

" وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا "-" ترتیل قرآن" به معنای تلاوت آن است به نحوی که حروف پشت سر هم آن روشن و جدای از هم بگوش شنونده برسد، و این جمله عطف است بر جمله" قُمِ اللَّيْلَ "، و معنای آن دو این است که شب برخیز و قرآن را به ترتیل بخوان.

و ظاهرا مراد از ترتیل قرآن، ترتیل آن در نماز، و یا اصلا منظور از قرآن خود نماز است، و خدای تعالی نظیر این تعبیر را از نماز کرده، مثلا فرموده:" أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً " «۱».

بعضی «۲» گفته اند: مراد آیه شریفه این است که قرائت قرآن را واجب کند نه نماز را.

[بیان جهات مختلف سنگین بودن قرآن (إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا) و چند وجه در این باره

" إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا "" ثقل "- سنگینی- کیفیت خاصی برای جسم است، و خاصیت آن این است که حمل چنین جسمی و جابجا کردن آن دشوار است، و چه بسا همین کلمه در غیر جسم، مثلا در امور معنوی هم به عنوان استعاره استعمال می شود، مثلا- می گویند درس امروز سنگین بود، یعنی تحمل آن برای فهم و درک شاگردان دشوار بود و یا می گویند سخنرانی

امروز که همه اش نظریه های علمی دقیق بود برای عوام سنگین بود، که در این گونه تعبیرها کلمه سنگین در غیر جسم به کار رفته، در امور معنوی که درک آن دشوار است و یا حقایقی در بر دارد که رسیدن به آن سخت است، و یا فرمانهایی را متضمن است که امتثال آن و مداومت بر انجام آن دشوار است.

قرآن کریم که کلام الهی است به هر دو اعتبار ثقیل است، اما از حیث فهم معنایش ثقیل است برای اینکه کلامی الهی است که پیامبر آن را از ساحت عظمت و کبریایی گرفته، و معلوم است چنین کلامی را نمی فهمد مگر نفوس طاهر از هر پلیدی، نفوسی که از هر سببی قطع امید کرده و تنها به خدای سبحان که مسبب الاسباب است دل بسته، کلامی است الهی و کتابی است عزیز، که ظاهر و باطنی دارد، تنزیل و تاویلی دارد، تبیان برای هر چیز است، و سنگینی آن از حال و وضع رسول خدا (ص) مشهود بود، همه می دیدند

---

(۱) نماز را هنگام ظهر تا تاریکی شب بخوان و نیز قرآن فجر را که مشهود شاهدان است. سوره اسری، آیه ۷۸.

(۲) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۶۳۷.

که در هنگام گرفتن آن دچار برحاء- حالتی شبیه بیهوشی- می شد، و این معنا در روایات بسیار زیاد آمده.

و اما از حیث تحقق بخشیدن به حقایق معارفش، و ساده تر بگویم توحید و معارف اعتقادی و اخلاقیش را در خود پیاده کردن، آن قدر سنگین است که در بیان سنگینیش کافی است آیات زیرا را بخوانیم که می فرماید:" لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً

مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ" «۱» و" وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتى «۲» که در اولی می فرماید کوه تحمل آن را ندارد که قرآن بر او نازل شود، و اگر بر کوه نازل می شد کوه خاشع و از ترس خدا پاره پاره می شد، و در دومی از این معنا خبر داده که با این قرآن می توان کوه ها را به حرکت در آورد، و زمین را پاره پاره کرد، و با مردگان سخن گفت.

قرآن کریم نه تنها به آن دو اعتبار سنگین است، بلکه به اعتبار پیاده کردنش در جامعه و دعوت مردم به اینکه مراسم دین حنیف را بپا دارند، و خلاصه برتری دادن این دین حنیف بر سایر ادیان نیز سنگین است، شاهد سنگینیش مصائب و ناملایماتی است که رسول خدا (ص) در راه خدا تحمل کرد، و آزارهایی است که برای خدا چشید، که آیات قرآن هم پاره ای از انواع ایذاءها و استهزاءها و خطاکاریهایی که آن جناب از مشرکین و کفار و منافقین و بیماردلان دید حکایت کرده است.

پس اینکه می فرماید:" إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا" منظور از" قول ثقیل" همین قرآن عظیم است، به دلیل اینکه این آیات را که در اول بعثت نازل شده برای هر کس بخوانی همین به ذهنش می رسد، مفسرین هم قول ثقیل را به قرآن تفسیر کرده اند.

این آیه در مقام تعلیل حکمی است که جمله" قُمِ اللَّيْلَ ..." بر آن دلالت دارد، در نتیجه به مقتضای سیاق- با در نظر گرفتن اینکه خطاب به خصوص رسول خدا (ص) است- این

معنا را می رساند که اگر گفتیم شب زنده داری کن، و در شب با خواندن نماز متوجه درگاه ما شو، برای این بود که خود را برای کرامت قرب و شرف حضور، و افتخار همکلامی با ما آماده سازی، تا ما قول ثقیلی را بر تو القاء کنیم.

---

(۱) اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم می دیدی که در برابر آن خشوع می کند و از خوف خدا می شکافد. و اینها مثالهایی است که برای مردم می زنیم تا در آن بیندیشند. سوره حشر، آیه ۲۱.

(۲) اگر به وسیله قرآن کوه ها به حرکت در آیند و زمینها قطعه قطعه شوند و بوسیله آن با مردگان سخن گفته شود (باز هم ایمان نخواهند آورد). سوره رعد، آیه ۳۱.

بنا بر این، نماز شب راهی است که آن جناب را به چنین موقعی کریم منتهی می سازد. در جای دیگر هم خدای سبحان نماز شب را راه به سوی خدا خوانده، می فرماید:

" إِنَّ هذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلًا " «۱».

خدای سبحان در آیه زیر وعده بیشتری داده، فرموده:" وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ عَسى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُوداً" «۲» که در تفسیر همین آیه معنای مقام محمود را بیان کردیم.

و وقتی یکی از جهات سنگینی قرآن سنگینی معارف آن، و نیز پذیرفتن شرایع و احکام آن است قهرا بر امت هم ثقیل خواهد بود، همانطور که بر رسول خدا (ص) سنگین بود، پس معنای آیه این است که: ما به زودی به تو وحی می کنیم قولی را که هم بر خودت سنگین است و هم بر امتت، اما سنگینی آن بر خود تو از جهت

صعوبت تحقق حقائق آن، و از جهت مصائبی است که در طریق ابلاغ آن خواهی دید، و سلب راحت و فراغتی است که از تو خواهد شد، و از جهت مجاهدت نفس و انقطاع به سوی خدا، و زحماتی است که لازمه گرفتن وحی است. و اما سنگینی آن بر امتت از این جهت است که آنها هم در پاره ای از جهات یاد شده با تو شریکند، از آن جمله تحقق دادن به حقائق قرآن در نفس، و نیز پیروی اوامر و نواهی خدا و رعایت حدود آن است، که هر طایفه از طوایف امت به قدر وسع و طاقتش باید این رنجها را تحمل کند. مفسرین «۳» در اینکه سنگینی قرآن چه معنا دارد، اقوالی دیگر دارند.

یکی اینکه: قرآن عظیم الشان و متین و مستدل است، هم چنان که خود ما می گوییم: این کلام وزین و سنگین است، یعنی در موقع خود واقع شده است.

یکی «۴» دیگر اینکه: قرآن در میزان روز قیامت سنگین است، حال یا حقیقتا سنگین است و یا مجازا و به این عنایت که ثوابی که در برابر قرآن به اشخاص می دهند بسیار و مهم است.

یکی «۵» دیگر اینکه: قرآن بر کفار و منافقین سنگین است، برای اینکه هم اعجاز دارد

---

(۱) این یک تذکر و یادآوری است پس هر کس بخواهد می تواند به سوی پروردگارش راهی اتخاذ کند. سوره دهر، آیه ۲۹.

(۲) در پاره ای از ساعات شب تهجد کن، تهجدی داوطلبانه که امید است پروردگارت تو را به مقامی محمود مبعوث فرماید. سوره اسراء، آیه ۷۹.

(۳ و ۴ و ۵) روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۰۴.

که نه

می توانند مثلث را بیاورند و نه می توانند قبولش کنند، و هم اینکه مشتمل بر تهدید علیه ایشان است.

یکی «۱» دیگر اینکه: سنگینی قرآن کنایه است از بقای آن در طول روزگار، چون یکی از خصوصیات هر چیز سنگین، این است که در جای خود ثابت بماند.

و بعضی دیگر وجوهی دیگر گفته اند که هر چند هر کدام در جای خود صحیح و بی عیب است، و لیکن وجهی که ما آوردیم چیزی است که از ظاهر آیه به ذهن می آید.

[چند قول در معنای دو آیه:" إِنَّ ناشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِيلًا إِنَّ لَكَ فِي النَّهارِ سَبْحاً طَوِيلًا"]

" إِنَّ ناشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِيلًا إِنَّ لَكَ فِي النَّهارِ سَبْحاً طَوِيلًا" آیه اولی در این مقام است که بیان کند چرا شب را برای این نماز اختیار کردیم، و آیه دوم در مقام این است که بیان کند چرا روز را انتخاب نکردیم هم چنان که آیه قبلی که می فرمود:" إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا" در مقام بیان این بود که اصلا چرا نماز شب تشریع شد.

در آیه مورد بحث در کلمه" ناشئه" دو احتمال هست: یکی اینکه مانند کلمه" عافیت" و" عاقبت" مصدر، و به معنای نشئه و حدوث و تکون باشد. و دوم اینکه اسم فاعل از ماده نشئه باشد، که به موصوف خود اضافه شده، هر کدام که باشد مراد از آن، شب است، و اگر حادثه را بر شب اطلاق کرده، نظیر اطلاق آن بر اجزای خلقت است.

و چه بسا بعضی «۲» گفته اند: منظور از حادثه شب همان نماز شب است. و معنای" وطء زمین" قدم نهادن بر آنست

و اینکه فرمود" حادثه شب شدیدترین قدم نهادن است" کنایه است از اینکه این عمل از هر عمل دیگر در صفای نفس، انسان را ثابت قدم تر می سازد، و بهتر از هر چیز نفس آدمی را از اینکه به وسیله شواغل روز، دچار کدورت شود حفظ می کند.

بعضی «۳» گفته اند: منظور از" وطء" مطابقت قلب با زبان است. آن گاه گفته خود را تایید کرده به اینکه: بعضی ها کلمه را" وطء" به کسره واو خوانده اند.

و مراد از اینکه فرمود" حادثه شب اقوم قیلا- است" این است که نماز شب استوارترین و صائب ترین سخن است، برای اینکه در نماز شب حضور قلب بیشتر و توجه به کلام دقیق تر است.

و معنای آیه این است که حادثه شب و یا نماز در دل شب ثابت قدم تر است- و یا در

---

(۱) روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۰۴.

(۲) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۶۳۸.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

مطابقت قلب و زبان شدیدتر، و سخنی استوارتر و صائب تر است، چون خدای تعالی شب را مایه آرامش قرار داده، و نتیجه این آرامش این است که خاطر انسان از شواغل معیشت فارغ، و دست انسان از اسباب ظاهری بریده است.

" إِنَّ لَکَ فِی النَّهارِ سَبْحاً طَوِیلًا"- کلمه" سبح" به معنای دویدن و تند راه رفتن در آب است، و" سبح طویل" در روز کنایه از غور در مهمات زندگی و انواع زدوبندها در برآوردن حوائج زندگی است. و معنای آیه این است که تو در روز مشاغل بسیار داری که همه وقتت را فرا گرفته، فراغتی برایت باقی نمی گذارد تا در آن با توجه تام متوجه درگاه پروردگارت باشی، و از

هر چیزی منقطع گردی، بنا بر این بر تو است که از شب استفاده کنی، و در آن به نماز بپردازی.

بعضی «۱» از مفسرین آیه را این چنین معنا کرده اند: تو در روز می توانی بخوابی و امر معاش خود را تدبیر کنی، و در حوائج خود تصرف نمایی، پس شبت را به تهجد اختصاص ده.

بعضی «۲» دیگر اینطور معنا کرده اند: تو در روز فراغت داری، حال اگر شب نتوانستی به کارت برسی، در روز آن را تلافی کن، و آنچه در شب انجام ندادی در روز قضاء کن. بنا به گفته این مفسر آیه مورد بحث همان را می خواهد بگوید که: آیه" وَ هُوَ الَّذِی جَعَلَ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرادَ أَنْ یَذَّکَّرَ أَوْ أَرادَ شُکُوراً" «۳»، بیان می کند. لیکن آنچه ما اختیار کردیم با سیاق مناسب تر است.

[مقصود از" ذکر" در خطاب:" وَ اذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ"]

" وَ اذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ وَ تَبَتَّلْ إِلَیْهِ تَبْتِیلًا" ظاهرا این جمله می خواهد نماز شب را توصیف کند، و بنا بر این به منزله عطف تفسیری برای جمله" وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا" است، و روی این فرض مراد از" ذکر اسم رب" ذکر زبانی با رعایت مطابقت آن با قلب می باشد، و همچنین مراد از" تبتل"، تضرع و زاری با زبان است.

بعضی «۴» از مفسرین گفته اند: در این جمله تعمیمی بعد از تخصیص آیه قبل شده، در آیه قبل تنها به نماز شب سفارش می شد، در این آیه به مطلق ذکر، و مراد از ذکر، دوام در ذکر خدای تعالی در شب و روز است، به هر نحوی که باشد، چه با تسبیح و چه با تحمید و چه

با

(۱ و ۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

(۳) خدای تعالی آن کسی است که شب و روز را پشت سرهم قرار داد، برای هر کسی که بخواهد متذکر شود، و یا بخواهد شکری بگزارد. سوره فرقان، آیه ۶۲.

(۴) روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۰۶.

نماز و چه با قرائت قرآن و چه غیر آن، و اگر ذکر را به دوام تفسیر کردیم، برای این است که رسول خدا (ص) هرگز خدا را از یاد نبرده بود، تا آیه بخواهد او را به یاد خدا بیندازد، پس ناگزیر باید بگوییم منظور دوام ذکر است، البته مراد از دوام هم دوام عرفی است نه حقیقی، چون دائما به یاد خدا بودن امکان ندارد.

ولی او این اشکال را چه می کند که اگر منظور از ذکر، ذکر زبانی بوده باشد، چه منافاتی دارد با اینکه آن جناب در دل خدا را فراموش کند، و اگر اعم از ذکر لفظی و قلبی باشد، آیه شریفه از رساندن آن قاصر است، بر فرض هم بتوانیم از این اشکال صرفنظر کنیم، دو اشکال دیگر هست، یکی اینکه فراموش نکردن خدا تا روزی که این خطاب به آن جناب شده منافات ندارد که برای از آن به بعد سفارش کند که همانطور که تا کنون پروردگارت را از یاد نبرده ای از این به بعد هم فراموشش مکن. دوم اینکه این سخن که دوام حقیقی ذکر غیر ممکن است و ناگزیر باید دوام را حمل بر عرفی آن کنیم، و همی بیش نیست، و همی که از نفهمیدن معنا ناشی شده، چون خدای عز و جل دائما مذکور انسان هست، و

حتی یک لحظه از او غایب نیست، حال چه اینکه آدمی متوجه به آن باشد و یا از آن غفلت بورزد، پس جای آن هست که خدای تعالی خود را به انسان معرفی کند، به طوری که دیگر در هیچ حالی از او غفلت ننماید، خواننده عزیز به دو آیه زیر توجه کند: " فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُمْ لا يَسْأَمُونَ " «۱» و " يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ لا يَفْتُرُونَ " «۲»، و ما در تفسیر این دو آیه و در آخر سوره اعراف گفتیم که: این خصوصیت اختصاص به ملائکه ندارد.

و کوتاه سخن اینکه: جمله " وَ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ " امر می کند به اینکه اسمی از اسمای خدا، و یا خصوص لفظ جلاله را ذکر کند. بعضی «۳» گفته اند: منظور خصوص بسم اللَّه است.

در آیه مورد بحث التفاتی از تکلم با غیر در جمله " إِنَّا سَنُلْقِي " به غیبت به کار رفته، یعنی در جمله مورد بحث خدای تعالی غایب فرض شده، و شاید وجه آن این باشد که با ذکر کلمه " رب " ذلت عبودیت عبد را که رابط میان عبد و پروردگارش است و عبد از آن غافل شده متذکر گردد.

" وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا "- کلمه " تبتل " را بعضی «۴» به انقطاع یعنی بریدن از خلق و متوجه

(۱) آنهایی که نزد پروردگار توانند، شب و روز برایش تسبیح می گویند در حالی که احساس خستگی نمی کنند. سوره فصلت، آیه ۳۸.

(۲) شب و روز تسبیح می گویند و خسته نمی شوند. سوره انبیاء، آیه ۲۰.

(۳ و ۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

خدا شدن تفسیر کرده اند، و از ائمه اهل بیت (ع) روایت

شده که تبتل به این معناست که دست التماس به درگاه خدا برآری و تضرع و زاری کنی. و اگر ما ذکر را به ذکر لفظی حمل کنیم این معنا مناسب تر از معنای اول است.

کلمه" تبتیلا" ظاهرا مفعول مطلق است، و مقتضای ظاهر این بود که بفرماید:" و تبتل الیه تبتلا"، اگر این طور نفرمود، و به جای آن کلمه" تبتیلا" را آورد، به قول بعضی «۱» برای این بود که باب تفعل از" بتل" متضمن معنای باب تفعیل آن نیز هست، پس مثل این است که فرموده باشد:" بتل الیه تبتیلا" و معنایش یا این است که ارتباط نفس خود را از هر چیز دیگر قطع کن، و تنها به خدا دل ببند، و یا این است که نفس خود را وا بدار به اینکه دست تضرع به درگاه خدا بردارد. و به قول بعضی «۲» دیگر آوردن" تبتیلا" به جای" تبتلا" برای این بوده که رعایت قافیه آخر آیات قبل شده باشد.

" رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا" جمله اول آیه وصفی است که به اصطلاح از وصفیت مقطوع شده، و تقدیر آن" هو رب المشرق و المغرب" است، و جمله" رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ" در معنای" رب همه عالم" است برای اینکه مشرق و مغرب دو جهت نسبی است که مشتمل بر تمامی جهات عالم مشهود است، و اگر از میان شش جهت تنها این دو جهت را ذکر کرد، برای این بود که با لیل و نهار که قبلا ذکرش شده بود مناسب تر بود، چون شب و روز مربوط به طلوع و غروب است.

خواهی پرسید برای اشاره

به ربوبیت خدای تعالی همان کلمه" ربک" کافی بود، چه باعث شد که دوباره بفرماید:" رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ"؟

در پاسخ می گوییم: خواست تا از زبان رسول خدا (ص) فهمانده باشد که اگر مامور شده خدای تعالی را رب خود بگیرد، برای این بود که پروردگار هم رب او است و هم رب همه عالم، نه اینکه تنها رب او باشد، همانطور که چه بسا بعضی از مشرکین به تنهایی برای خود بتی انتخاب می کردند، غیر آن بتی که دیگران داشتند، و اگر رب گرفتن خدای تعالی از ناحیه رسول خدا (ص) از این باب باشد، و یا حد اقل کسی چنین احتمالی را بدهد، دیگر آن جناب نمی تواند مردم را به سوی توحید دعوت کند، چون مردم در پاسخش می گویند: خیلی خوب خدای تعالی رب تو باشد، رب ما هم رب ما باشد.

---

(۱) تفسیر جامع الاحکام، ج ۱۰، ص ۴۴.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

نکته دیگری که در آوردن جمله" رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ" هست این است که چون این جمله به معنای" رب همه عالم" است، در نتیجه زمینه چینی می شود برای جمله بعدی که می فرماید" لا إِلهَ إِلَّا هُوَ" و آن را تعلیل می کند، و می فهماند اگر می گویم معبودی جز خدا نیست، برای این است که الوهیت و معبودیت از فروع ربوبیت است، و ربوبیت عبارت است از مالکیت و تدبیر، که مکرر بیانش گذشت، و چون رب همه عالم خداست پس جز او هم معبودی نیست.

[معنای اینکه فرمود: خدا را وکیل بگیر]

" فَاتَّخِذْهُ وَکِیلًا"- یعنی خدا را در همه امورت وکیل بگیر، و وکیل گرفتن به این معناست که

انسـان غیر خودش را در جای خود بنشانـد، به طوری که اراده او به جای اراده آدمی کار کنـد، و عمل او هم عمل خود آدمی باشد، پس اینکه انسان خدای تعالی را وکیل بگیرد، به این است که آدمی تمامی امور را از آن خدا و به دست او بداند، اما در امور خارجی و حوادث عالم، به اینکه نه برای خودش و نه برای هیچ یک از اسـباب ظاهری استقلال در تاثیر قائل نباشد، چون در عـالم وجود، هیـچ مؤثری (به حقیقت معنـای تـاثیر) به جز خـدا وجود نـدارد، و در نـتیجه داشـتن چنین اعتقـادی، در احوال مختلف رضایت و خشم و مسـرت و تاسف و غیره، دل به هیچ سـببی نبندد، بلکه در مقاصد و آرزوهایش متوسل به آن سـببی شود که خدای تعالی معرفی کرده، آن هم نه به طوری که برای آن سبب استقلال در تاثیر قائل باشد و بدان مطمئن گردد بلکه ظفر یافتن به مطلوب را از خدا بداند، تا هر چه خدا برایش صلاح دانست اختیار کند.

و در اموری که ارتبـاط به عمل او دارد و خلاصه در وظایف عملیش در عبادات و معاملاتش، اراده خود را تابع اراده تشـریعی خدا کند، در نتیجه طبق اراده او و مطابق قوانین او عمل کند.

اینجـاست که روشن می شود جمله" فَاتَّخِذْهُ وَکِیلًا" چگونه با جمله" وَ اذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ ..." و اوامر تشـریعی قبل از آن ارتباط پیدا می کند، و چگونه با مطالب بعد یعنی جمله" وَ اصْبِرْ" و جمله" وَ اهْجُرْهُمْ" و جمله" وَ ذَرْنِی" مرتبط می شود.

" وَ اصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِیلًا" این آیه و

ما بعـد آن عطف است بر مـدخول" فاء"، در جمله" فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا"، پس معنا چنین می شود: او را وکیل بگیر که لازمه وکیل گرفتن او این است که بر آنچه می گوینـد و بـا آن تـو را اذیت و اسـتهزا نمـوده به امـوری از قبیـل کهـانت و شـاعری و جنون متهمت نموده قرآنت را اسـاطیر اولین می خواننـد صبر کنی، و نیز لازمه آن این است که با آنها به خوبی قهر کنی. و مراد از" هَجْراً جَمِیلًا- قهر کردن به خوبی" به طوری که از سیاق بر می آید این است که با

آنـان به حسن خلق معـامله نموده و به خیرخواهی به سوی حق دعوتشـان کنـد، و گفته های آنان را با گفته هایی که می تواند بگوید مقابله به مثل ننماید، و این آیه شـریفه منافاتی با آیه قتال ندارد، پس اینکه بعضی «۱» گفته اند: این آیه با آیه قتال نسخ شده، وجهی ندارد.

[تهدید تکذیب کنندگان صاحب نعمت

" وَ ذَرْنِی وَ الْمُکَذِّبِینَ أُولِی النَّعْمَهِ وَ مَهِّلْهُمْ قَلِیلًا" این آیه تهدیـد کفـار است، وقتی می گوییم:" دعنی و فلانـا- و یا- ذرنی و فلانا"، معنایش این است که بین من و او حائل مشو، و بگـذار تا از او انتقام بگیرم. و مراد از" مکـذبین صاحبان نعمت"، همان کفاری است که در آیه قبلی نامشان برده شد، و یا حد اقل رؤسای آنان است، و اگر در توصیف آنان بین صفت" مکذبین" و صفت" اولی النعمه" جمع کرد برای این بود که اشـاره کنـد به علت آن تهدیـدی که متوجه ایشان کرد، چون تکـذیب دعوت الهی از ناحیه افراد متنعم، کفران نعمت اوست، و جزای کفران گری سلب

نعمت و تبدیل آن به نقمت است.

و مراد از اینکه فرمود" اندکی مهلتشان بده"، زمانی اندك است، یعنی همان زمان اندکی که در زمین زندگی می کنند، و برای زمانی بی انتها به سوی پروردگارشان بر می گردند، و حساب و جزا می بینند، هم چنان که در جای دیگر فرمود:" إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَراهُ قَرِيباً" «۲»، و نیز فرموده:" مَتاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمِهادُ" «۳».

این آیه به ظاهرش عام است، ولی بعضی «۴» گفته اند: منظور تهدید ایشان به واقعه بدر است. ولی آیه هیچ ظهوری در آن ندارد. و در این آیه التفاتی از غیبت" ربك" به تکلم" ذرنی" بکار رفته، و شاید وجه آن تشدید همان تهدید باشد، چون خدای سبحان با گفتن" ذرنی" تهدید را به خودش نسبت می دهد. و آن گاه التفاتی دیگر به کار می برد. و آن این است که سیاق متکلم وحده" ذرنی" را به سیاق متکلم مع الغیر" ان لدینا" بر می گرداند، تا عظمت خود را به رخ آنان بکشد.

" إِنَّ لَدَيْنا أَنْكالًا وَ جَحِيماً" این آیه، جمله" ذرنی ..." را تعلیل می کند. و کلمه" انکال" به معنای کنده و

---

(۱) جامع الاحکام، ج ۱۰، ص ۴۴.

(۲) کفار قیامت را دور می بینند، و ما آن را نزدیک می بینیم. سوره معارج، آیه ۶ و ۷.

(۳) دنیا متاعی است قلیل، سپس جهنم ماوای ایشان است که چه بد بستری است. سوره آل عمران، آیه ۱۹۷.

(۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۰.

زنجیرها است. راغب می گوید: وقتی گفته می شود:" فلان نکل عن الشی ء" معنایش این است که فلانی از فلان کار عاجز شد، و وقتی گفته می شود:" نکلته" معنایش این

است که من فلانی را مقید کردم، و کلمه" نکل"- به کسره نون، و سکون کاف- به معنای طناب پابند حیوان و آهن لجام آن است، چون هر دو مانع آزادی حیوان است، و جمع آن أنکال است «۱». و در معنای کلمه جحیم گفته: کلمه" جحمه" به معنای شدت زبانه کشی آتش است، و جحیم هم به این مناسبت اطلاق شده است «۲».

" وَ طَعاماً ذا غُصَّةٍ وَ عَذاباً أَلِیماً" در مجمع البیان می گوید: کلمه" غصه" به معنای تردد لقمه در حلق است، به طوری که خورنده نتواند به راحتی آن را فرو ببرد، وقتی گفته می شود" غص بریقه، یغص، غصصا" معنایش این است که آب دهانش در گلویش گیر کرد، و" فی قلبه غصه من کذا" یعنی در دلش از فلان پیشامد اندوهی گره خورده، و خلاصه غصه هم نظیر سکسکه است، که نمی گذارد طعام و شراب گوارا شود «۳».

و این دو آیه عذابهای آخرت را یادآوری می کنند که نعمت های دنیا به کیفر کفرانشان به آن عذابها و نقمت ها مبدل می گردد.

" یَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ الْجِبالُ وَ کانَتِ الْجِبالُ کَثِیباً مَهِیلًا" کلمه" یوم" ظرف است برای عذابی که در دو آیه سابق وعده اش داده شد. راغب می گوید:" رجف" به معنای اضطراب شدید است و گفته می شود:" رجفت الارض و البحر" یعنی زمین زلزله کرد و دریا موج فرستاد «۴». و در مجمع البیان گفته:" کثیب رمل" به معنای توده ای از شن است، و کلمه" مهیل" از مصدر" هیل" است، و مهیل شدن کوه ها به معنای آن است که وقتی ریشه اش تکان بخورد از بالا فرو بریزد «۵». و معنای آیه روشن است.

" إِنَّا أَرْسَلْنا

إِلَيْكَمْ رَسُولًا شاهِداً عَلَيْكَمْ كَما أَرْسَلْنا إِلى فِرْعَوْنَ رَسُولًا" این آیه مکذبین صاحب نعمت از قوم رسول خدا (ص) را تهدید می کند، بعد از آنکه در آیات قبل مطلق مکذبین صاحب نعمت را تهدید می کرد به عذابی که در روز قیامت برایشان تهیه دیده شده و سپس حال آنان را با حال فرعون مقایسه کرد، که بر

(۱ و ۲) مفردات راغب، ماده" نکل" و ماده" جحم".

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۰.

(۴) مفردات راغب، ماده" رجف".

(۵) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۰.

خدا و رسول او استکبار ورزید، و فرستاده خدا و گروندگان به او را خوار شمرد، و سپس عاقبت امر فرعون را به ایشان گوشزد کرد که چگونه او را به بدترین وجهی گرفتار کرد تا از سرنوشت او پند بگیرند و مراقب رفتار خود باشند.

در این آیه التفاتی از غیبت به خطاب بکار رفته، در آیات قبل کفار غایب فرض شده بودند، می فرمود:" مَهِّلْهُمْ قَلِيلًا" و در اینجا حاضر فرض شده اند، می فرماید:" ما به سوی شما رسولی فرستادیم"، و گویا وجهش این باشد که وقتی گوینده، کفار را وعده عذاب انکال و جحیم و طعام گلوگیر و ... داد، خودش دچار اندوه شد که این بیچارگان چرا باید به خاطر سفاهت و ندانم کاری خود را به هلاکت ابدی بیندازند، و برای اینکه برای آخرین بار کاری کنند که مبتلا به آن هلاکت نگردند، سخن را که تا کنون پشت سر آنان می گفت رو در روی آنان بگوید، شاید مؤثر واقع شود، و شک و تردیدی که در باره قیامت دارند از دلهایشان بر طرف شده، حجت بر آنان تمام

شود، تا شاید به این وسیله پروایی بکنند، و لذا به همین منظور حال آنان را با حال فرعون، و حال رسول خدا (ص) را با حال موسی (ع) مقایسه کرد، و با جمله" فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْماً ..."، به عاقبت امر فرعون اشاره نمود.

پس اینکه فرمود:" إِنَّا أَرْسَلْنا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شاهِداً عَلَيْكُمْ" اشاره است به تصدیق رسالت رسول خدا (ص) از ناحیه خود خدای تعالی، و اینکه رسول خدا (ص) شاهد بر اعمال شما است، امروز در دنیا آنچه می کنید می بیند و نظارت می کند، و فردا در آخرت شهادت می دهد، و ما در طول کتاب هر جا به آیات مربوط به شهادت برخوردیم، معنای شهادت پیغمبران بر اعمال مردم را بیان کردیم، و در اینکه به شهادت رسول خدا (ص) اشاره کرده نوعی نهی مردم از نافرمانی و مخالفت و تکذیب آن جناب است، منظور از رسول در جمله" كَما أَرْسَلْنا إِلى فِرْعَوْنَ رَسُولًا" موسی بن عمران (ع) است.

[هشدار به کفار با اشاره به هلاکت فرعون بر اثر نافرمانی از فرستاده خدا]

" فَعَصى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْناهُ أَخْذاً وَبِيلًا" کلمه" وبيل" به معنای سخت و ثقیل است، در این جمله به عاقبت امر نافرمانی فرعون از موسی اشاره کرده و اگر از موسی به رسول تعبیر کرده، برای این است که اشاره کند به اینکه آن سببی که باعث گرفتاری فرعون شد، مخالفتش با شخص موسی بدان جهت که موسی است نبود، بلکه بدان جهت که فرستاده خداست بود، پس این کفار هم از مخالفت محمد (صلوات اللّه علیه) بر حذر باشند، چون او نیز رسول خدا است.

هم چنان که به

کار بردن اسم ظاهر بجای ضمیر در جمله" فَعَصى فِرْعَوْنُ" برای این بود که اشاره کند به اینکه اولا منشا تکذیب و مخالفت فرعون همان تفرعن او بود، و ثانیا عزت و علو در زمین و بالیدن به کثرت عده و وسعت آب و خاک و نفوذ مشیت. و خلاصه تفرعن او حتی به قدر یک خردل در دفع عذاب الهی از او اثر نکرد، و عذاب الهی او را با آن همه قدرتش بگرفت، تا چه رسد به این کفار تکذیب گر که مردمی ناتوان و گرسنه اند، و به فرموده قرآن:" جُنْدٌ ما هُنالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزابِ" «۱».

" فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْماً يَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِيباً" (فرعون نتوانست خود را از عذاب دور بدارد، شما چگونه خود را از عذاب روزی که جوان را پیر می کند حفظ می کنید؟) نسبت دادن اتقاء و حفظ کردن خود، به یوم (روز) از باب مجاز عقلی است، و مراد حفظ کردن از عذاب آن روز است، بنا بر این کلمه" یوما" مفعول برای" تتقون" است. بعضی «۲» گفته اند: مفعول" تتقون" حذف شده و" یوما" ظرف برای عذاب است، و تقدیر کلام" فکیف تتقون العذاب الکائن فی یوم کذا" است، بعضی «۳» از مفسرین گفته اند: مفعول" تتقون" حذف شده، و کلمه" یوما" ظرف برای اتقاء است، و معنا این است که اتقای شما در آن روز چگونه است؟ بعضی دیگر سخنانی دیگر گفته اند.

" يَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِيباً"- کلمه" شیب- پیر" جمع کلمه" أشیب" است، مقابل کلمه" شاب" که به معنای جوان است، و این تعبیر که" آن روز کودکان را پیر می کند" کنایه است از شدت عذاب آن روز نه طولانی

بودنش.

" السَّماءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا" این آیه برای بار دوم به شدت آن روز اشاره می کند، و کلمه" انفطار" به معنای شکاف برداشتن است، و اگر صفت" سماء" را مذکر آورد، برای این بود که سماء جائز الوجهین است، هم می توان صفتش را مذکر آورد و هم مؤنث، و ضمیر" به" به کلمه" یوم" بر می گردد، و حرف" باء" در آن سببیت را می فهماند. و معنای آیه این است که: آسمان در آن روز و یا به سبب شدت آن روز شکافته می شود.

و جمله" کانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا" استینافی است، یعنی می خواهد نکته ای جدید را افاده کند، و آن این است که وعده خدا شدنی است. و با آوردن این جمله تهدید سابق را مسجل می کند، و اگر کلمه" وعد" را به ضمیر راجع به خدای تعالی نسبت داد و نفرمود:" کان وعد

---

(۱) اینها لشکر کوچک شکست خورده ای از احزابند. سوره ص، آیه ۱۱.

(۲ و ۳) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۶۴۱. و روح البیان، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

اللَّه"، شاید برای این بود که اشاره کند به اینکه غیر از خدا کسی نیست که صلاحیت داشته باشد چنین تهدیدی بکند، پس آوردن ضمیر هم کافی است و احتیاج به آوردن نام خدای تعالی نیست.

" إِنَّ هذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلًا" کلمه" هذه" اشاره است به آیات سابق که مشتمل بر تهدیدهای کوبنده و تذکر و موعظه است، و کلمه" تذکره" به معنای هر هشداری است که آدمی با دیدن و یا شنیدن آن الگویی می گیرد که عمل خود را طبق آن انجام دهد.

و در جمله" فمن شاء" مفعول"

شاء" حذف شده، و معروف در مثل این موارد این است که مفعولی در تقدیر بگیرند که از جنس جواب شرط باشد و با سیاق بسازد، بنا بر این باید بگوییم تقدیر جمله:" فمن شاء أن یتخذ الی ربه سبیلا اتخذ الی ربه سبیلا- هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگار خود اتخاذ کند می تواند راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند" می باشد. بعضی «۱» گفته اند: کلمه" اتعاظ- پندگیری" در تقدیر است، و معنایش این است که هر کس بخواهد پند بگیرد، راهی به سوی پروردگار خود اتخاذ می کند: و منظور" از اتخاذ راه به سوی پروردگار" اتخاذ راه به سوی تقرب به او است. و منظور از" راه"، همان ایمان و اطاعت است. این آن معنایی است که مفسرین ذکر کرده اند.

ولی ممکن است کلمه" هذه" را اشاره به آیات اول سوره بگیریم که به شب زنده داری و تهجد سفارش می کرد، و بگوییم این آیه می خواهد خطاب اختصاصی به رسول خدا (ص) در اول سوره را به همه مؤمنین عمومیت دهد، و به طور کلی بفرماید:" فَمَنْ شاءَ ...".

مؤید این احتمال این است که آیه مورد بحث عینا در سوره دهر هم آمده، و در آنجا بعد از آیه ای قرار گرفته که از نماز شب سخن می گوید و می فرماید:" وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا"، و از این معنا می توان نتیجه گرفت که نماز شب راه مخصوصی است که آدمی را به سوی پروردگارش هدایت می کند.

بحث روایتی [روایاتی در باره نزول آیات:" يا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ..."]

در الدر المنثور است که بزار و طبرانی در کتاب" اوسط"، و ابو نعیم در کتاب

---

(۱) تفسیر کشاف،

" دلائل"، از جابر روایت کرده اند که گفت: قریش در دار الندوه جلسه ای تشکیل دادند، که بیایید برای این مرد (رسول خدا ص) نامی انتخاب کنید، که مردم با شنیدن آن نام و عنوان دیگر دورش جمع نشوند، و از او فاصله بگیرند. عده ای گفتند چطور است او را کاهن بنامیم. جمعی گفتند دیوانه اش معرفی کنیم. عده ای دیگر گفتند اتهام دیوانگی به او نمی چسبد. جمعی پرسیدند چطور است ساحرش بخوانیم؟ گفتند: نه، ساحر هم نیست، گفتند: کار ساحران را می کند، چون بین دو دوست را به هم می زند، و در آخر به همین معنا رأی دادند و متفرق شدند.

جریان به اطلاع رسول خدا (ص) رسید، از شدت اندوه خود را در ملحفه ای پیچید، جبرئیل به حضورش آمد و عرضه داشت:" یا أَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ "،" یا أَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ " «۱».

مؤلف: آخر روایت خالی از سؤال نیست، برای اینکه از ظاهر آن بر می آید هر دو سوره با هم نازل شده، علاوه بر این از آیات قرآن و حتی از سوره مدثر برمی آید که مشرکین هر تهمت ناروایی به آن جناب زده اند: کاهن، ساحر، مجنون، و شاعرش خوانده اند، و تنها به تهمت زدن به ساحر که روایت می گوید، اکتفاء نکرده اند، از این هم که بگذریم در هیچ جای قرآن نیامده که این تهمت را به آن جناب زده باشند که بین دوستان را به هم می زند.

و در همان کتاب آمده که عبد اللَّه بن احمد در کتاب" زهد" و محمد بن نصر در کتاب" الصلاه" از عایشه روایت کرده اند که گفت: رسول خدا (ص) شبها بسیار کم می خوابید، چون خدای تعالی دستور داده

بود" قُمِ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا" «۲».

و در تفسیر کشاف از عایشه روایت کرده که در پاسخ شخصی که پرسیده بود تزمیل (روانداز) رسول خدا (ص) چه بود؟ گفت روانـدازی بـود به طول چهارده ذراع، که من در زیر نیمی از آن می خوابیدم، و رسول خدا (ص) بر روی نیم دیگرش نماز می خواند، پرسیدند از چه جنسی بود؟ گفت به خدا سوگند نه خز بود و نه قز (ابریشم غیر مرغوب) و نه پوست مرعز، و نه ابریشم، و نه پشم، رویه آن از مو و آستریش از کرک بود «۳».

مؤلف: اهل فن این روایت را به جعلی بودن متهم کرده اند، و درست هم هست،

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۷۶.

(۳) تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۶۳۶.

برای اینکه آن زمانی که این سوره که ابتدایی ترین سوره های قرآن است در مکه نازل می شد، عایشه همسر رسول خدا (ص) نشده بود، ازدواج آن جناب با وی بعد از هجرت در مدینه واقع شد.

و از کتاب جوامع الجامع نقل شده که گفته است: در روایتی آمده که رسول خدا (ص) داخل خانه خدیجه شد، در حالی که از شدت کوفتگی و فزع و ترس نمی توانست روی پای خود بایستد، و فرمود: مرا بپیچید، چیزی نگذشت که جبرئیل ندایش در داد که:" یا أَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ" «۱».

و در الدر المنثور است که عبد بن حمید و ابن جریر و ابن ابی حاتم از سعید بن جبیر روایت کرده اند که گفت: وقتی آیه" یا أَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا" نازل شد، رسول خدا (ص) مدت ده سال شب ها را به قیام و عبادت گذرانید، طایفه ای از

اصحابش نیز او را متابعت می کردند، خدای تعالی بعد از ده سال آیه" إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ أَنَّکَ تَقُومُ ... وَ أَقِیمُوا الصَّلاهَ" را نازل کرد، و بعد از ده سال تخفیفی به کار آنان داد «۲».

مؤلف: روایت شده «۳» که آیه تخفیف بعد از یک سال، و در بعضی «۴» روایات بعد از هشت ماه نازل شد، و قیام در شب برای غیر رسول خدا (ص) واجب نبوده، هم چنان که جمله" إِنَّ هذِهِ تَذْکِرَهٌ" نیز به بیانی که گذشت به این معنا اشاره دارد، و مؤید آن خود روایت است که می گوید: طایفه ای از اصحاب چنین کردند (نه همه).

و در تهذیب به سند خود از محمد بن مسلم از امام باقر (ع) روایت کرده که گفت: من از آن جناب از این کلام خدا پرسیدم که می فرماید:" قُمِ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا". فرمود:

خدای تعالی به آن جناب دستور داد که در هر شب نماز شب بخواند، مگر آنکه استثنائا شبی نتواند «۵».

مؤلف: این روایت به یکی از وجوهی که مفسرین در آیه ذکر کردند اشاره می کند.

و در مجمع البیان است که: بعضی گفته اند کلمه" نصفه" بدل است از کلمه" قلیل"، در نتیجه بیانی می شود برای استثناء و مؤید این قول روایتی است که در آن امام صادق (ع) فرموده: قلیل عبارت است از نصف، و جمله" أَوِ انْقُصْ مِنْهُ" و جمله

---

(۱) جوامع الجامع، ص ۴۹۵.

(۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۷۶.

(۳ و ۴) تفسیر قرطبی، ج ۱۹، ص ۳۷.

(۵) تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۳۵.

" أَوْ زِدْ عَلَیْهِ" به معنای کمتر از نصف و بیشتر از آن است «۱».

[چند روایت در

باره مراد از ترتیل قرآن و آداب تلاوت قرآن

و در الدر المنثور است که عسکری در کتاب مواعظ از علی (ع) روایت کرده که فرمود: از رسول خدا (ص) پرسیدند معنای "وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا" چیست؟ فرمود: حروفش را واضح بگویی، و چون خواندن شعر صدای خود را ترجیع ندهی نه مانند بحر طویل یکسره باشد و نه مانند شعر پاره پاره، وقتی به عجائبش برمی خوری در آنجا بایستی، (و با تکرار آن) دل را به حرکت در آوری، و زنهار! همتتان این نباشد که زودتر به آخر سوره برسید «۲».

مؤلف: نظیر این معنا را کلینی در کافی به سند خود از عبد اللَّه بن سلیمان از امام صادق از علی (ع) به این عبارت نقل کرده که فرمود: یعنی حروف آن را واضح بگویید، و مانند خواندن شعر، به صوت خود ترجیع ندهید، و مانند ریگ، درهم وبرهمش مکنید، بلکه با (تکرار) آیاتش دلهای مبتلا به قساوت را از قساوت تهی کنید، و هم هیچ یک از شما این نباشد که زودتر سوره را تمام کنید «۳».

و در همان کتاب است که ابن ابی شیبه از طاووس روایت کرده که گفت: از رسول خدا (ص) پرسیدند کدامیک از مردم قرآن را بهتر می خوانند؟ فرمود: آن کس که وقتی تلاوتش را می شنوی احساس کنی که او از خدا می ترسد «۴».

و در اصول کافی به سند خود از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: امام صادق (ع) فرمود: قرآن نباید به سرعت خوانده شود، بلکه باید ترتیل شود، پس وقتی به آیه ای برمی خوری که در آن سخن از بهشت رفته، همانجا بایست و از

خدای عز و جل درخواست بهشت کن، و چون به آیه مربوط به دوزخ می رسی از خدا بخواه تا از آتش پناهت دهد «۵».

و در مجمع البیان در معنای ترتیل از ابی بصیر از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: ترتیل آن است که در آن مکث کنی و صوتت را نیکو گردانی «۶».

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۷.

(۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۷۷.

(۳) اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۹، ح ۱.

(۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۷۷.

(۵) اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۲، ح ۲.

(۶) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

[روایاتی راجع به کیفیت نزول وحی بر رسول اللَّه (صلّی الله علیه وآله وسلّم)]

و نیز در همان کتاب از ام سلمه روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) قرائتش را آیه آیه می کرد «۱».

و در همان کتاب از انس روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) صوت خود را در قرائت می کشید «۲».

و نیز در همان کتاب روایت کرده که: حارث بن هشام از رسول خدا (ص) پرسید وحی چگونه بر تو نازل می شود؟ فرمود: احیانا صدایی چون صدای زنگ به گوشم می خورد، و من آنچه را می گوید از بر می شوم، و این نوع وحی از سایر انواعش بر من سخت تر است، و بدنم عرق می کند، و گاهی فرشته وحی به صورت مردی برایم مجسم می شود، و من آنچه را می گوید از بر می شوم.

عایشه هم گفته: گاه می شد که وحی بر آن جناب نازل می شد در حالی که سوار بر شتر بود ناچار به گردن حیوان می زد تا بخوابد. و نیز گفته: من دیده ام که گاهی در روز

بسیار سرد وحی بر آن جناب نازل می شد و خیس عرق می شد، به طوری که عرق از پیشانیش می چکید «۳».

و از تفسیر عیاشی نقل شده که او به سند خود از عیسی بن عبید از پدرش از جدش از علی (ع) روایت کرده که فرمود: قرآن بعضی آیاتش بعضی دیگر را نسخ می کند، و لذا باید به دستور رسول خدا (ص) به همه آیات تمسک کرد، یعنی آخرین آیه ای را هم که نازل شده در نظر بگیریم. و از جمله آخرین آیاتی که به آن جناب نازل شد سوره مائده است، که ما قبل خود را نسخ کرده ولی چیزی آن را نسخ نمی کند، این سوره در حالی بر آن جناب نازل شد که بر ناقه شهباء سوار بود، و وحی آن چنان بر آن حیوان گران آمد که نتوانست راه برود، بلکه شکمش را به زمین نزدیک می کرد و من خود دیدم که نزدیک بود نافش به زمین برسد «۴».

مؤلف: این روایت اگر درست باشد ناگزیر باید بگوییم ظاهر شدن اثر سنگینی وحی در ناقه و یا قاطر، از قبیل تجسم معانی است، نه اینکه وحی هم امری مادی و دارای سنگینی وزن است، چون این سخن معقول نیست. و نظیر این تعبیرها در روایاتی که معجزات و کرامات اولیاء را نقل می کنند، بسیار است.

و در تهذیب به سند خود از هشام بن سالم از امام صادق (ع) روایت کرده که در تفسیر کلام خدای عز و جل که فرموده" إِنَّ ناشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِيلًا"، فرمود:

(۱ و ۲ و ۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

(۴) تفسیر عیاشی، ج ۱،

منظور از" أقوم قيلا" اين است كه برخاستن آدمى از بستر براى رضاى خدا (و نه براى هيچ كس ديگر) قيامى است استوار «۱».

مؤلف: اين روايت به دو سند ديگر در تهذيب و علل از هشام از آن جناب نقل شده «۲».

و در مجمع البيان در ذيل آيه" إِنَّ ناشِئَةَ اللَّيْلِ" آمده كه از امام باقر و امام صادق (ع) روايت شده كه فرمودند: منظور به نماز ايستادن در آخر شب است «۳» و در الدر المنثور است كه ابن منذر از حسين بن على (ع) روايت كرده كه آن جناب را ديدند، بين مغرب و عشا نماز مى خواند، سببش را پرسيدند، فرمود: اين از همان ناشئه است «۴».

[مراد از تبتل به سوى خدا (وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا)]

و در مجمع البيان در ذيل آيه" وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا" مى گويد محمد بن مسلم و زراره و حمران از امام باقر و امام صادق (ع) روايت كرده اند كه فرمودند: منظور از اين" تَبَتَّلْ"، بلند كردن دستها در نماز است. و در روايت ابى بصير آمده كه فرمود:" تبتل" اين است كه در نماز دست به سوى خدا بردارى و تضرع كنى «۵».

مؤلف: اين روايت با قنوت نماز منطبق است. و در روايتى «۶» ديگر آمده كه" تبتل" به معناى بلند كردن دستها و حركت دادن انگشتان سبابه است. و در روايتى «۷» ديگر آمده كه اشاره كردن با انگشتان است. و در روايتى «۸» ديگر آمده كه دعا كردن با يك انگشت و اشاره كردن با آن است.

باز در مجمع البيان است كه از عبد اللَّه بن عمر نقل شده كه وقتى رسول

خدا (ص) شنید کسی می خواند:" وَ طَعاماً ذا غُصَّهٍ"، از شنیدن آن غش کرد «۹».

و در تفسیر قمی در ذیل آیه" وَ کانَتِ الْجِبالُ کَثِیباً مَهِیلًا" آمده: یعنی مانند تل ریگ که از بالا فرو بریزد «۱۰».

---

(۱) تهذیب، ج ۲، ص ۳۳۶.

(۲) علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۳.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

(۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۷۸.

(۵) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۷۹.

(۶ و ۷ و ۸) تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۴۹.

(۹) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۰.

(۱۰) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۲.

ترجمه آیات پروردگار تو می داند که تو و گروهی از مؤمنین که با تو هستند نزدیک از دو ثلث شب و گاهی نصف آن و گاهی ثلث آن را زنده می دارید و خدا که تقدیر کننده شب و روز است (و در فصول چهارگانه آن را بلند و کوتاه می کند) می داند که تشخیص دو ثلث و نصف و ثلث در فصول مختلف برای شما ممکن نیست به همین جهت بر شما بخشود از این پس هر مقدار که برایتان میسر است از قرآن بخوانید. و نیز می داند که برای شما بیماری پیش می آید عده ای به سفر می روند تا از رزق خدا به دست آورند جمعی دیگر در راه خدا جنگ می کنند در چنین احوال نیز هر مقدار که می توانید از قرآن بخوانید و نماز بپا بدارید و زکات بدهید. و به خدا وام دهید وامی نیکو و بدانید آنچه از کارهای خیر می کنید و از پیش برای خود می فرستید نزد خدایش می یابید، اما بهتر از آنچه که کردید و با أجری عظیم تر. و از خدا طلب مغفرت

کنیـــــــــــــد کـــــــــــه خـــــــــــدا آمرزنـــــــــــــده و رحیـــــــــــــم اســـــــــــت (۲۰).

بیان آیه سخن در این آیه شریفه برای تخفیف دادن به دستوری است که در اول سوره به شخص رسول خدا (ص) داد، و در آیه" إِنَّ هـٰذِهِ تَذْكِرَةٌ ..." در وسط سوره آن دستور را به عموم مؤمنین تعمیم داد، و آن عبارت بود از پرداختن به نماز شب و تهجد، در این آیه می خواهد بفرماید: خدا از مؤمنین اکتفاء کرد به هر مقداری که بتوانند از قرآن تلاوت کنند، پس آیه شریفه می خواهد دستور اول سوره را تخفیف دهد، نه اینکه آن را نسخ نموده از قیام در دو ثلث شب و یا نصف آن و یا ثلث آن منع کند.

[زمان نزول این آیه شریفه که متضمن تخفیف دستور قیام در دو ثلث شب یا نصف یا ثلث آن است

در اخبار زیادی وارد شده که خصوص این آیه بعد از گذشتن هشت ماه و یا یک سال و یا ده سال از نزول آیات اول سوره در مکه نازل شد، و لیکن این حرف از این نظر سست است که در آیه شریفه جمله" أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً" آمده، و ظاهر آن این است که مراد از" زکات"- مخصوصا بدان جهت که بعد از نماز و قبل از مساله انفاق مستحبی آمده- زکات واجب باشد، و همه می دانیم که زکات بعد از هجرت در مدینه واجب شده.

پس نزول این آیه در مدینه بوده، و اینکه بعضی «۱» گفته اند: زکات در مکه واجب شد، ولی نصاب آن تعیین نشد تا در مدینه معین گردید، و همچنین اینکه

بعضی «۲» دیگر گفته اند:

ممکن است آیه شریفه قبل از حکمش نازل شده باشد، و حکمش بعد از مدتی که از نزول آیه گذشت واجب شده باشد وجوهی بدون دلیل هستند.

علاوه بر بی دلیل بودن این سخنان در آیه شریفه سخن از قتال هم رفته، می فرماید:" وَ آخَرُونَ يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ" با اینکه می دانیم در مکه در جو آن چنانی مصلحت نبوده که در متن آیه سخن از قتال به میان آید، و به هر حال ظاهر این است که آیه شریفه در مدینه نازل شده باشد نه در مکه، و بعضی از مفسرین هم به این نظریه متمایل شده اند.

" إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنى مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ ..."

خطاب در این آیه به رسول خدا (ص) است، و تعبیر به" ربک" اشاره است به اینکه رحمت و عنایت الهی شامل آن جناب است، و همچنین تعبیر به

(۱ و ۲) روح المعانی، ج ۲۹، ص ۱۱۴.

" يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ ..."، بویی از شکر می دهد، و از لحنش پیداست که می خواهد از آن جناب تشکر کند، آری خودش فرموده" وَ كانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُوراً" «۱»" تَقُومُ أَدْنى مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ"- کلمه" أدنی" اسم تفضیل از مصدر" دنو" است، که به معنای نزدیکی است، ولی در عرف استعمال این ماده در موردی شایع شده که علاوه بر نزدیک بودنش به چیزی کمتر از آن هم باشد، مثلا عدد" نه" و عدد" یازده" هر دو به عدد ده نزدیکند، اما کلمه" أدنی من عشره" را تنها در پایین تر از ده مثلا" نه" استعمال می کنند، نه در بالاتر از

آن مثلا" یازده"، پس معنای جمله" أَدْنی مِنْ ثُلُثَیِ اللَّیْلِ" کمی کمتر از دو ثلث شب است.

واو عاطفه در جمله" و نصفه و ثلثه" صرفا برای مطلق جمع است، و می خواهد بفرماید خدای تعالی می داند که تو در بعضی از شبها کمتر از دو ثلث شب، و در بعضی از شبها نصف شب، و در بعضی ثلث شب را به نماز می ایستی.

و مراد از" معیت" در جمله" وَ طائِفَةٌ مِنَ الَّذِینَ مَعَکَ" معیت در ایمان است، و حرف" من" برای تبعیض است، و بنا بر این، آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه بعضی از مؤمنین نماز شب می خواندند، همانطور که رسول خدا (ص) می خواند. ولی بعضی «۲» از مفسرین حرف" من" را بیانیه گرفته اند، که می دانید درست نیست.

و جمله" وَ اللَّهُ یُقَدِّرُ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ" در مقام تعلیل برای جمله" إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ" است، و معنای مجموع آن دو این است که چگونه خدا نداند با اینکه خدا آن کسی است که خلقت و تدبیر منتهی به او است. در این تعلیل می بینیم تقدیر، یعنی تعیین مقدار شب و روز و ثلث و نصف و دو ثلث آنها را به اللَّه نسبت داده، نه به نام" رب"، یا نام دیگر، و این برای آن است که اندازه گیری مخلوق از شؤون خلقت است، و خلقت مستند به اللَّه است، که هر چیزی به او منتهی می شود.

" عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتابَ عَلَیْکُمْ فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ"- کلمه" احصاء" که مصدر فعل" تحصوه" است، به معنای به دست آوردن و احاطه یافتن به مقدار هر چیز، و تعداد آن است و ضمیر در" لَنْ تُحْصُوهُ" به

تقـدیر مسـتفاد از " یُقَدِّرُ اللَّیْلَ ... "، و یا به قیام مسـتفاد از " تَقُومُ أَدْنی ... " بر می گردد، می فرمایـد: همه شـما نمی توانید یک سوم و یک دوم و دو سوم شبهای سال را به خاطر کوتاهی و بلندی آن در ایام سال اندازه گیری بکنید، و مخصوصا

---

(۱) و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است. سوره دهر، آیه ۲۲.

(۲) تفسـیر روح البیـان، ج ۱۰، ص ۲۱۸.

دشواری این اندازه گیری وقتی بیشتر می شود که کسی بخواهد اول شب بخوابد، و درست در یک دوم و یا یک سوم و یا دو سوم شب از خواب برخیزد، مگر اینکه از باب احتیاط همه شب را بیـدار بمانـد تا یقین کنـد آن مقـداری که می خواسـته بیدار باشد، بیدار بوده است، و یا چاره ای دیگر بیندیشد.

[آیه شریفه مربوط به حکم شب زنده داری مفاد آیات اول سوره را نسخ نمی کند بلکه تخفیف می دهد]

پس مراد از اینکه فرمود: " خـدا دانست که شـما نمی توانیـد این مقادیر را به دست آورید " این است که این احاطه برای عموم شما مکلفین میسر نیست، نه اینکه حتی هیچ فردی نمی تواند چنین احاطه ای پیدا کند.

و مراد از اینکه فرمود: " به همین جهت بر شـما توبه کرد " این است که به رحمت الهیه اش به طرف شـما توجه و رجوع کرد و تکلیـف شـما را در این بـاب تخفیـف داد، بنـا بر این، خـدای تعـالی بر بنـدگان خـود تـوبه و رجوعی دارد، و آن این است که رحمت خود را بر آنان بسط دهـد، و اثر این توبه خـدا آن است که بندگان، موفق به توبه و رجوع به وی شوند. و یا این اسـت که موفق به

هر اطاعتی گردنـد. و یا این است که بعضـی از تکالیف دشوار را به کلی بردارد، و یا در آن تخفیفی بدهد، که قرآن کریم در باره اولین اثر که برای توبه خدا شمردیم فرموده:" ثُمَّ تابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا" «۱».

علاوه بر آن تـوبه، خداونـد یـک توبه دیگری دارد، و آن بعـد از توبه بنـدگان است، و اثرش این است که توبه آنـان را قبول نموده، گناهانشان را می آمرزد، و ما در سابق هم به این معنا اشاره کرده بودیم.

و منظور از اینکه فرمود:" پس از قرآن هر چه برایتان میسور بود بخوانیـد"، این است که در وظیفه شب زنده داری و مقدار آن برای عموم تخفیف دهـد، و اگر حرف" فـاء" را بر سـر جمله آورد، و فرمود:" فـاقرؤا"، برای این بود که بفهمانـد این تخفیف نتیجه علم خدا به دشواری آن اندازه گیری ها برای مکلفین است.

و لازمه این تخفیف توسـعه یـافتن تکلیف برای عموم مکلفین، و برخورداری همه از نعمت شب زنـده داری است، هر کس به مقـدار وسـعش، نه اینکه خواسـته باشـد حکم ثلث و نصف و کمتر از دو ثلث را حتی برای آن فردی که قدرت احصای آن را دارد نسـخ کنـد، و بفرمایـد: از این به بعـد این عمـل بـدعت و حرام است، برای اینکه گفتیم این عمـل برای غالب مردم دشوار است نه برای همه، و اگر برای همه غیر میسر بود، و حتی یک نفر هم قادر به انجام ____________________

(۱) سـپس خداونـد ایشـان را مـورد لطـف خـود قرار (و توفیـق داد) تـا تـوبه کننـد. سـوره تـوبه، آیـه ۱۱۸.

آن نبود از اول تشریع نمی شد، چون خدای تعالی هیچ فردی را تکلیف

به غیر میسور نمی کند" لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها" «۱».

علاوه بر این، در آیه شریفه پیغمبر خود و طایفه ای از مؤمنین را تصدیق کرده که ثلث و یا نصف و یا کمتر از دو ثلث را شب زنده داری می کردند، و می توانستند این اندازه ها را رعایت کنند، و میسر نبودن آن را به جمیع مردم نسبت داده، و معلوم است که جمیع مردم عبارتند از آنها که این کار را می کردند، و آنهایی که نمی کردند، پس حکم شب زنده داری شاق بر مجموع من حیث المجموع است، نه شاق بر تک تک عموم مسلمانان، و چون چنین است تکلیف را طوری تخفیف داد که هم اصل تکلیف برای افرادی که قادر بر اندازه گیری هستند بماند، و هم آسانتر آن برای همه میسور شود، و فرمود:" فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ"، و حکم شب زنده داری چه حد اکثرش یعنی ثلث و دو ثلث و نصف و چه حد اقلش یعنی خواندن مقدار میسور از قرآن برای عموم مؤمنین مستحبّ است.

مفسرین در اینکه منظور از" قیام لیل" چیست اختلاف کرده اند، آیا قرائت قرآن در خارج نماز است و یا خود نماز خواندن در شب است؟ و بنا بر اینکه منظور نماز باشد، اختلاف کرده اند در اینکه آیا این نماز بر پیامبر (ص) و همه مؤمنین واجب است، و یا برای همه مستحبّ است، و یا بر رسول خدا (ص) واجب و بر سایرین مستحبّ است؟ و نیز اختلاف کرده اند در اینکه آیا آیه مربوط به قیام لیل به وسیله آیه مورد بحث نسخ شده؟ و آیا حکم نماز شب مبدل به قرائت قرآن به قدر میسور شده؟ و این اقوال کثیر

چیزی نیست که تعرض به آنها فایده داشته باشد.

" عَلِمَ أَنْ سَیَکُونُ مِنْکُمْ مَرْضی وَ آخَرُونَ یَضْرِبُونَ فِی الْأَرْضِ یَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ"- این قسمت از آیه به مصلحت دیگری که باعث تخفیف در امر به قیام در ثلث و نصف و کمتر از دو ثلث شد اشاره می کند، می فرماید: علاوه بر اینکه حکم یاد شده بر عامه مکلفین دشوار است، این دشواری در باره بیماران و مسافران و رزمندگان بیشتر است، و مراد از" ضرب فی الارض"، مسافرت، و مراد از" ابتغاء من فضل اللَّه" طلب روزی از راه مسافرت به نواحی زمین برای تجارت است.

" فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِیمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّکاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً"- در این قسمت از آیه حکم تخفیف را تکرار می کند تا مطلب تاکید شود، و ضمیر" منه" به قرآن بر

---

(۱) سوره بقره، آیه ۲۸۶.

می گردد، و مراد از خواندن از قرآن به مقداری که میسور باشد، نماز خواندن به مقداری است مناسب، با وسعت زمانی که شب زنده داری کرده اند.

و مراد از" نمازی که مامور شده اند به جای آورند" نمازهای واجب است، بنا بر این، اگر آیه را مدنی بدانیم منظور همین نمازهای واجب پنجگانه خواهد بود، و اگر مکی باشد باید بگوییم منظور نمازهایی است که قبل از هجرت واجب بوده، و مراد از" زکات" زکات واجب است، و منظور از" قرض دادن آن به خدای تعالی"، انفاقهای غیر زکات و صدقات مالی است که در راه خدا داده می شود. و عطف امر به اقامه نماز و دادن زکات و قرض دادن به خدا به مساله

تخفیف، برای اشاره به این معنا بوده که تکالیف دینی هم چنان به وجوب و اهمیت خود باقی است، و خدای تعالی هم چنان به امر آن اعتنا دارد، پس کسی خیال نکند که تخفیف از شب زنده داری به سایر وظائف سرایت کرده، در حقیقت آیه مورد بحث از این نظر شبیه به آیه نجوی است، که وقتی (به منظور تخفیف) حکم صدقه دادن قبل از نجوای با رسول خدا (ص) را بر می دارد، بلافاصله مساله وجوب نماز و زکات و اطاعت خدا و رسولش را خاطرنشان می سازد و می فرماید:" فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ" «۱».

" وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْراً وَ أَعْظَمَ أَجْراً"- کلمه" من خیر" بیان" ما" است، و مراد از" خیر مطلق"، اطاعت است، چه واجب و چه مستحبّ، و کلمه" هو" یا ضمیر فصل است، و یا تاکید ضمیر در" تجدوه" است. و معنای آیه این است که: هر اطاعتی که به نفع خود از پیش بفرستید- یعنی برای اینکه با آن زندگی آخرتی خود را تامین کنید- نزد خدا آن را خواهید دید، یعنی در روز لقاء اللَّه آن را بهتر از همه کارهای نیک که می کردید، و یا بهتر از هر چیزی که در دنیا باقی می گذارید، و پراجرتر از آن خواهید یافت.

" وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ"- سوره مورد بحث را با امر به استغفار ختم نمود، و در اینکه فرمود:" به درستی خدا غفور و رحیم است" اشعاری به وعده مغفرت و رحمت هم دارد، و بعید نیست

مراد از" استغفار" انجام مطلق طاعات باشد، چون طاعات وسائلی هستند که با آن مغفرت خدا شامل حال آدمی می شود، پس می توان گفت: هر طاعتی استغفار است.

---

(۱) اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت نماز را بپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید. سوره مجادله، آیه ۳.

بحث روایتی [(روایتی در باره تخفیف تهجد شبانه، قرائت قرآن، تجارت، قرض به خدا، و ...)]

در تفسیر قمی در روایت ابی الجارود از امام باقر (ع) آمده که در تفسیر آیه" إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ أَنَّکَ تَقُومُ أَدْنى مِنْ ثُلُثَیِ اللَّیْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ" فرمود: رسول خدا (ص) این عمل را انجام داد، و مردم را به آن بشارت داد، ولی بر آنان دشوار آمد و" عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ"، و خدای تعالی دانست که ضبط یک سوم و نصف و دو سوم برای مردم دشوار است، یک مسلمان نیمه شب از خواب برمی خیزد، در حالی که نمی داند (شب در این فصل)، چه ساعتی نصف یا ثلثان می شود، و چه بسا برای درک آن ساعت های معین تا به صبح بیدار بماند. لذا خدای تعالی این آیه را نازل کرد:" إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ أَنَّکَ تَقُومُ ... عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ" و فرمود: خدا می داند که شما نمی توانید نصف و ثلث را به دست بیاورید. و لذا این آیه شریفه آن حکم را نسخ کرد،" فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ" و بدانید که هیچ پیغمبری نیامده مگر اینکه نماز شب را در خلوت می خواند، و هیچ پیغمبری این نماز شب را در اول شب بجا نمی آورد

«۱».

مؤلف: حاصل روایت این است که صدر سوره نماز شب را واجب کرده، و ذیلش آن را نسخ کرده. البته قریب به این معنا از طرق اهل سنت هم از ابن عباس و غیره روایت شده که ما در بیان سابقمان درباره نسخ صحبت کردیم.

و در مجمع البیان است که حاکم ابو القاسم ابراهیم حسکانی، به سند خود از کلبی از ابی صالح از ابن عباس روایت کرده که در مورد جمله" وَ طائِفَةٌ مِنَ الَّذِینَ مَعَکَ" گفته است.

منظور علی و ابو ذر است «۲».

و در همان کتاب است که در ذیل جمله" فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ" گفته: از حضرت رضا از پدرش از جدش (ع) روایت شده که فرمود: حد اقل چیزی که در قرائت قرآن برای شما میسر است خشوع قلب و صفای باطن است «۳».

و در الدر المنثور است که ابن ابی حاتم و طبرانی و ابن مردویه، از ابن عباس از رسول خدا (ص) روایت کرده اند که در ذیل" فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ"

---

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۲.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۱.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۸۲.

فرمود: حد اقل صد آیه است «۱».

و در همان کتاب است که ابن مردویه از عبد اللَّه بن مسعود روایت کرده که گفت:

رسول خدا (ص) فرمود: هیچ کاسبی نیست که طعامی را از جایی به سوی شهری از شهرهای مسلمین وارد کند، و آن کالا را به نرخ روز در آن شهر به فروش برساند، مگر آنکه نزد خدا منزلت شهید را دارد، آن گاه رسول خدا (ص) این آیه را تلاوت کردند:" وَ آخَرُونَ یَضْرِبُونَ

فِی الْأَرْضِ یَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ" «۲».

و در تفسیر قمی به سند خود از زرعه از سماعه روایت کرده که گفت: من از آن جناب (ظاهرا امام صادق (ع) است) از جمله" وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً" پرسیدم، فرمود: منظور غیر زکات است «۳».

و در خصال از امیر المؤمنین (ع) آمده که در حدیث" اربعه مائه" فرمود: بسیار استغفار کنید تا رزق را جلب کرده باشید، و تا می توانید امروز عمل خیر انجام دهید تا فردا آن را بیابید «۴».

مؤلف: ذیل این حدیث از جمله" وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُمْ مِنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَیْراً وَ أَعْظَمَ أَجْراً" استفاده شده

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۸۰.

(۳) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۳.

(۴) خصال صدوق، ج ۲، ص ۶۱۵.

تفسیر نمونه

سوره مزمل

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده است و دارای بیست آیه می باشد

محتوای سوره ((مزمل))

لحن آیات سوره به خوبی نشان می دهد که با سوره های ((مکی)) هماهنگ است ، و به این ترتیب احتمال نزول آن در ((مدینه))، چنانکه بعضی گفته اند، بعید به نظر می رسد، ولی تفاوت لحن آغاز و انجام آیه نشان می دهد که در میان این آیات فاصله زمانی قابل ملاحظه ای بوده است که بعضی از مفسران آن را ((هشت ماه)) و بعضی ((یکسال)) و بعضی حتی ((ده سال)) نوشته اند. <۱>

بسیاری از آیات این سوره نشان می دهد هنگامی نازل شده که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دعوت علنی خود را شروع کرده بود، و مخالفان در

برابر او به مخالفت و تکذیب برخاسته بودند، و پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دستور پیدا می کند در این مرحله با آنها مدارا نماید.

لذا این احتمال که تمام سوره در آغاز دعوت پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نازل شده باشد بسیار بعید به نظر می رسد، ممکن است آیات نخستین آن چنین باشد ولی مسلما همه آیات آن چنین نیست ، چرا که تعبیراتش نشانه گسترش اسلام ، لااقل در سطح مکه ، و قیام مخالفین به مخالفت و مبارزه است ، و می دانیم چنین چیزی در سه سال آغاز دعوت وجود نداشت .

شاءن نزولی که برای سوره یا قسمتی از آیات آن در روایات آمده نیز متفاوت است .

در بعضی از روایات آمده است که وقتی پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) اولین پیام الهی و وحی را دریافت کرد وحشت زده نزد خدیجه آمد (احساس ناراحتی جسمانی داشت و به استراحت پرداخت) و فرمود: ((مرا در جامعه ای بپیچید)) اینجا بود که جبرئیل نازل شد، و ((یا ایها المزمل)) را برای پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) آورد. <۲>

در حالی که در روایات دیگری آمده است که این ماجرا زمانی بود که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دعوت خود را آشکار کرده بود، و قریش در ((دار الندوه)) جمع شدند تا در کار پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) بیندیشند، و برای مقابله با او نام و شعاری انتخاب کنند، بعضی گفتند او ((کاهن)) است

، ولی گروهی با این پیشنهاد مخالفت کردند، بعضی دیگر گفتند او ((مجنون)) است ، اما باز گروهی مخالفت کردند بعضی عنوان ((ساحر)) را ترجیح دادند، آن را نیز نپذیرفتند.

سرانجام گفتند هر چه هست او میان دوستان جدائی می اندازد (بنابراین ساحر است) سپس مشرکان پراکنده شدند.

این سخن به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) رسید خود را در لباسهایش پیچید (و به استراحت پرداخت) در این هنگام جبرئیل آمد و ((یا ایها المزمل)) و ((یا ایها المدثر)) را بر آن حضرت خواند. <۳>

نتیجه اینکه همانطور که قبلا اشاره کردیم ظاهرا این سوره در مکه نازل شده ، و قطعا قسمتی از آن بعد از ظهور علنی اسلام ، و نفوذ نسبی آن در مکه بوده است ، هر چند احتمال دارد، آیاتی از آغاز سوره در اول بعثت نازل شده باشد.

به هر حال محتوای سوره را می توان در پنج بخش خلاصه کرد:

بخش اول : آیات آغاز سوره است که پیامبر را به قیام شبانه برای عبادت و تلاوت قرآن دعوت می کند، و برای آمادگی برای پذیرش یک برنامه سنگین آماده می سازد.

بخش دوم سوره : او را به صبر و شکیبائی و مقامت و مدارا با مخالفان در این مقطع خاص دعوت می کند.

در بخش سوم : بحثهائی پیرامون معاد، و ارسال موسی بن عمران به سوی فرعون و سرکشی و سپس عذاب دردناک او را بیان می دارد.

در بخش چهارم : دستورات شدیدی را که در آغاز سوره پیرامون قیام شبانه آمده است به خاطر گرفتاریهای مسلمانان تخفیف می دهد.

و در بخش پنجم

: یعنی آخرین بخش سوره ، بـار دیگر دعوت به تلاوت قرآن ، و خوانـدن نمـاز و دادن زکات و انفاق فی سبیل الله و اسـتغفار می نماید.

فضیلت تلاوت سوره

در حـدیثی از پیغمبر گرامی اسـلام (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) آمده است : من قرا سوره المزمل رفع عنه العسـر فی الدنیا و الاخره : ((هر کس سوره مزمل را بخواند سختیها در دنیا و آخرت از او برداشته می شود)). <۴>

و در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السـلام) می خوانیم : من قرا سوره المزمل فی العشاء الاخره ، او فی آخر اللیل کان له اللیل و النهار شاهدین مع السوره ، و احیاه الله حیاه طیبه و اماته میته طیبه : ((هر کس سوره مزمل را در نماز عشاء

دوم (منظور همـان نماز عشاء است زیرا گاه به مغرب عشاء اول گفته می شود) یا در آخر شب بخوانـد، شب و روز، و همچنین خود این سوره گواه او در روز قیامت خواهد بود، و خداوند او را حیات پاکیزه و مرگ پاکیزه ای خواهد داد!. <۵>

مسـلما این فضائل بزرگ در صورتی است که محتوای سوره دائر به قیام شبانه و تلاوت قرآن و صبر و استقامت و ایثار و انفاق عملی گردد، نه تلاوتی خالی از عمل .

تفسیر :

ای جامه به خود پیچیده بپاخیز!

همانگونه که از لحن آغاز این سوره بر می آید دعوتی است آسـمانی از پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) برای استقامت ، و آمادگی جهت پذیرش یک وظیفه بزرگ و سنگین ، که بدون خودسازی قبلی

انجام آن ممکن نیست ، می فرماید:

((ای جامه به خود پیچیده))! (یا ایها المزمل). <۶>

((شب را جز کمی بپا خیز))! (قم اللیل الا قلیلا).

((نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن)) (نصفه او انقص منه قلیلا).

((یا بر نصف بیفزا)) (او زد علیه).

((و قرآن را با تامل و دقت و در نهایت روشنی و فصاحت تلاوت کن)) (و رتل القرآن ترتیلا).

جالب اینکه مخاطب در این آیات پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) است ولی نه به عنوان ((یا ایها الرسول)) و ((یا ایها النبی)) بلکه به عنوان ((یا ایها المزمل))، اشاره به اینکه دوران ((جامه به خود پیچیدن)) و در گوشه انزوا نشستن نیست ،

بلکه دوران قیام و خودسازی و آمادگی برای انجام رسالتی عظیم است .

و انتخاب شب برای این کار به خاطر این است که اولا چشم و گوش دشمنان در خواب است ، و ثانیا کارهای زندگی تعطیل می باشد و به همین دلیل انسان آمادگی بیشتری برای اندیشه و تفکر و تربیت نفس دارد.

همچنین انتخاب قرآن به عنوان متن اصلی این برنامه به خاطر آن است که تمام درسهای لازم را در این زمینه در بر دارد، و بهترین وسیله تقویت ایمان و استقامت و تقوی و پرورش نفوس است .

تعبیر به ((ترتیل)) که در اصل به معنی تنظیم و ترتیب موزون است ، در اینجا به معنی خواندن آیات قرآن با تانی و نظم لازم ، و اداء صحیح حروف ، و تبیین کلمات ، و دقت و تامل در مفاهیم آیات ،

و اندیشه در نتایج آن است .

بـدیهی است چنین قرآن خوانـدنی می توانـد به سـرعت به انسان رشد و نمو معنوی ، و شـهامت اخلاقی ، و تقوا و پرهیزگاری ببخشد، و اگر بعضـی از مفسـران آن را به معنی نماز خواندن تفسـیر کرده اند به خاطر آن است که یکی از بخشهای مهم نماز ((تلاوت قرآن)) است .

تعبیر به ((قیام)) در جمله ((قم اللیل)) به معنی برخاستن در مقابل خوابیدن است ، نه فقط روی پا ایستادن است .

و امـا تعبیرات مختلفی که دربـاره مقـدار ((شب زنـده داری)) در این آیـات آمـده ، در حقیقت برای بیـان ((تخییر)) است ، و پیامبر (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) را مخیر می کند که نیمی از شب ، یا چیزی کمتر، یا چیزی بیشتر را بیدار بماند، و تلاوت قرآن کنـد، در مرحلـه اول ((تمـام شـب)) را جز مقـدار کمی ذکر می کنـد، و بعـد تخفیـف داده و آن را به نیمی از شب می رساند و سپس کمتر از نیم .

بعضـی گفته انـد منظور تخییر در میان دو سوم و نصف و یک سوم شب است ، به قرینه آیه ای که در آخر همین سوره خواهد آمد که می فرماید:

ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه .

ضمنا از همین آیه آخر سوره به خوبی اسـتفاده می شود که پیامبر (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) در این قیام شـبانه ، تنها نبود، بلکه گروهی از مؤ منان نیز در این برنامه خودسازی و تربیتی و آمادگی ، همگام

و همراه پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) بودند، و او را به عنوان اسوه و الگوئی در این راه پذیرفته بودند.

بعضـی از مفسـران گفته انـد که منظور از جمله قم اللیل الا قلیلا این است که تمام شـبها را جز بعضـی از شـبها بپاخیز، و به این ترتیب اسـتثناء در اجزاء شب نیست ، بلکه در افراد شـبها است ، ولی این تفسـیر بـا تـوجه به مفرد بودن لیـل و تعـبیر به نصف و کمتر از آن ، درست به نظر نمی رسد.

سپس ((هدف نهائی)) این دستور سخت و مهم را چنین بیان می کند: ((ما به زودی سخنی سنگین را به تو القا خواهیم کرد)) (انا سنلقی علیک قولا ثقیلا)

گر چه مفسـران در تفسیر ((قول ثقیل)) هر کدام بیانی دارند که ناظر به یکی از ابعاد مساءله است ، ولی چنین به نظر می رسد که سنگین بودن این قول که منظور از آن بدون شک قرآن مجید است ، از جهات و ابعاد مختلف است .

سنگین از نظر محتوا، و مفهوم آیات !

سنگین از نظر تحمل آن بر قلوب و دلها، تا آنجا که خود قرآن می گوید: لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأ یته خاشعا متصدعا من خشیه الله : ((اگر این قرآن را بر کوهها نازل می کردیم آن را خاشع و از هم شکافته می دیدی))! (حشر ۲۱).

سنگین از نظر وعده ها، و وعیدها، و بیان مسؤ ولیتها.

سنگین از نظر تبلیغ ، و مشکلات راه دعوت .

سنگین در ترازوی عمل و در عرصه قیامت .

و بالاخره سنگین از نظر برنامه ریزی و

اجرای کامل آن .

آری خوانـدن قرآن گر چه سـهل و آسـان و زیبـا و دلنشـین است ، ولی تحقق بخشـیدن به مفـاد آن به همان نسـبت سـنگین و مشکل می باشد، مخصوصا در آغاز دعوت پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و قیام او در مکه که محیط را ابرهای تیره و تار جهل و بت پرستی و خرافات فرا گرفته بود، و دشمنان متعصب و لجوج و بیرحم در برابر او دست به دست هم داده بودند، ولی پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و یاران اندکش با استمداد از تربیت قرآن مجید، و استعانت به نماز شب و استفاده از تقرب به ذات پاک پروردگار توانسـتند بر تمام این مشـکلات فایق آینـد، و بار این ((قول ثقیل)) را بر دوش کشـند و به منزل مقصود برسانند!

۱ - قیام شبانه برای تلاوت قرآن و نیایش

گفتیم گر چه مخاطب در این آیات ، شـخص پیامبر (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) است ، ولی ذیل سوره نشان می دهد که مؤ منان هم در این برنامه با شـخص پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) همگام بودند، اکنون سخن در این است که آیا این قیام و شب زنده داری در اوائل دعوت پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) بر همگان واجب بوده است یا نه ؟

بعضـی از مفسـران معتقدند، این امر واجب بوده ، بعدا آیه آخر سوره این حکم را نسخ کرده ، و فاصله آن حدود یکسال بوده است .

حتی بعضی معتقدند که این حکم قبل از

تشریع نمازهای پنجگانه بوده ، و پس از آنکه نمازهای پنجگانه تشریع شد، این حکم نسخ گردید.

ولی همانطور که مرحوم ((طبرسی)) در ((مجمع البیان)) نیز آورده ، در ظاهر آیات این سوره چیزی که دلیل بر نسخ باشد به چشم نمی خورد، و بهتر آن است که گفته شود، این قیام و عبادت ، مستحب و سنت مؤ کد بوده ، و هرگز جنبه وجوب نداشته است ، جز در مورد شخص پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) که طبق بعضی از آیات دیگر قرآن نماز شب بر او واجب بوده است ، و مانعی ندارد که این مساءله برای پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) واجب باشد، و بر مسلمین مستحب ، از این گذشته آنچه در آیات فوق آمده منحصر به نماز شب نیست ، چرا که نماز شب نیمی از شب ، یا دو ثلث از شب و یا حتی یک ثلث از شب را اشغال نمی کند آنچه در آیه مطرح است قیام برای ترتیل قرآن است .

بنابراین در اوائل کار این حکم به صورت مستحب مؤ کدی بوده ، و بعد تخفیف داده شده است ، و با توجه به اینکه در آغاز هر کار مخصوصا در اوائل یک انقلاب بزرگ همیشه توان و نیروی بیشتری لازم است ، جای تعجب نیست که یک چنین دستور فوق العاده به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و مسلمانان داده شده باشد که قسمت زیادی از شب را بیدار بمانند، و به محتوای این برنامه جدید و تعلیمات انقلابی آن

آشنا گردند، و علاوه بر آگاهی ، خود را برای پیاده کردن آن از نظر روحیه بسازند.

۲ - معنی ترتیل

آنچه در آیات فوق روی آن تکیه شده مساءله قرائت قرآن نیست ، بلکه مساءله ((ترتیل)) است .

در تفسیر ((ترتیل)) روایاتی از معصومین (علیهم السلام) نقل شده که هر کدام به یکی از ابعاد وسیع آن اشاره می کند.

در حدیثی از امیر مؤ منان علی (علیه السلام) می خوانیم که : بینه بیانا و لا تهذه هذا الشعر، و لا تنثره نثر الرمل ، و لکن اقرع به القلوب القاسیه ، و لا یکونن هم احدکم آخر السوره : ((ترتیل)) یعنی آن را به طور روشن بیان کن ، نه مانند اشعار، سریع و پشت سر هم بخوان ، و نه مانند دانه های شن آن را پراکنده ساز، لکن چنان بخوان که دلهای سنگین را با آن بکوبی و بیدار کنی ، هرگز هدف شما این نباشد که حتما به آخر سوره برسید (مهم آن است که محتوای آیات را درک کنید). <۷>

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر ((ترتیل)) می خوانیم اذا مررت بایه فیها ذکر الجنه فاسال الله الجنه ، و اذا مررت بایه فیها ذکر النار فتعوذ بالله من النار: ((وقتی از کنار آیه ای می گذری که در آن نامی از بهشت است توقف کن و از خدا بهشت را بطلب (و خود را برای آن بساز) و هنگامی که از آیه ای می گذری که در آن نام دوزخ است از آن به خدا پناه بر (و خویشتن را

از آن دور دار). <۸>

و در روایت دیگری از همان امام (علیه السلام) آمده که در تفسیر ((ترتیل)) فرمود: هو ان تتمکث فیه و تحسن به صوتک : ((ترتیل آن است که در آیات مکث کنی ، و با صدای خوب آن را بخوانی))، <۹>

و نیز در حدیث دیگری از همان حضرت چنین نقل شده : ان القرآن لا یقرأ هذرمه ، و لکن یرتل ترتیلا، اذا مررت بایه فیها ذکر النار وقفت عندها و تعوذت بالله من النار: ((قرآن را سریع و تند نباید خواند، بلکه

باید با ترتیل خوانده شود، هر گاه از آیه ای می گذری که در آن سخنی از دوزخ است می ایستی ، و از آتش دوزخ به خدا پناه می بری)). <۱۰>

و بالاخره در حالات پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نقل شده است که آن حضرت آیات را از یکدیگر جدا می کرد، و صدای خود را می کشید. <۱۱>

این روایات و روایات دیگری که به همین معنی در ((اصول کافی)) و ((نور الثقلین)) و ((در المنثور)) و سایر کتب ((حدیث)) و ((تفسیر)) نقل شده همگی گواه بر این حقیقت است که نباید آیات قرآن را به عنوان الفاظی خالی از محتوا و پیام ، تلاوت کرد، بلکه باید به تمام اموری که تاءثیر آن را در خواننده و شنونده عمیق می سازد توجه داشت ، و فراموش نکرد که این پیام الهی است ، و هدف تحقق بخشیدن به محتوای آن است .

ولی متاءسفانه امروز بسیاری از مسلمانان از این واقعیت فاصله گرفته

، و از قرآن تنها به الفاظی اکتفا نموده اند، و همشان فقط ختم سوره و ختم قرآن است بی آنکه بدانند این آیات برای چه نازل شـده ؟ و چه پیـامی را ابلاغ می کنـد؟ درست است که الفاظ قرآن نیز محترم ، و خوانـدن آن دارای فضـیلت است ، ولی نباید فراموش کرد که این الفاظ و تلاوت مقدمه بیان محتوا است .

۳ - فضیلت نماز شب

این آیـات بار دیگر اهمیت شب زنـده داری ، و نماز شب ، و تلاوت قرآن را در آن هنگام که غافلان در خوابنـد گوشـزد می کند، و چنانکه قبلا نیز اشاره کرده ایم عبادت در شب ، مخصوصا در سحرگاهان و نزدیک طلوع فجر، اثر

فوق العاده ای در صفای روح ، و تهذیب نفوس ، و تربیت معنوی انسان ، و پاکی قلب و بیداری دل و تقویت ایمان و اراده ، و تحکیم پایه های تقوا در دل و جان انسان دارد که حتی با یک مرتبه آزمایش انسان آثار آن را به روشنی در خود احساس می کند.

و به همین دلیل علاوه بر آیات قرآن در روایات اسلامی نیز تاءکید فراوان روی آن شده است .

از جمله در حـدیثی از امام صادق (علیه السـلام) می خوانیم : ان من روح الله تعالی ثلاثه التهجـد باللیل و افطار الصائم ، و لقاء الاخوان : ((سه چیز از عنایات مخصوص الهی است : عبادت شبانه (نماز شب) و افطار دادن به روزه داران ، و ملاقات برادران مسلمان)). <۱۲>

و در حدیث دیگری از همان حضرت می خوانیم که در تفسیر آیه ان

الحسنات یذهبن السیئات (کارهای نیک اثر کارهای بد را از بین می برد) فرمود: صلاه اللیل تذهب بذنوب النهار: ((نماز شب گناهان روز را از بین می برد)). <۱۳>

در ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء نیز بحث مشروحی در این زمینه داشتیم ، و ده روایت جالب درباره اهمیت نماز شب در آنجا نقل کردیم . <۱۴> تاءثیر نیایش در دل شب

این آیات همچنان به بحث پیرامون عبادت شبانه ، و آموزشهای معنوی در پرتو تلاوت قرآن در دل شب ادامه می دهد، و در حقیقت به منزله بیان

دلیلی است برای آنچه در آیات قبل آمده است ، می فرماید: ((این دستور عبادت و تلاوت شبانه به خاطر آن است که برنامه (عبادت و تعلیم) شب پابرجاتر و با استقامت تر است)) (ان ناشئه اللیل هی اشد وطئا و اقوم قیلا) <۱۵>

((ناشئه)) از ماده نشی ء (بر وزن نثر) به معنی ((حادثه)) است و در اینکه منظور از آن در اینجا چیست سه تفسیر برای آن ذکر شده :

نخست اینکه منظور ساعات شب است که یکی بعد از دیگری حادث می گردد، یا خصوص ساعات آخر شب و سحرگاه .

دیگر اینکه منظور برنامه قیام برای نماز و عبادت و تلاوت قرآن است همانگونه که در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: هی القیام فی آخر اللیل الی صلاه اللیل : ((منظور قیام در آخر شب برای نماز شب است)). <۱۶>

و در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه آمده : قیامه عن

فراشه لا یرید الا الله : ((منظور برخاستن از بستر است که هدفی جز خدا نداشته باشد)). <۱۷>

سوم اینکه منظور آن ((حالات معنوی و روحانی)) و ((نشاط و جذبه ملکوتی)) است که در دل و جان انسان در این ساعات مخصوص شب به وجود می آید که آثارش در روح انسان عمیقتر و دوامش بیشتر است .

البته این تفسیر و تفسیر قبل از آن لازم و ملزوم یکدیگرند و مناسب است که هر دو در معنی آیه جمع باشد.

((وطئا)) در اصل به معنی گام نهادن و همچنین به معنی توافق کردن است .

تعبیر به ((اشد وطئا)) یا به معنی مشقت و زحمتی است که قیام و عبادت شبانه دارد، و یا به معنی تاءثیرات ثابت و راسخی است که در پرتو این عبادات در روح و جان انسان پیدا می شود (البته معنی دوم مناسب تر است).

این احتمال نیز وجود دارد که به معنی توافق بیشتری است که در این لحظات در میان قلب و چشم و گوش انسان و بسیج همه آنها در مسیر عبادت پیدا می شود.

((اقوم)) از ماده ((قیام)) به معنی پابرجاتر و صافتر است ، و ((قیل)) به معنی ((سخن گفتن)) است که در اینجا اشاره به ذکر خدا و تلاوت قرآن است .

رویهمرفته این آیه از آیاتی است که با تعبیرات پرمحتوایش رساترین سخن را درباره عبادت شبانه و نیایش سحرگاهان ، و راز و نیاز با محبوب ، در ساعاتی که اسباب فراغت خاطر از هر زمان فراهم تر است ، و همچنین تاءثیر آن در تهذیب نفس ، و پرورش

روح و جان انسانی ، بیان کرده است ، و نشان می دهد که روح آدمی در آن ساعات آمادگی خاصی برای نیایش و مناجات و ذکر و فکر دارد.

در آیه بعد می افزاید: ((این به خاطر آن است که در روز تلاش و کوشش مستمر و فراوانی خواهی داشت)) (ان لک فی النهار سبحا طویلا).

دائما مشغول هدایت خلق و ابلاغ رسالت پروردگار، و حل مشکلات زندگی جمعی و فردی هستی ، و مجال کافی برای عبادت و نیایش حاصل نمی شود، بنابراین عبادت شبانه را جانشین آن کن .

احتمال دیگری که در تفسیر آیه وجود دارد و از جهاتی جالبتر، و با

آیات قبل و بعد هماهنگ تر است این است که می فرماید: چون در طول روز وظائف سنگین و تلاش و کوشش فراوان بر دوش داری ، باید با عبادت شبانه خود را تقویت کنی ، و آمادگی لازم برای این فعالیتهای بزرگ و گسترده را از آن قیام شب به دست آوری .

((سبح)) (بر وزن مدح) در اصل به معنی حرکت و رفت و آمد است و گاه به شنا کردن نیز اطلاق می گردد، چرا که حرکات مداومی دارد.

گوئی جامعه انسانی را به اقیانوس بیکرانی تشبیه می کند که گروه کثیری در آن در حال غرق شدن می باشند، امواج خروشانش به هر سو حرکت می کند کشتیهای سرگردان در آن پناهگاهی می جویند، و پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) تنها منجی غریق در این دریا، و قرآنش تنها کشتی نجات در این اقیانوس است .

این شناگر بزرگ باید با عبادات

شبانه خود را برای این ماءموریت و رسالت عظیم روزانه آماده سازد.

بعد از دستور قیام عبادت شبانه و اشاره اجمالی به آثار عمیق آن به ذکر پنج دستور که مکمل آن است پرداخته می فرماید: ((نام پروردگارت را یاد کن)) ((و اذکر اسم ربک))

مسلم است منظور تنها ذکر نام نیست ، بلکه توجه به معنی است چرا که یاد لفظی مقدمه یاد قلبی است ، و ذکر قلبی روح و جان را صفا می بخشد، و نهال معرفت و تقوا را در دل آبیاری می کند.

تعبیر به ((رب)) اشاره به این است که هر گاه نام مقدس او را می بری توجه به نعمتهای بی پایان و تربیت مستمر او نسبت به خویش داشته باش .

یکی از مفسران برای ذکر پروردگار مراحلی بیان کرده :

مرحله اول ذکر نام او است که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده .

در مرحله بعد نوبت به یادآوری ذات پاک او در قلب می رسد، که در آیه ۲۰۵ سوره اعراف ذکر شده است و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفه ((پروردگارت را در دل خود از روی تضرع و خوف یاد کن)).

سرانجام مرحله سوم فرا می رسد، در این مرحله از مقام ربوبیت خداوند فراتر می رود و به مقام مجموعه صفات جمال و جلال خدا که در الله جمع است می رسد، چنانکه در آیه ۴۱ سوره احزاب می فرماید: یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا

((ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را بسیار یاد کنید)).

و به این ترتیب این ذکر همچنان ادامه می یابد و مرحله به مرحله

تکامل پیدا می کند و صاحب آن را با خود به اوج کمال می برد. <۱۸>

در دستور دوم می فرماید: ((دل به خدا ببند و از غیر او قطع امید کن و خالصانه به عبادتش برخیز)) (و تبتل الیه تبتیلا). <۱۹>

((تبتل)) از ماده ((بتل)) (بر وزن حتم) در اصل به معنی ((انقطاع)) است ، و لذا به مریم ((بتول)) گفته شده ، چرا که هیچ همسری برای خود انتخاب نکرده بود، و اگر به بانوی اسلام فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نیز بتول گفته می شود به خاطر این است که او از زنان عصر خود از نظر اعمال و رفتار

و معرفت جدا و برتر، و به حالت انقطاع الی الله رسیده بود.

به هر حال ((تبتل)) آن است که انسان با تمام قلبش متوجه به خدا گردد، و از ما سوی الله منقطع شود، و اعمالش را فقط به خاطر او بجا آورد و غرق در اخلاص گردد.

و اگر در روایت از پیغمبر گرامی اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نقل شده : لا رهبانیه ، و لا تبتل فی الاسلام ((در اسلام نه رهبانیت است و نه تبتل)) <۲۰> اشاره به این است که ترک دنیا به آن معنی که در میان راهبان مسیحی معمول است در اسلام وجود ندارد آنها برای ترک دنیا هم ازدواج را ترک می کنند، و هم هر گونه فعالیت اجتماعی را، اما یک مسلمان واقعی در عین اینکه در قلب اجتماع زندگی می کند تمام توجهش به خدا است .

در بعضی از روایات ، از ائمه

معصومین نقل شده که ((تبتل)) به معنی بلند کردن دست در نماز است <۲۱> ولی روشن است که این در حقیقت بیان یکی از مظاهر اخلاص و انقطاع الی الله می باشد.

به هر حال آن یاد پروردگار و این اخلاص سرمایه عظیم مردان خدا در برنامه سنگین هدایت خلق است .

سپس به سومین دستور پرداخته می افزاید: ((همان پروردگار مشرق و مغرب که معبودی جز او نیست ، او را وکیل و حافظ و یاور خود انتخاب کن)) (رب المشرق و المغرب لا اله الا هو فاتخذه وکیلا).

در اینجا بعد از مرحله ((ذکر الله)) و ((اخلاص)) مرحله توکل و واگذاری

همه کارها به خدا فرا می رسد، خداوندی که مشرق و مغرب عالم ، یعنی مجموعه جهان هستی در زیر سیطره حکومت و ربوبیت او قرار دارد، و تنها معبود شایسته پرستش او است ، این تعبیر در حقیقت به منزله دلیلی است برای موضوع توکل بر خدا، چگونه انسان بر او توکل نکند، و کار خویش را به او نسپارد، در حالی که در پهنه جهان هستی غیر از او حاکم و فرمانروا و منعم و مربی و معبود نیست .

و بالاخره در چهارمین و پنجمین دستور می فرماید: ((در برابر آنچه دشمنان می گویند صابر و شکیبا باش ، و از آنها دوری کن ، اما دوری شایسته و جمیل)) (و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرا جمیلا).

و به این ترتیب در اینجا مقام ((صبر)) و ((هجران)) فرا می رسد، چرا که در مسیر دعوت به سوی حق ، بدگوئی دشمنان ، و ایذاء و آزار آنان

، فراوان است ، و اگر باغبان بخواهد گلی را بچیند باید در برابر زبان خار صبر و تحمل داشته باشد.

بعلاوه گاهی در اینجا بی اعتنائی و دوری لازم است ، تا هم از شرشان در امان بماند، و هم درسی از این طریق به آنان بدهد، ولی این هجران و دوری نباید به معنی قطع برنامه های تربیتی ، و تبلیغ و دعوت به سوی خدا باشد.

به این ترتیب آیات فوق نسخه جامع و کاملی به پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و تمام کسانی که در خط او گام بر می دارند می دهد که از عبادات شبانه و نیایش پروردگار در سحرگاهان ، مدد بگیرند، و سپس این نهال را با آب یاد خدا و اخلاص و توکل و صبر و هجران جمیل آبیاری کنند، چه نسخه جامع و جالبی ؟!

تعبیر به ((رب المشرق و المغرب)) (خداوند مشرق و مغرب) اشاره به حاکمیت و ربوبیت او بر تمام جهان هستی است ، همانگونه که در تعبیرات روزمره می گوئیم : فلانکس شرق و غرب زمین را در سیطره خود قرار داد، یعنی تمام روی زمین را، نه فقط نقطه مشرق و مغرب .

((هجر جمیل)) (دوری و جدائی شایسته) همانگونه که اشاره کردیم به معنی هجران توام با دلسوزی و دعوت و تبلیغ به سوی حق است ، که یکی از روشهای تربیتی در مقطع های خاصی محسوب می شود، و هرگز منافات با مساءله ((جهاد)) در مقطع های دیگر ندارد که هر کدام جائی و هر نکته مقامی دارد، و به تعبیر دیگر

این دوری ، بی اعتنائی نیست ، بلکه خود نوعی اعتنا است و به هر حال اینکه بعضی حکم آیه فوق را منسوخ با آیات جهاد دانسته اند صحیح نیست .

مرحوم ((طبرسی)) در ((مجمع البیان)) در ذیل آیه می گوید: و فی هذا دلاله علی وجوب الصبر علی الاذی ، لمن یدعو الی الذین و المعاشره باحسن الاخلاق و استعمال الرفق لیکونوا اقرب الی الاجابه : ((این آیه دلالت می کند که مبلغین اسلام ، و دعوت کنندگان به سوی قرآن ، باید در مقابل نا ملائمات شکیبائی پیشه کنند، و با حسن خلق ، و مدارا، با مردم معاشرت نمایند، تا سخنان آنها زودتر پذیرفته شود. <۲۲> حساب این گنهکاران مستکبر را با من واگذار!

در آخرین آیه از آیات پیشین اشاره ای به کارشکنیها و سخنان ناروا و اذیت و آزار دشمنان اسلام بود، آیات مورد بحث آنها را زیر رگباری از تهدیدات شدید، دائر به عذابهای دنیا و آخرت از سوی خداوند، قرار داده ، و آنها را دعوت به تجدید نظر در برنامه های شوم خود می کند، و هم به مسلمانان صدر اول در برابر هجوم سخت این دشمنان دلداری می دهد و پایمردی می بخشد.

نخست می فرماید: ((مرا با این تکذیب کنندگان ثروتمند و صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده))! (و ذرنی و المکذبین اولی النعمه و مهلهم قلیلا).

یعنی طرف آنها تو نیستی ، منم مجازات و کیفر آنها را به خود من واگذار، و کمی به آنها مهلت ده ، تا هم اتمام حجت گردد، و هم ماهیت خود را آشکار سازند،

و پشت

خود را از بار گناه سنگین کنند، آن گاه عذاب من گلوی آنها را خواهد فشرد!

و می دانیم مدت کمی گذشت که مسلمانان نیرومند شدند، و ضربات سنگین و شکننده خود را در جنگهای ((بدر)) و ((حنین)) و ((احزاب)) و مانند آن بر پیکر دشمن وارد آوردند، و نیز مدت کمی بیشتر نگذشت که این گردنکشان از دنیا رفتند، و گرفتار عذاب الهی در برزخ شدند و عذاب قیامت نیز از آنها چندان دور نیست .

ضمنا تعبیر به ((اولی النعمه)) (صاحبان نعمت) اشاره به غرور و غفلت ناشی از فزونی مال و ثروت و امکانات مادی است که غالبا دامنگیر صاحبان آنها می شود و به همین دلیل در طول تاریخ انبیاء چنانکه قرآن شاهد و گواه است این دسته همیشه در صف اول مخالفان قرار داشتند.

در حقیقت این آیه شبیه آیه ۳۴ سوره سباء است که می گوید: و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون : ((ما در هیچ شهر و دیاری انذار کننده ای نفرستادیم ، مگر اینکه مترفین آنها (کسانی که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم)).

در حالی که اینگونه افراد باید قبل از دیگران دعوت منادیان حق را لبیک گویند، تا شکر اینهمه نعمت الهی را از این طریق بجا آورند.

سپس در ادامه همین تهدید به صورت صریحتر می گوید: ((نزد ما غل و زنجیرها و آتش دوزخ است))! (ان لدینا انکالا و جحیما).

((انکال)) جمع ((نکل)) (بر وزن فکر) به معنی زنجیرهای سنگین است ،

و در اصل از ماده نکول ، به معنی ضعف و ناتوانی گرفته شده ، و از آنجا که

زنجیرهائی که بر دست و پا و گردن می نهند انسان را از حرکت باز می دارد و ناتوان می سازد، این واژه در معنی زنجیر به کار رفته است ، آری در برابر آزادی بی قید و شرط و تنعمی که در این دنیا داشتند بهره آنها در آنجا اسارت است و آتش !

و باز می افزاید: ((و غذائی گلو گیر و عذابی دردناک)) (و طعاما ذا غصه و عذابا الیما).

غذائی بر عکس غذاهای چرب و شیرین دنیای آنها که به راحتی از گلو فرو می رفت و گوارا بود، و زندگی دردناک در برابر آسایش بی حساب این مغروران خود خواه و مستکبر در این جهان .

با اینکه غذای خشن و گلو گیر خود عذابی است الیم ، بعد از آن عذاب الیم را جداگانه ذکر می کند، و این نشان می دهد ابعاد عذاب الیم آخرت از نظر شدت و عظمت بر هیچکس جز خدا معلوم نیست ، و لذا در حدیثی می خوانیم که روزی یکی از مسلمانان این آیه را تلاوت می کرد، و پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) استماع می فرمود: ناگهان شخص مزبور صیحه ای زد و مدهوش شد. <۲۳>

و در حدیث دیگری آمده است که خود پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) این آیه را تلاوت می فرمود و چنین حالی به او دست داد. <۲۴>

چگونه این غذای گلوگیری نباشد؟ در حالی که در آیه ۶ سوره غاشیه

می خوانیم لیس لهم طعام الا من ضریع : ((آنها غذائی جز از خارهای جانگداز ندارند)).

و نیز در آیه ۴۳ و ۴۴ سوره دخان می خوانیم : ان شجرت الزقوم طعام

الاثیم : ((درخت زقوم (همان گیاه تلخ بد بو و بد طعم و تلخ و کشنده) غذای گنهکاران است))!

سپس بـه شـرح روزی می پردازد که این عـذابها در آن ظـاهر می شونـد، می فرمایـد: ((این در روزی خواهـد بـود که زمین و کوهها سـخت به لرزه در می آید و چنان کوهها در هم کوبیده می شود که به شکل توده هائی از رمل و شن نرم در می آید)) (یوم ترجف الارض و الجبال و کانت الجبال کثیبا مهیلا).

((کثیب)) به معنی شنهای متراکم است ، و ((مهیل)) از ماده هیل (بر وزن کیل) به معنی ریختن شی ء نرمی مانند رمل و آرد بر چیزی است ، و در اینجا منظور شنهای نرمی است که هرگز استقرار و ثبات ندارد.

بنابراین معنی ، کوهها در قیامت آنچنان از هم متلاشـی می شونـد که به صورت شـنهای نرمی در می آینـد که اگر پا روی آن بگذارند فرو می رود.

درباره سـرنوشت کوهها در آسـتانه قیامت ، قرآن تعبیرات مختلفی دارد که همگی حکایت از نابودی و تبدیل آنها به خاکهای نرم می کنـد (شـرح بیشتر دربـاره مراحـل مختلف نابودی کوهها، و تعبیرات متفاوت قرآن در این زمینه در ذیل آیه ۱۰۵ سوره طه آمده است . <۲۵>

سپس به مقایسه ای در میان بعثت پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و مخالفت زورمندان عرب ، و قیام موسی

بن عمران در مقابل فرعونیان پرداخته ، می فرماید: ((ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شما است ، همانگونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم)) (انا ارسلنا الیکم رسولا شاهدا علیکم کما ارسلنا الی فرعون رسولا).

هدف او، هدایت شما و نظارت بر اعمال شما است ، همانگونه که هدف موسی بن عمران ، هدایت فرعون و فرعونیان و نظارت بر اعمال آنها بود.

ولی فرعون به مخالفت با آن رسول ، برخاست ، ما هم او را به مجازات شدیدی گرفتار ساختیم (فعصی فرعون الرسول فاخذناه اخذا وبیلا).

نه لشکر عظیم او مانع از عذاب الهی شد، و نه وسعت مملکت و قدرت حکومت و اموال و ثروتمندانشان جلو این کار را گرفت و سرانجام همگی در امواج خروشان نیل که به آن مباهات می کردند غرق شدند شما که در سطحی بسیار پائینتر از آنها قرار دارید و از نظر عده و عده به مراتب از فرعون و فرعونیان ضعیفترید درباره خود چه می اندیشید؟ و چگونه به این مختصر اموال و نفراتتان مغرور می شوید؟

((وبیل)) از ماده ((وبل)) در اصل به معنی باران شدید و سنگین است ، و سپس به هر چیز شدید و سنگین اطلاق شده ، مخصوصا در مورد مجازات ، و در آیه مورد بحث نیز اشاره به شدت عذاب است که گوئی اشخاص را مانند یک باران شدید زیر رگبار خود قرار می دهد.

سپس روی سخن را به کفار زمان پیامبر اسلام کرده ، به آنها چنین هشدار می دهد: ((اگر شما کافر شوید چگونه خود را از عذاب شدید الهی برکنار می دارید

در آن روز کودکان را پیر می کند))! (فکیف تتقون ان کفرتم یوما یجعل الولدان شیبا. <۲۶> <۲۷>

آری عذاب آن روز آنقدر زیاد، سنگین ، شدید، هولناک و کمرشکن است که کودکان را پیر می کند، و این کنایه از شدت آن است

عذاب آخرت که سهل است بعضی نقل می کنند در همین دنیا گاه که انسان در تنگناهای فوق العاده شدید قرار می گیرد محسوس است که در یک لحظه زودگذر موهای او رو به سفیدی می رود!

به هر حال آیه فوق اشاره به این است به فرض اینکه شما در این جهان همچون فرعونیان گرفتار عذاب نابود کننده نشوید، قیامت و عذاب قیامت را چه خواهید کرد؟!

در آیه بعد توصیف بیشتری درباره آن روز وحشتناک بیان کرده ، می افزاید: ((در آن روز کرات آسمانی از هم شکافته می شود، و وعده الهی تحقق می یابد)) (السماء منفطر به کان وعده مفعولا).

بسیاری از آیات قیامت و ((اشراط الساعه)) (حوادثی که در آستانه پایان جهان و آغاز رستاخیز صورت می گیرد) حکایت از انفجارهای عظیم ، و زلزله های شدید، و دگرگونیهای سریع می کند که آیه مورد بحث تنها به گوشه ای از آن اشاره نموده است .

وقتی آسمان و کرات آسمانی با آنهمه عظمت نتوانند در برابر حوادث عظیم آن روز مقاومت کنند از این انسان ضعیف و ناتوان و آسیب پذیر چه کاری ساخته است ؟!. <۲۸>

در پایان این بحث اشاره ای به تمام هشدارها و انذارهای گذشته کرده می فرماید: ((آنچه گفته شد تذکر و یادآوری است)) (ان هذه تذکره).

شما در انتخاب راه آزاد هستید،

((و هر کس بخواهد هدایت شود و طالب سعادت ابدی باشد راهی به سوی پروردگارش بر می گزینند)) (فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا).

اگر پیمودن این راه از طریق اجبار و اکراه صورت گیرد، نه افتخاری است ، نه فضیلتی ، فضیلت آن است که انسان با اراده و اختیار خود این راه را انتخاب کرده ، و بپوید.

خلاصه اینکه خداوند راه و چاه را نشان داده ، و دیده بینا، و آفتاب روشنی بخش را در اختیار گذارده ، و مردم را مخیر ساخته تا در اطاعت فرمانش با اراده و تصمیم وارد عمل شوند.

در اینکه جمله ((ان هذه تذکره)) (اینها تذکر و یادآوری است) اشاره به چیست ؟ احتمالات متعددی از سوی مفسران داده شده است : گاه گفته اند اشاره به مواعظی است که در آیات قبل آمد، و گاه گفته شده اشاره به تمام سوره است ، و یا اشاره به تمام قرآن مجید.

بعضی نیز گفته اند ممکن است اشاره به دستور نماز و عبادت شبانه باشد که در آیات نخستین سوره آمده بود و مخاطب در آن پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) بود، این جمله می خواهد آن را تعمیم و گسترش به سایر مسلمانان دهد، بنابراین منظور از ((سبیل)) (راه) در جمله بعد نیز نماز شب است که از جمله راههای مهم به سوی پروردگار است همانگونه که در آیه ۲۶ سوره دهر بعد از دستور عبادت شبانه (و من اللیل فاسجد له و سبحه لیلا طویلا) با فاصله مختصری می فرماید ان هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه

سبیلا که عینا همان آیه مورد بحث است <۲۹>

البته این تفسیر مناسبی است ولی مناسبتر این است که مفهوم آیه گسترده باشد و تمام برنامه های انسان ساز این سوره در بر گیرد چنانکه در بالا اشاره کردیم.

مراحل چهار گانه عذاب الهی

در آیات فوق تکذیب کنندگان مغرور و مست نعمت را به چهار عذاب دردناک تهدید می کند: غل و زنجیرها (انکال)

آتش سوزان جهنم (جحیم)

غذاهای خشن و گلوگیر و مرگبار (و طعاما ذاغصه)

و انواع مجازاتهای دردناک دیگر که به فکر انسان نمی گنجد (و عذابا الیما)

این مجازاتها در حقیقت نقطه مقابل وضع آنها در این زندگی دنیا است از یکسو داشتن آزادی بی حد و مرز

و از سوی دیگر زندگی مرفه ؛

و از سوی سوم غذاهای گوارا

و از سوی چهارم انواع آسایشها

و چون همه اینها را به قیمت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران و کبر و غرور و غفلت از خدا پیدا کرده اند در قیامت به چنان سرنوشتی گرفتار خواهند شد. هر چه برای شما امکان دارد قرآن بخوانید

این آیه که طولانی ترین آیات این سوره است مشتمل بر مسائل بسیاری است که محتوای آیات گذشته را تکمیل می کند.

در اینکه این آیه ناسخ دستور آیات آغاز این سوره است یا توضیح و تفسیری برای آن ، و همچنین در اینکه آیا این آیه در مکه نازل شده یا در مدینه ؟ در میان مفسران سخت گفتگو است .

پاسخ این سؤ الها بعد از تفسیر آیه روشن خواهد شد.

نخست می فرماید: ((پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند نزدیک دو سوم از شب

یـا نصف یـا ثلث آن را به پا می خیزنـد، چگونه خداونـد از آن آگاه نیست در حالی که انـدازه گیری شب و روز به وسـیله او است)) (ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه و طائفه من الذین معک و الله یقدر اللیل و النهار). <۳۰>

اشاره به همان دستوری است که در آغاز سوره به پیامبر داده شده ، تنها

چیزی که در اینجا اضافه دارد این است که گروهی از مؤ منان نیز در این عبادت شبانه ، پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را همراهی می کردند (به عنوان یک حکم استحبابی و یا احتمالا یک حکم وجوبی زیرا شرائط آغاز اسلام ایجاب می کرد که آنهـا با تلاوت قرآن که مشتمل بر انواع درسهای عقیدتی و عملی و اخلاقی است و همچنین عبادات شبانه خود را بسازنـد و آماده تبلیغ اسلام و دفاع از آن گردند).

ولی به گونه ای که از بعضـی روایات استفاده می شود جمعی از مسلمانان در نگهداشتن حساب ((ثلث)) و ((نصف)) و ((دو ثلث)) گرفتار اشکال و دردسر می شدند (چرا که وسیله سنجش زمان در آن عصر وجود نداشت) و به همین جهت ناچار احتیاط می کردند، و این امر سبب می شد که گاه تمام شب را بیدار بمانند، و مشغول عبادت باشند، تا آنجا که پاهای آنها به خاطر قیام شبانه ورم کرد!

لذا خداوند این حکم را بر آنها تخفیف داد و فرمود: ((او می داند که شما نمی توانید مقدار مزبور را دقیقا اندازه گیری کنید، به همین جهت

شما را بخشید، اکنون آن مقداری که از قرآن برای شما میسر است تلاوت کنید)) (علم ان لن تحصوه فتاب علیکم فاقرءوا ما تیسر من القرآن).

((لن تحصوه)) از ماده ((احصاء)) به معنی شماره کردن است ، یعنی شما نمی توانید دقیقا وقت شب را از نظر مقدار دو ثلث و نصف و یک ثلث تعیین کنید، و به زحمت می افتید.

بعضی نیز گفته اند منظور این است که شما نمی توانید بر این کار در تمام ایام سال مداومت کنید.

حتی امروز هم که با وسائلی می توان به موقع از خواب بیدار شد تعیین دقیق این مقادیر، در تمام طول سال ، مخصوصا با تفاوت مستمر شب و روز، کار آسانی نیست .

جمله ((تاب علیکم)) را غالب مفسران به معنی تخفیف این تکلیف ذکر کرده اند، نه به معنی ((توبه از گناه))

این احتمال نیز وجود دارد که وقتی حکم وجوب برداشته شود گناهی صورت نمی پذیرد، و در نتیجه همچون آمرزش الهی خواهد بود.

در اینکه منظور از جمله ((فاقرؤ وا ما تیسر من القرآن)) ((آنچه از قرآن برای شما میسر است بخوانید)) چیست ؟ گفتگو بسیار است : جمعی آن را به نماز شب تفسیر کرده اند که در لابلای آن حتما آیات قرآن خوانده می شود، و بعضی گفته اند منظور همان تلاوت قرآن است هر چند در اثناء نماز نباشد، سپس بعضی مقدار آن را به پنجاه آیه ، و بعضی به یکصد آیه ، و بعضی دویست آیه تفسیر کرده اند، ولی هیچیک از این اعداد دلیل خاصی ندارد، بلکه مفهوم آیه این است که هر مقداری

که انسان به زحمت نمی افتد از قرآن بخواند.

بـدیهی است منظور از ((تلاـوت قرآن)) در اینجـا تلاـوتی است به عنوان درس و فراگیری برای خودسـازی و پرورش ایمان و تقوا.

سپس به بیـان دلیـل دیگری برای این تخفیـف پرداخته می افزایـد: ((خداونـد می دانـد که گروهی از شـما بیمـار می شونـد، و گروهی دیگر برای تحصـیل معاش و ابتغاء فضل الهی راهی سفر می کردند، و گروه دیگری در راه خدا جهاد می کنند، و این امور مـانع از آن خواهـد شـد که عبادات شـبانه را در نصابی که قبلا تعیین شـده به طور مـداوم انجام دهنـد)) (علم ان سـیکون منکم مرضی و آخرون یضربون فی الارض یبتغون من فضل الله و آخرون یقاتلون فی سبیل الله).

و همین سبب دیگری برای تخفیف این برنامه است ، لذا بار دیگر تکرار می کند ((حال که چنین است آن مقدار که برای شما ممکن است و توانائی دارید در شب از قرآن تلاوت کنید)) (فاقرءوا ما تیسر منه).

روشن است که ذکر بیماری ، و مسافرتهای ضروری ، و جهاد فی سبیل الله ، به عنوان سه مثال برای عذرهای موجه است ، ولی منحصـر به اینها نیست ، منظور این است چون خداونـد می داند شـما گرفتار مشـکلات مختلف زندگی در روز خواهید شد، و این مانع تداوم آن برنامه سنگین است ، به شما تخفیف داده است .

اکنون این سؤ ال مطرح می شود که آیا این حکم آنچه را که در آغاز سوره آمـده است نسخ می کند؟ یا به صورت اسـتثنائی برای آن است ؟ ظاهر آیات نسخ حکم سابق می

باشـد، در حقیقت لازم بود این برنـامه مـدتی اجرا بشود و اجرا شـد، و منظور از این حکم که جنبه موقت و فوق العاده داشـت حاصل گردید، و بعد از پایان این مدت به صورت خفیف تری باقی ماند، زیرا ظاهر آیه این است که به خاطر وجود معذورین این حکم درباره همه تخفیف داده شده ، نه فقط درباره گروه معذوران ، و به این ترتیب نمی تواند اسـتثنا باشد بلکه باید نسـخ باشد (دقت کنید)

در اینجا سؤ ال دیگری پیش می آید که : آیا تلاوت مقدار ممکن از قرآن که در این آیه دو بار به آن امر شده ، واجب اسـت ، یا جنبه مستحب دارد؟

بعضی گفته اند: مسلما مستحب است ، و بعضی احتمال وجوب داده اند، چرا که تلاوت قرآن موجب آگاهی بر دلائل توحید، و ارسال رسل ، و اعجاز این کتاب آسمانی ، و فراگیری سایر واجبات دین می گردد، بنابراین تلاوت قرآن مقدمه واجب است و واجب می باشد.

ولی بایـد توجه داشت که در این صورت لازم نیست قرآن را شـبانه بخوانند، و یا در اثناء نماز شب ، بلکه بر هر مکلفی واجب است که به مقدار لازم برای تعلیم و تربیت ، و آگاهی بر اصول و فروع اسلام ، و همچنین حفظ قرآن و رساندن آن به نسلهای آینده تلاوت کند بدون اینکه وقت و زمان خاصی در آن مطرح باشد.

ولی حق این است که ظـاهر امر در جمله ((فـاقرءوا ...)) وجوب است چنـانکه در اصول فقه بیـان شـده) مگر اینکه گفته شود این ((امر)) به قرینه ((اجماع فقهاء بر عدم وجوب

)) یک امر استحبابی است ، و نتیجه این می شود که در آغاز اسلام به خاطر وجود شرائطی این تلاوت و عبادت شبانه واجب بوده ، و بعد هم از نظر مقدار و هم از نظر حکم تخفیف داده شده ، و به صورت یک حکم استحبابی آن هم به مقدار میسور در آمده است ، ولی به هر حال وجوب نماز شب بر پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) تا آخر عمر ثابت ماند (به قرینه سایر آیات قرآن و روایات).

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نیز می خوانیم : حکم مربوط به دو ثلث از شب ، یا نیمی از آن ، و یا ثلث آن ، منسوخ شده ، و به جای آن فاقرءوا ما تیسر من القرآن قرار گرفته است . <۳۱>

قابل توجه اینکه سه نوع عذر در آیه مورد بحث ذکر شده که یکی جنبه جسمانی دارد (بیماری) و دیگری جنبه مالی دارد (مسافرت برای کسب و کار) و سومی جنبه دینی دارد (جهاد فی سبیل الله) و لذا بعضی گفته اند از این آیه استفاده می شود که تلاش برای معاش همردیف جهاد فی سبیل الله است !

و نیز این جمله را دلیلی دانسته اند بر اینکه خصوص این آیه در مدینه نازل شده ، چرا که وجوب جهاد در مکه نبود، ولی با توجه به اینکه می فرماید سیکون (به زودی خواهد بود) ممکن است این جمله خبر از تشریع جهاد در آینده باشد، یعنی چون عذرهائی در حال دارید و عذرهائی در آینده برای شما پیدا

می شود، این حکم به صورت دائمی در نیامد، و به این صورت با مکی بودن آیه منافات ندارد.

سپس به چهار دستور دیگر در پایان این آیه اشاره کرده ، و برنامه خودسازی ارائه شده را به این وسیله تکمیل می کند، می فرماید: ((نماز را بر پا دارید، و زکات را ادا کنید، و از طریق انفاقهای مستحبی به خداوند قرض الحسنه دهید، و بدانید آنچه را از کارهای خیر برای خود از پیش می فرستید آن را نزد خداوند به بهترین وجه بزرگترین ، پاداش خواهید یافت)).

(و اقیموا الصلوه و آتوا الزکوه و اقرضوا الله قرضا حسنا و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله هو خیرا و اعظم اجرا).

((و استغفار کنید، و از خداوند آمرزش بطلبید که خداوند غفور و رحیم است)) (و استغفروا الله ان الله غفور رحیم).

این چهار دستور (نماز، زکات ، انفاقهای مستحبی ، و استغفار) به ضمیمه دستور تلاوت و تدبر در قرآن که در جمله های قبل آمده بود مجموعا یک برنامه کامل خودسازی را تشکیل می دهد که در هر عصر و زمان به خصوص در آغاز اسلام تاءثیر انکار ناپذیری داشته و دارد.

منظور از ((نماز)) در اینجا نمازهای واجب پنجگانه و منظور از ((زکات)) زکات واجب است ، منظور از دادن ((قرض الحسنه)) به خداوند همان انفاقهای مستحبی است ، و این بزرگوارانه ترین تعبیری است که در این زمینه تصور می شود، چرا که مالک تمام ملکها، از کسی که مطلقا چیزی از خود ندارد قرض می طلبد تا از این طریق او را تشویق به انفاق و

ایثار و کسب فضیلت این عمل خیر کند، و از این طریق تربیت شود و تکامل یابد.

ذکر استغفار در پایان این دستورات ممکن است اشاره به این باشد که مبادا با انجام این طاعات خود را انسان کاملی بدانید و به اصطلاح طلبکار تصور کنید، بلکه همواره باید خود را مقصر بشمرید، و عذر به درگاه خدا آورید، ((ورنه سزاوار خداوندیش کس نتواند که بجا آورد)).

بعضی از مفسران معتقدند تکیه روی این دستورات به خاطر آن است که تصور نشود اگر تخفیفی درباره قیام شبانه و تلاوت قرآن قائل شده به سایر برنامه ها و دستورات دینی نیز سرایت می کند بلکه آنها همچنان به قوت خود باقی است . <۳۲>

ضمنا ذکر زکات واجب را در اینجا دلیل دیگری بر مدنی بودن این آیه گرفته اند زیرا حکم زکات در مدینه نازل شد نه در مکه ، ولی بعضی گفته اند اصل زکات در مکه نازل شد، اما نصاب و مقداری برای آن بیان نگردیده بود، آنچه در مدینه تشریع شد مساءله نصاب و مقدار زکات بود.

۱ - ضرورت آمادگی عقیدتی و فرهنگی

برای انجام کارهای مهم اجتماعی مخصوصا ایجاد یک انقلاب وسیع و گسترده در تمام شؤ ن زندگی قبل از هر چیزی یک نیروی مصمم انسانی لازم است که با اعتقاد راسخ ، و آگاهی کامل ، و تعلیمات لازم فکری و فرهنگی ، و پرورشهای اخلاقی ، برای این کار ساخته شده باشد.

و این دقیقا کاری بود که پیغمبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) در مکه در سالهای نخستین بعثت بلکه در تمام دوران عمرش انجام داد، و

به همین دلیل و به خاطر وجود همین زیر بنای محکم ، نهال اسلام به سرعت نمو کرد، و جوانه زد، و شاخ و برگ آورد.

آنچه در این سوره آمده است نمونه زنده و بسیار گویائی از این برنامه حساب شده است : دستور به عبادت دو سوم یا حداقل یک سوم از شب ، آن هم توام با تلاوت و دقت در آیات قرآن مجید تاءثیر عجیبی در روح مسلمانان گذارد، و آنها را برای قبول ((قول ثقیل)) و ((سبح طویل)) آماده ساخت ، این حرکتها و ناشئه های شبانه که به تعبیر قرآن ((اشد وطا)) و ((اقوم قیلا)) بود سرانجام کار خود را کرد، و گروهی اندک از توده های محروم و قشرهای مستضعف و در بند چنان ساخته شدند که شایستگی برای حکومت بر بخش عظیمی از جهان را پیدا کردند.

و امروز هم اگر ما مسلمانان بخواهیم عظمت و قدرت دیرین را باز یابیم ، راه همین راه ، و برنامه همین برنامه است ، هرگز نباید انتظار داشته باشیم با افرادی ضعیف و ناتوان از نظر تفکر و ایمان ، افرادی که پرورشهای لازم فرهنگی و اخلاقی را نیافته اند سیطره ((یهود)) را از قلب کشورهای اسلامی بر اندازیم ، و دست زورگویان و ابر جنایتکاران را از ممالک اسلامی کوتاه کنیم این سخنی است دامنه دار، اما آنجا که کس است یک حرف بس است !

۲ - تلاوت قرآن همراه با تفکر

از روایات اسلامی به خوبی استفاده می شود فضیلت تلاوت قرآن در زیاد خواندن آن نیست ، بلکه در خوب خواندن و تدبر و اندیشه در

آن است .

جالب اینکه در ذیل آیه فوق که دستور می دهد آنچه از قرآن برای شما میسر است بخوانید ((فاقرؤ وا ما تیسر منه)) روایتی از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) آمده است که از جدش چنین نقل می فرماید: ما تیسر منه لکم فیه خشوع القلب و صفاء السر!: ((آن مقدار بخوانید که در آن خشوع قلب و صفای باطن و نشاط روحانی و معنوی باشد))!. <۳۳>

چرا چنین نباشد در حالی که هدف اصلی تلاوت ، تعلیم و تربیت است .

و روایات در این زمینه بسیار است .

۳ - تلاش برای معاش همردیف جهاد

در آیه فوق - چنانکه دیدیم - تلاش برای زندگی را در کنار ((جهاد فی سبیل الله)) قرار داده ، و این نشان می دهد که اسلام برای این موضوع اهمیت زیادی قائل است ، چرا چنین نباشد در حالی که یک ملت فقیر و گرسنه و محتاج به بیگانه ، هرگز استقلال و عظمت و سربلندی نخواهد یافت ، و اصولا ((جهاد اقتصادی)) بخشی از جهاد با دشمن است .

در این زمینه جمله ای از عبدالله بن مسعود صحابی معروف نقل شده است که می گوید: ایما رجل جلب شیئا الی مدینه من مدائن المسلمین ، صابرا محتسبا، فباعه بسعر یومه کان عند الله بمنزله الشهداء، ثم قرأ ((و آخرون یضربون فی الارض)) ... ((هر کس متاعی را به یکی از شهرهای مسلمانان ببرد، و زحمات خود را در این راه برای خدا محسوب دارد، سپس آن را به قیمت عادلانه آن روز بفروشد چنین کسی در پیشگاه خدا به منزله

شهیـدان اسـت)) سـپس ایـن جمله از آیه آخر سـوره مزمـل را به عنـوان شاهـد تلاـوت کـرد: و آخرون یضـربون فی الاـرض . <۳۴>

خداوندا! به ما توفیق جهاد در تمام ابعادش مرحمت فرما.

بار الها! توفیق قیام شبانه و تلاوت قرآن کریم و ساختن خویشتن در پرتو این نور آسمانی به همه ما لطف کن .

پروردگارا! جامعه اسلامی ما را با الهام از این سوره پر محتوا به مقام شایسته و عظمت دیرین برسان .

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشـنایی بـا این سوره سوره مبـارکه «مزّمّل» یا «ردا برخودافکنـده» و یا «گلیم برخودپیچیـده» هفتاد و دومین سوره قرآن شـریف است. بجاست که پیش از هر چیز به شناسنامه اش بنگریم.

۱ - نام این سوره نام این سوره، همان گونه که آمد، «مزّمّل» است، و این نام از نخستین آیه آن برگرفته شده است.

اسـتبداد و ارتجـاع حـاکم بر مکّه پس از دعوت پیامبر گرامی به توحیـد و عـدالت و پس از طنین افکن ساختن نـدای آزادی و برابری انسان ها، به واکنش زشت و ظالمانه و آکنده از تعصب و خشونت دست زد، و به اذیت و آزار او بسـنده نکرد، بلکه به طرح توطئه بر ضد او نشست.(۱۰۴)

آن بزرگوار انـدوه زده و نگران از آینـده کار، به خانه بازگشت و ردا بر سـر کشـید و خوابید، اما در همان هنگام فرشـته وحی فرود آمـد و آن سـروش غیبی به نوازش دل پر فروغ و جان عطرآگین او پرداخت که: هان ای جامه به خویشـتن فروپیچیده، به پاخیز! یا ایها المزّمّل...

۲ - فرودگاه این سوره در این مورد دیدگاه ها متفاوت است:

۱ - پاره بر آنند که همه آیات بیست گانه این سوره در مکّه فرود آمده است.

۲ - اما برخی بر آنند که در مدینه.

۳ - و پاره ای نیز شماری از آیات این سوره را «مکی» می خوانند و شماری را «مدنی»؛ اما از دیدگاه بیشتر مفسران و محدثان همه آیه های این سوره در مکّه و در سال های آغازین بعثت بر قلب نورانی پیامبر مهر و آزادی فرود آمده است.

۳ - شمار آیه های آن در مورد شمار آیه های آن نیز سه نظر آمده است:

۱ - از دیدگاه اهل مدینه آیه های این سوره هیجده آیه است.

۲ - اما همین واژه ها و حروف را برخی نوزده آیه شمرده اند.

۳ - گروهی نیز بر آن هستند که این سوره دارای بیست آیه است، که دیدگاه مشهور این است.

گفتنی است که این سوره از ۱۹۹ واژه و ۸۲۸ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:

و من قرأ سوره المزّمّل رفع عنه العسر فی الدنیا و الآخره.(۱۰۵)

کسی که سوره «مزّمّل» را خالصانه و آگاهانه تلاوت کند و بدان ایمان آورد، رنج ها و سختی ها در این جهان و در جهان دیگر از او برداشته خواهد شد.

و نیز از حضرت صادق آورده اند که فرمود:

من قرأ سوره المزّمّل فی العشاء الآخره، او فی آخر اللیل کان له اللیل و النهار شاهدین مع السوره، و احیاه اللّه حیاه طیبه و اماته میته طیبه.(۱۰۶)

هر کسی سوره مزّمّل را در نماز عشا، یا آخر شب تلاوت کند، شب و روز، و خود این سوره، گواه

او در روز رستاخیز خواهند بود، و خدا به او زندگی پاک و پاکیزه و آراسته به آزادگی و پروا و معنویت، ومرگ پاکیزه و انسانی ارزانی خواهد داشت.

دور نمایی از مفاهیم آن این سوره پس از نام بلند و یاد الهام بخش خدا، با خطاب به پیامبر آغاز می گردد و درس های جان بخش و انسان پروری به پیامبر محبوب و رهروان راستین راه او می دهد، که از آن جمله، می توان به این مفاهیم و درس ها اشاره کرد:

فرمان قیام فرهنگی و معنوی برای ایجاد دگرگونی مطلوب در جامعه،

خودسازی و خود شکوفایی پیش از تربیت و اصلاح دیگران،

درس تلاوت قرآن و نیایش شبانه،

اثر مطلوب و پایدار شب زنده داری،

نقش انسان پرور نماز شب و پاداش شکوهبار آن،

شش دستور معجزه آسا به پیامبر،

هشدار به زورمداران اصلاح ستیز،

از سرنوشت سیاه فرعون عبرت گیرید،

هشدار از عذاب روز قیامت،

روح تساهل و تسامح در دین خدا.

۱ - هان ای جامه به خودپیچیده!

۲ - شب را جز اندکی [برای نماز و نیایش به پاخیز،

۳ - نیمی از آن را، یا اندکی از آن [نیمه را بکاه،

۴ - یا بر آن [نیمه بیفزای و قرآن را آن گونه که باید به روشنی بخوان.

۵ - بی گمان ما به زودی سخنی گرانبار بر تو القاء خواهیم کرد.

۶ - بی تردید پدیده شب [و برخاستن در دل آن برای گام سپردن [در راه حق]استوارتر و برای سخن گفتن [با خدا] پایدارتر

است،

۷ – چرا که تو در روز، تلاشی فراوان داری.

۸

- و نام [بلند و پرشکوه پروردگارت را یاد کن و آن گونه که باید تنها به او بپرداز [و از غیر او بگسل.]

۹ - [او] پروردگار خاور و باختر است، هیچ خدایی جز او نیست؛ پس او را کارساز [خود]برگیر.

۱۰ - و بر آنچه [خودکامگان حاکم می گویند شکیبایی ورز، و آن گونه که زیبنده است از آنان دوری گزین.

نگرشی بر واژه ها

مزّمّـِل: در جامه پیچیده. این واژه در اصل از «متزمل»، از ریشه «تزمل» به معنی «فروپیچیدن جامه» و «پارچه ای بر خویشتن» آمده، آن گاه به دلیل نزدیک بودن «ز» به «ت» در مخرج واژه ها و ادای آنها و شنیدن آسان تر «ز» از «ت»، حرف دوم، به اول ادغام شده، و «مزّمّل» آمده است.

ترتیل: این واژه در اصل به مفهوم «تنظیم» و «ترتیب موزون» آمده، اما به همین تناسب به روشن و رساخواندن قرآن و شمرده بیان کردن کلمات آن و در نتیجه با نظم و حوصله و با متانت تلاوت کردن کتاب خدا آمده است. در برابر آن سبک و شیوه، با شتاب و تند خواندن قرآن است، که به آن «حدر» می گویند. هر دو شیوه از تلاوت، نیکو و پسندیده است، اما تلاوتِ با متانت و وقار که همراه با دقت در واژه ها و تدبر در مفاهیم و معانی واژه ها و آیه ها و اندیشیدن و اندیشاندن باشد، بهتر و بیشتر مورد سفارش است.

القاء: به مفهوم، افکندن، طرح نمودن و القاکردن آمده، و در آیه منظور وحی آیات بر قلب مصفای پیامبر است.

اقوم: پایدارتر، استوارتر، پابرجاتر، صاف تر، و خالص تر در گفتار و نوشتار، و ناب تر در عبادت

و نیایش آمده است. این واژه از ریشه و ماده «قیام» است.

سبح: این واژه بسان «مدح» آمده و در اصل به معنی رفت و آمد کردن، گردش نمودن، و نیز به مفهوم شناکردن آمده است. پاره ای آن را به «خ» قرائت کرده اند که در آن صورت به معنی گستردن و پهن کردن است.

تفسیر

برای ایجاد تحول مطلوب در دل ها به پا خیز

خدای فرزانه آیات پایانی سوره «جنّ» را با یادی از پیامبران به پایان رساند، اینک این سوره را به نام الهام بخش پیامبر آزادی و عدالت آغاز می کند و می فرماید:

یا أَیُّهَا الْمزّمّل

هان ای جامه به خودپیچیده!

به باور پاره ای منظور این است که: هان ای به دوش کشنده بار گران و پر مسئولیت رسالت! اما به باور پاره ای دیگر، هان ای که در جامه خویشتن فروخفته ای!

در شأن نزول و داستان فرود این آیات برخی از مفسران آورده اند که: وقتی فرشته وحی نخستین پیام و آیات خدا را بر او آورد، از ترس مسئولیت سنگین رسالت و پیام رسانی، خود را در جامه پیچید و در اندیشه شد تا آرامش یابد و با آیات جان بخش قرآن الفت گیرد و مأنوس گردد. آن گاه بود که این پیام رسید که هان ای جامه بر سر کشیده!

یا ایّها المزّمّل آری، پیامبر گرامی در آغازین مرحله دریافت پیام با این عنوان مورد خطاب قرار گرفت. پس از آن با عنوان «نبوت» و پیام آوری، نظیر: یا ایّها النّبی...(۱۰۷)

و پس از آن با عنوان رسالت، بسان یا ایّها الرسول...

آن گاه می فرماید:

قُمِ اللَّیْلَ إِلاَّ قَلِیلاً

شب را، جز اندکی برای نماز و نیایش به پاخیز.

نیمی از شب را برای پرستش و عبادت خدا و راز و نیاز با او به پاخیز، یا اندکی از آن نیمه را بکاه.

نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِیلًا

در آیه شریفه واژه «نصفه» بدل از واژه «لیل» و بیان برای چیزی است که استثنا شده، و منظور این است که نیمی از شب را برای عبادت خدا به پاخیز و یا اندکی از آن بکاه.

یا بر آن نیمه بیفزای و بیشتر از نیمی از شب را به نیایش با خدا بگذران.

أَوْ زِدْ عَلَیْهِ به باور مفسران منظور از بیان آیه پیش که فرمود: یا اندکی از آن بکاه، این است که: «یک سوم» شب را به پرستش خدا بگذران. اما در این آیه که می فرماید: یا بر آن بیفزای، منظور این است که: تا «دو سوم» شب را به پرستش خدا بگذران.

پاره ای بر آننـد که: واژه «نصـفه» در آیه سوم، بدل از «قلیلًا» در آیه دوم می باشد، که در این صورت هم، معنی آیه همان می شود که آمد. این نظر را روایت رسیده از امام صادق(ع) نیز تأیید می کند که فرمود:

«القلیـل النصف، او انقص من القلیـل قلیلا۔ او زد علی القلیل قلیلا.» منظور از انـدک در آیه شـریفه، نصف ساعت های شب می باشد و منظور از کاستن از آن و یا افزودن بر آن، عبارت از «یک سوم» از شب و یا «دو سوم» از آن است.

اما پاره ای دیگر نظیر «ابن لبیب» بر آنند که: نیمی از همه شب ها را برای عبادت خدا برخیز، مگر پاره ای از

شب هـا را که به خاطر بیماری و یا درد چشم و خسـتگی و خواب آلودگی شور و شوق نیایش - آن گونه که بایـد - در خود حس نمی کنی.

از آیـه چنین دریـافت می گردد که خـدای فرزانه پیـامبرش را برای انتخـاب سـاعت هـایی از شب برای عبـادت و نیـایش آزاد گذاشت، و آن حضـرت نیز با گروهی از یاران خاصّ، برنامه و سـبک خود را چنین تنظیم کردند که مقدار مورد نظر قرآن در ساعت هایی از شب را برای عبادت و نیایش قیام کننـد. این برنامه مدتی ادامه یافت، اما برای پاره ای از یاران دشوار آمد؛ چرا که گاه برخی از سـر احتیاط تمام شب را به شب زنـده داری و به عبادت می گذراندنـد. در این شـرایط بود که خـدای مهربان منت نهاده و کار را با فرود آیه ای آسان تر ساخت.(۱۰۸)

از «عایشه» در مورد عبادت و نیایش شـبانه پیامبر پرسـش گردید. او پاسخ داد: آیا سوره «مزّمّل» را نمی خوانید؟ آن گاه افزود: خـدای فرزانه نخست عبادت شـبانه را به صورتی که در آغازین آیات این سوره آمده است، بر آن حضـرت واجب ساخت، اما پس از گذشت یک سال از قیام شـبانه و نیایش آن بزرگوار و یاران خاصّ او، خدای فرزانه با فروفرستادن این آیات، کار را بر مردم آسان گرفت و قیام شبانه، از وجوب به مستحب تبدیل گردید.

«سـعید بن جبیر» بر آن است که: میان فرود آغازین آیات این سوره با آیات پایانی آن، ده سال فاصله افتاد. با این بیان پیامبر به مدت ده سال، آن گونه شب زنده داری و قیام شبانه را به صورت واجب به عهده داشت و به

انجام رساند.

پاره ای نیز برآننـد که: این سوره در مکّه و پیش از واجب شـدن نمازهای شـبانه روزی فرود آمد و پس از آن با آمدن دسـتور نمازهای پنجگانه، حکم آن نسخ گردید.

از «ابن عبـاس» آورده انـد که: بـا فرود آغـازین آیـات این سوره، پیـامبر و مردم مسـلمان، بسان ماه رمضان به شب زنـده داری ونیایش برمی خاستند و پس از یک سال، آیات پایانی این سوره فرود آمد و همه خداجویان به برنامه ای دیگر رهنمون شدند.

به باور «حسن» و «عکرمه»آیات پایانی این سوره، آیه های آغازین آن را نسـخ می کنـد، اما به باور ما از ظاهر آیات چیزی که نظر آنان را تأیید کند دیده نمی شود؛ بنابراین بهتر است که این آیات به ظاهرش تفسـیر و ترجمه شود و بر این باور باشـیم که قیام به عبادت و نیایش و تلاوت قرآن در ساعت هایی از شب بسیار پسندیده و سازنده است، امّا واجب نیست.

تلاوت شایسته و خالصانه قرآن آن گاه در بیان شایسته و بایسته تلاوت قرآن می فرماید:

وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً

و قرآن را با دقت و تدبر در آیات و مفاهیم آن و به گونه ای شمرده و زیبا تلاوت نما.

«ابن عباس» می گوید: و قرآن را آن گونه که زیبا و شایسته است تلاوت کن و سه، یا چهار، یا پنج آیه را با یک نفس بخوان.

امّـا به بـاور «زجـاج» منظور این است که در قرائت و تلاوت قرآن شـتاب مکن، بلکه به گونه ای شـمرده شـمرده و بیان روشـنِ حروف و واژه ها و با لحن گرم و گیرا آن را تلاوت نما.

«ابوحمزه» آورده است که: به «ابن عباس» گفتم:

جناب! من در تلاوت قرآن و سبک گفتارم شتاب می کنم، به نظر شما باید چه کرد؟

او گفت: اما من اگر سوره بقره را با ترتیل و به روشنی و زیبایی بخوانم، برایم بهتر از این است که همه قرآن را با شتاب و بدون تدبر تلاوت کنم.

به باور «مجاهد» خواندن با ترتیل آن است که قرآن را با آرامش و تأنی و دقت در واژه ها و قالب آیات و تدبر در مفاهیم بلند آن تلاوت کنی.

امّا به باور «قتاده» منظور این است که با آهنگ دلنشین و استوار تلاوت کنی.

از علی(ع) آورده اند که فرمود:

بیّنه بیانا و لا تهذّه هذّ الشعر، و لا تنثره نثر الرمل، و لکن اقرع به القلوب القاسیه، و لا یکونن همّ احدکم آخر السوره.(۱۰۹)

منظور از «ترتیل» در تلاوت قرآن آن است که آن را به گونه ای روشن و زیبا بیان کن. نه آن را مانند سروده و شعر با شتاب و سرعت، پشت سر هم ردیف کن و برو، و نه همانند دانه های شن پراکنده ساز؛ بلکه آن را به گونه ای تلاوت کن که به وسیله آیات جان بخش و دلنواز آن، قلب ها را تکان دهی و بیدار سازی، و نباید هرگز در تلاوت قرآن هدف شما پایان سوره باشد، چراکه مهم چگونگی تلاوت است و نه بسیاری آن.

حضرت صادق(ع) فرمود:

اذا مررت بآیه فیها ذکر الجنه فاسأل اللّه الجنه، و اذا مررت بآیه فیها ذکر النار فتعوذ باللّه من النار.(۱۱۰)

هنگام تلاوت قرآن این گونه باش که اگر به آیه ای گذشتی، که در آن یاد و نام بهشتِ پر طراوت و زیبای خدا

است، در آن بیندیش و از بارگاه خدا بهشت را بخواه، و راه رسیدن به آن را از قرآن جستجو نما، و خود را مناسب ساز، و آن گـاه که از آیه ای عبور نمودی، که در آن نـام دوزخ است، از فرو افتـادن در آن، به خـدا پناه ببر و با گفتار و کرداری عادلانه خود را از آن دور ساز.

از دیـدگاه پـاره ای تلاـوت قرآن بـا «ترتیل» آن است که آن را منظم و سـنجیده تلاوت کنی و واژه ها را مرتب و زیبا و به هم پیوسته، بسان دندان های مرتب و منظم ردیف کنی و پس و پیش و ناهماهنگ نخوانی.

اما از دیدگاه برخی منظور این است که: با نرمش و آهنگ ملایم آن را بخوانی.

به باور «قطرب» منظور این است که آن را با آهنگی حزن انگیز تلاوت کنی تا دل ها را به خود آورد و شنونده را بیندیشاند.

از امام صادق آورده اند که فرمود:

هو أن تتمکث فیه، و تحسن به صوتک.(۱۱۱)

«ترتیل» آن است که در آیات و تلاوت آن درنگ کنی و با صدایی نیک و آهنگی پرجاذبه آن را تلاوت نمایی.

از «ام سلمه» آورده اند که در وصف تلاوت پیامبر می گفت:

یقطع قرائته آیه آیه.

آن حضرت آیات را از هم جدا می کرد و صدای دلنواز خود را می کشید و زیبا می خواند.

و نیز «انس» آورده است که: آن حضرت به هنگام تلاوت قرآن صدای دلنواز خود را با آهنگ زیبا می کشید.

کانَ یمدُّ صوتَه مَداً.(۱۱۲)

و«عبداللّه بن عمر» آورده است که آن حضرت فرمود:

یقال لصاحب القرآن اقرأ و ارق، و رتل کما کنت ترتل فی الدنیا،

فانّ منزلتک عند آخر آیه تقرؤها.(۱۱۳)

در روز رستاخیز به تلاوت گر قرآن گفته می شود: قرآن را تلاوت کن و اوج گیر، و آن را آن گونه که در دنیا زیبا و دلنشین تلاوت می کردی تلاوت نما، چرا که جایگاه تو در آخرین آیه ای است که تلاوت می کنی.

در پنجمین آیه مورد بحث در بیان هدف این رهنمودها و روشنگری ها می افزاید:

إِنَّا سَنُلْقِی عَلَیْکَ قَوْلاً ثَقِیلاً

ما به زودی سخنی بسیار گرانمایه و گرانبار بر جان گرامی تو القا خواهیم کرد.

از دیدگاه گروهی از مفسران پیشین منظور این است که: ما به زودی بر تو پیام و کتابی را وحی خواهیم نمود که هم برتو گران است و هم بر جامعه و امت تو. سنگینی و گرانی آن بر تو به خاطر بیان مفاهیم بلند و دگرگون سازی است که از واکنش های مردم خواهی دید، و اذیت و آزارها و بیدادهای بسیاری در راه آن به جان خواهی خرید، و باید با جهاد و تلاش و وانهادن آسایش و راحتی و قیام شبانه و تلاش روزانه این مسئولیت خطیر را به انجام برسانی؛ امّا سنگینی آن بر مردم در این است که باید پیام آن را آن گونه که باید، بدون کم و کاست و تحریف و تغییر و با بینشی ژرف و نو دریابند و به جان بخرند و به مقررات آن عمل کنند و قانونگرایانه و عادلانه و آزادمنشانه جامعه ای نوین و دنیایی آزاد و آباد و توسعه یافته بسازند، و این بر پیشوا و امت کاری است گران و بسیار بزرگ.

«ابن زید» می گوید: این گرانی و سنگینی، مبارک و زیباست؛

درست همان گونه که دریافت آن، و رسانـدن پیام دگرگون سازش در این جهان کاری است سترگ و بزرگ، پاداش آن هم در میزان آخرت سنگین و شکوهبار است.

و به بـاور پـاره ای منظور این است که: به جـان خریـدن قرآن و پیام بلنـد و انسان پرور آن، کار هر کس و هر دل نیست؛ بلکه قلبی بایـد که خـدا به او توفیق ارزانی دارد، و جان و روحی که به توحیدگرایی و یکتاپرستی آراسـته باشد، و از سوی آن ذات بی همتا تأیید گردد.

از دیـدگاه «فراء» منظور این است که آیات قرآن بسان گفتار برخی از انسان ها، سـبک وزن و بی محتوا نیست؛ چرا که سـخن خدای فرزانه و پیام اوست.

و از دیدگاه پاره ای منظور این است که: قرآن و آیات آن گفتاری والا و بلند مرتبه است.

آیه مبارکه و پیام آن بسان این است که در وصف سـخن سنجیده و حکیمانه کسی می گوییم: این گفتارِ حکیمانه و آراسته به فصاحت و بلاغت و زمان شناسی، سخنی است بسیار وزین و ارزنده، و به جا و به هنگام هم گفته شده است.

پـاره ای بر آننـد که: سـنگینی و گرانی قرآن و آیـات آن به خـاطر این است که دریـافت وحی الهی این گـونه بود؛ چرا که به هنگام رسیدن وحی به آن حضرت، حال او دگرگون می گردید و عرق سراپای او را می گرفت و اگر بر روی مرکب بود، آن مرکب، دیگر توان ایستادن نداشت و می خوابید.

از آن حضرت پرسیدند که ای پیامبرخدا! چگونه بر شما وحی می گردد؟

فرمود: گاهی به مانند صدای زنگی که سخت سنگین و کوبنده است و

در جانم نقش می بندد، و گاهی فرشته ای در سیمای مردی در برابر دیدگانم جلوه گر می شود و پیام آسمان را می خواند و در جانم می نشیند و حفظ می شوم.

«عایشه» آورده است که: گاه پیامبر سوار بر مرکب بود که وحی و پیام خدا می رسید و به آن حضرت حالت وصف ناپذیری دست می داد؛ به گونه ای که در سرمای زمستان از پیشانی مبارك او عرق سرازیر می شد.

پاره ای نیز برآنند که: منظور از گرانی و سنگینی قرآن، آن است که برکفرگرایان و ظالمان سنگین است؛ چرا که در کران تا کران آیات آن راه و روش بیدادگرانه و گمراهانه و خرافی آنان بر مردم روشن می گردد، و آنان به عدالت و آزادگی و ایمان و رعایت حقوق مردم و مقررات خدا دعوت می گردند و این برای ستمکاران عصرها و انحصارگران قدرت و امکانات خلق ها سخت گران است.

اثر مطلوب و پایدار راز و نیاز شبانه در آیه بعد در اثرگذاری مطلوب و سازندگی و معنویت آفرینی راز و نیاز خالصانه شبانه و اثر ماندگار آن در اندیشه و گفتار و عملکرد انسان می فرماید:

إِنَّ ناشِئَهَ اللَّیْلِ هِیَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِیلًا

بی گمان پدیده شبِ آرام و ساکت، و برخاستن به راز و نیاز و عبادت و شب زنده داری در دل شب رنجش بیشتر است؛ اما گفتار و نیایش در آن ساعت ها و لحظات خالص تر و ناب تر، و اثر آن نیز بر گستره دل و کران تاکران جان و زندگی انسان ها پایدارتر و ماندگار است.

گفتنی است که منظور از «انّ ناشئه اللیل»،«انّ ساعات اللیل» است، چرا که ساعت های شب به تدریج از خود شب

سرچشمه می گیرد، و با این بیان منظور این است که: بی تردید ساعت های شب و عبادت و نیایش در آن ها این گونه است.

«ابن عباس» می گوید: منظور همه ساعت های شب می باشد. اما به باور «مجاهد» منظور ساعت های نیایش است که دارای این ویژگی و اثر گذاری است.

و از دیدگاه گروهی، از جمله «سعید بن جبیر» منظور شب زنده داری است، که دارای این اثر مطلوب در جان و عملکرد انسان است.

«عایشه» می گوید: منظور قیام برای عبادت خدا پس از خواب و استراحت است.

و از دیدگاه «حسن» و «قتاده» منظور عبادت و نیایش پس از نماز خفتن است.

و از دو امام راستین حضرت باقر و صادق - که درود خدای بر آنان باد - آورده اند که: منظور برنامه نیایش و عبادت خالصانه در ساعت های پایانی شب تا هنگامه نماز شب است.

هی القیام فی آخر اللیل الی صلاه اللیل.(۱۱۴)

واژه «وطئاً» در اصل به مفهوم گام نهادن و گام سپردن آمده است، اما در آیه شریفه تعبیر به «اشد وطئاً» نشانگر آن است که قیام شبانه و برنامه عبادت و شب زنده داری در دل شب و ساعت های آن که هنگام آسایش و خواب و استراحت است، کاری است پر زحمت و مشقت.

پاره ای واژه «وطئاً» را به کسر «و» قرائت کرده اند که در آن صورت منظور این است که: بی گمان پدیده شب و ساعت های آرام آن از نظر هماهنگی و همنوایی چشم و گوش با دل و جان برای عبادت خدا، دریافت معنویت و درک حقایق و اندیشیدن عمیق بیشتر و بهتر است؛ چرا که در آن ساعت های آرام، قلب انسان از زرق

و برق دنیا وکشمکش های زندگی روزانه گسسته است و درست به همین دلیل هم، گفتار انسان و تلاوت قرآن او می تواند سنجیده تر، خالص تر، اندیشاننده تر و شایسته تر باشد.

امام صادق (ع) در اثر گذاری این برنامه عبادی فرمود:

هو قیام الرجل عن فراشه لا یرید به الاّ اللّه.(۱۱۵)

این اثر گذاری و سازندگی برنامه نیایش و عبادت شبانه، در صورتی است که انسان تنها برای خشنودی خدا از بستر خواب برخیزد و آماده عبادت شود، و نه هواها و هوس ها و هدف های سوداگرانه.

آن گاه می افزاید:

إِنَّ لَکَ فِی النَّهارِ سَبْحاً طَوِیلاً

این برنامه برای ساعت های آرام شب به خاطر آن است که تو ای پیامبر! در روز در رفت و آمد و در تلاش و کوششی فراوان و هماره هستی، و در اندیشه هدایت مردم و ساماندهی شایسته امور قرار و آرام نداری.

افزون بر این باید در روز امور معاش خود و خانواده ات را نیز سامان دهی، و مردم را با دعوت به قرآن و مفاهیم بلند آن، با واجبات و مستحبات آشنا سازی، به همین دلیل در ساعت های شب قلب کمال جوی تو برای عبادت آماده تر است. بنابراین برنامه شب زنده داری و نیایش با خدا را داشته باش تا بدین وسیله بهتر بتوانی خیر دنیا و آخرت را به سوی خود جلب نموده و سعادتِ جاودانه را تأمین نمایی.

از آیه شریفه چنین دریافت می گردد که مربیان و ارشادگران جامعه نباید به بهانه درس و بحث، نماز شب را وانهند؛ چرا که پیامبر گرامی برای آموزش و پرورش مردم بیشتر از همگان بها می داد و با این وصف قیام به عبادت و

راز و نیاز شبانه را بخشی جدایی ناپذیر از زندگی معنوی خود می دانست، و این برای همگان درسی است برای خودسازی و خودشکوفایی در پرتو ایمان و عمل و رابطه گرم و دوستانه با خدا.

آری، با آن همه تلاش و کوشش روزانه پیامبر در ارشاد و هدایت مردم، و جهاد بی امان فکری و فرهنگی و عقیدتی، گویی خدای فرزانه نمی پسندد که بهره بزرگ آن حضرت از راز و نیاز عاشقانه با خدا و برنامه شبانه اش کاسته شود، به همین دلیل در این آیه می فرماید:

وَ اذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ و نام پرشکوه و الهام بخش پروردگارت را با همه وجود یاد کن و او را بدین وسیله عبادت نما.

منظور از این دستور به پیامبر گرامی این است که: با همه وجود خدا را یاد کند که: یااللّه! یا رحمان! یا رحیم! و همین گونه دیگر نام های مقدس او را یاد کند تا نیرو گیرد و جان را بیشتر طراوت و خرمی بخشد و نورانی سازد.

به باور پاره ای منظور این است که: در آغاز نمازت بگو: بسم اللّه الرحمن الرحیم، که برکت این یاد و نام خدا، تو را به سرچشمه هستی پیوند داده و از دیگران بی نیاز می سازد.

و به باور پاره ای منظور این است که: در کارهایت خشنودی او را هدف قرار ده.

وَ تَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً

و آن گونه که شایسته و بایسته است دل در گرو عشق او داشته باش و به او بپرداز، و از جز ذات بی همتای او بگسل.

به باور «ابن عباس» منظور این است که: نیایش و عبادت خود را آن گونه که باید برای

او خالص ساز.

امّا به باور «عطاء» از هر آنچه و هر آن که جز ذات بی همتای خداست بگسل و تنها به او دل بند، که این اساس و ریشه عبادت و بندگی است.

از دیدگاه «شقیق» منظور این است که: آن سان که شایسته و بایسته است بر او توکل و اعتماد نما.

و از دیدگاه «ابن زید» منظور این است که: دل و جان را برای عبادت و پرستش او از هر چیز دیگر آزاد ساز.

در پاره ای از روایات رسیده از «تبتل» هشدار داده شده است، که منظور از آن گسستن از مردم و بریدن از جامعه و بی تفاوت شدن و عدم احساس مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی است. امّا در مورد پیشوای گرانقدر توحید این گونه نیست، بلکه منظور این است که: هان ای بنده برگزیده ام! من تو را برای خود برگزیده ام، توهم دل را تنها فرودگاه عشق و مهر من ساز و از جز خدا بگسل.

پاره ای برآنند که اگر منظور از آن، «تبتل» ناپسند و نهی شده در روایت بود باید می گفت: «و تبتل الیه تبتلا» در حالی که فرمود: «تبتیلا» و این به خاطر تفاوت عمیق در معنی است که بیان گردید؛ امّا برخی بر آنند که مطلبِ بیان شده در تفاوت آن دو درست است، امّا واژه «تبتیلا» برای هماهنگی آخر آیات آمده است.

از دو امام نور حضرت باقر و صادق آورده اند که: منظور قنوت نماز است.

و در روایت دیگری آورده اند که منظور دست برداشتن به سوی آسمان برای تضرع و زاری و نیایش با خداست.

در آیه بعد می فرماید:

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ او

پرودگار خاور و باختر است و پدید آورنده کران تا کران هستی است.

به باور پاره ای، او پروردگار طلوع خورشید و غروب آن، به هنگامه بامداد و شامگاه است.

اما به باور پاره ای دیگر، او فرمانروای خاور و باختر و تدبیر گر امور هستی است.

لا إِلهَ إِلَّا هُوَ

جز او هیچ خدایی که در خور پرستش و ستایش باشد، نیست،

فَاتَّخِذْهُ وَكِيلاً

بنابراین او را کار ساز و یار و نگهبان خویش بر گزین.

به باور برخی منظور این است که: او بر آنچه به تو وعده فرموده، بسنده و کافی است و با دلی استوار بر او توکل و اعتماد کن و کار خود را به او واگذار که او را بهترین یار و حمایت گر و نگهبان خواهی یافت.

در آخرین آیه مورد بحث می افزاید:

وَ اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ در برابر بافته های ناروا و گزنده دشمنان، که به تو مارک افسونگر و دروغ ساز می زنند، و نیز در برابر اذیت و آزار آنان و خشونت زبانی و رفتاریشان شکیبایی پیشه ساز و میدان را به آنان وامگذار.

وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلاً

و به گونه ای شایسته و حکیمانه و زیبا و اندیشاننده از آنان دوری گزین.

آری، از آنان دوری گزین، امّا دوری گزیدنی زیبا. و دوری گزیدن زیبا آن است که آن حضرت نهایت دلسوزی و خیرخواهی و مهر به آنان را به کار برد و آنان را به توحیدگرایی و تقوا و ایمان و عمل و آزادگی و عدالت خواهی دعوت کند، امّا در برابر نادانی های آنان تغافل نماید و مدارا پیشه سازد.

«زجاج» می گوید این آیه شریفه نشانگر آن است که پیش

از آیات جهاد فرود آمده است؛ چرا که پیامبر را به مدارا و آرامش و پایداری و شکیبایی فرمان می دهد و نه ایستادگی قهرآمیز و تند در برابر هجوم کفر و ظلم.

امّا پاره ای برآنند که: خود این آیه فرمان می دهد که باید با نهایت مدارا و بردباری به جهاد فکری و فرهنگی و اجتماعی در برابر کفرگرایان و ظالمان پرداخت، و در همان حال تا آنجایی که ممکن است با آنان مهربان بود و برای راهیابی آنان تحمل و مدارا پیشه ساخت.

آیه شریفه این درس را به مبلغان دینی و پیشوایان مذهبی می دهد که در راه دعوت به دین شکیبایی و مدارا و تحمل و خلق و خوی شایسته و انسانی لازم است. باید در برابر آزارها صبر کرد، و به خشونت و تندی نپرداخت و با زبان خرد و منطق و مهر طبیبانه، مردم را به دین فرا خواند، چرا که این شیوه نفوذ در دل هاو جانهاست، نه آن.

پرتوی از آیات ۱ - نقش انسان پرور نماز شب و پاداش شکوهبار آن از آیات جان بخش قرآن و روایات رسیده از پیشوایان معصوم و نیز پژوهش در سبک و سیره عبادی و چگونگی رابطه آنان با خدا، چنین دریافت می گردد که نماز واقعی، یاد الهام بخش خدا،

آرامش دهنده دل های طوفان زده،

رمز دیدار حق و راز دوستی با او،

و باز دارنده فرد و جامعه از گناه و زشتی و پایمال ساختن حقوق بشر و مقررات خداست.

به خاطر این خواصّ انسان ساز و روح پرور عبادت خالصانه و نماز راستین است که در فرهنگ دین، افزون بر نمازهای واجب، به

نمازهای نافله - به ویژه نماز شب و عبادت و نیایش سحرگاهان و در آستانه سپیده بسیار سفارش شده است؛ چرا که چنین نیایش و پیوندی با خدا، می تواند روح را صفا، جان را پاک، و انسان را به معنویت و تربیت خداپسندانه آراسته ساخته، و به او بیداری قلب و زندگی وجدان ارزانی داشته، و ارکان ایمان و پروا را در اعماق جان پولادین و استوار سازد، تا انسان در زندگی روزانه اش نگزد و ندرد و خودکامگی و استبداد پیشه نسازد و همه حقوق مردم را قربانی مطامع نفس سرکش خود نکند و خود را در افکار ملی و فراملی و جهانی رسوا و در تاریخ روسیاه و در سرای آخرت گرفتار عذاب سخت خدا نسازد.

پیامبر گرامی در ترغیب به نماز شب و عبادت راستین شبانه فرمود:

انّ من روح اللّه ثلاثه: التهجد بالليل، و افطار الصائم، و لقاء الاخوان.(۱۱۶)

سه نعمت از عنایات خاص خدا به انسان است: عبادت شبانه یا نماز شب، افطار دادن به روزه داران، و دیدار برادران و همنوعان.

آن حضرت به امیرمؤمنان فرمود:

یا علی! اوصیک فی نفسک بخصال فاحفظها، ثم قال: اللّهم اعنه... و علیک بصلوه اللیل...(۱۱۷)

علی جان! تو را به کارهایی سفارش می کنم، پس همه را به خاطر بسپار. آن گاه رو به بارگاه خدا نمود و نیایشگرانه گفت: خداوندا، او را در انجام این کارها یاری فرما. سپس ضمن سفارش هایش فرمود: بر تو باد بر انجام نماز شب، بر تو باد بر انجام نماز شب.

و نیز در تفسیر آیه «الحسنات یذهبن السیئات» فرمود:

صلوه اللّیل تذهب بذنوب النهار. (۱۱۸)

نماز شب گناهان روز و

اثر ویرانگر آنها را از جان انسان می زداید.

و نیز فرمود:

خیرکم من اطاب الکلام، و اطعم الطعام، و صلی باللّیل و النّاس نیام.(۱۱۹)

بهترین شـما کسـی است که در گفتار، باادب تر و سنجیده گوتر باشد، و نیازمندان را سیر کند، و در دل شب و به هنگامی که مردم در خوابند نماز بخواند.

و نیز از آن گرامی است که فرشته وحی در برابر اندرزخواهی اش گفت:

یـا محمـد! عش مـا شـئت فانک میت، و احبب ما شـئت فانک مفارقه، و اعمل ما شـئت فانک ملاقیه، و اعلم ان شـرف المؤمن صلوته بالليل، و عزّه كفّه عن اعراض الناس. (۱۲۰)

ای محمد(ص)! هر چه می خواهی زندگی کن، امّا به خاطر داشته باش که سرانجام مرگ خواهد آمد؛ و هر چه را می خواهی دل ببنـد، امّا به هوش باش که از آن جـدا خواهی شـد؛ و هر کاری می خواهی انجام ده، امّا به یاد داشـته باش که با آن دیـدار خواهی داشت.

ای پیـامبر! بـدان که شـرافت انسـان به نمـاز شب اوست، و عزّت و قـدرت و شـکست ناپـذیری اش، در رعـایت حقـوق بشـر و خودداری از ریختن آبروی مردم.

و نیز فرمود:

من صلی باللیل حسن وجهه بالنهار. (۱۲۱)

کسی که نماز شب بخواند سیما و سیره اش در روز نیکو و شایسته می گردد.

از امیرمؤمنان آورده اند که فرمود:

قیام اللیل مصحّه للبدن، و مرضاه للرب، و تعرض للرحمه، و تمسک باخلاق النبیین.(۱۲۲)

عبادت شـبانه باعث سـلامت تن، مایه خشـنودی پروردگار و در معرض نسـیم رحمت قرار گرفتن، و آراسـتگی به خلق و خوی پیامبران است.

و نیز به مردی که به آن بزرگوار از محروم شدن نماز شب

شکایت کرد، فرمود:

انت رجل قد قیدتک ذنوبک.(۱۲۳)

تو کسی هستی که گناهانت تو را به بند کشیده اند.

امام صادق فرمود:

لا تدع قیام اللیل، فانّ المغبون مَنْ حرم قیام اللیل.(۱۲۴)

نماز شب را رها مکن، چرا که کسی که از نماز شب محروم گردد زیانکار است.

و فرمود:

ثلاثه هن فخر المؤمن و زینته فی الدنیا و الاخره:

الصلوه فی آخر اللیل، و یأسه مما فی ایدی الناس، و ولایه الامام من آل محمد(ص).(۱۲۵)

سه چیز است که مایه فخر و مباهات انسان توحیدگرا و باعث آراستگی او در این جهان و جهان دیگر است:

نخست نماز شب و پیوند عاشقانه با خدا؛ دیگر رها ساختن آنچه از آنِ مردم است، و سرانجام دوستی و الگوگیری و زیستن در راه و رسم امام و پیشوایی از پیشوایان معصوم.(۱۲۶)

۲ - شش دستور سازنده و معجزه آسا در خود شکوفایی در آیات ده گانه ای که گذشت، خدای فرزانه شش دستور جان بخش و انسان پرور به پیامبرش می دهد که هر کدام معجزه آسا و دگرگون سازند، و در کنار هم یک برنامه کامل تربیتی را می سازند، که اگر انسان هدفدار و یا جامعه هدفمند به آن ها پایبند باشد می تواند به اوج سعادت دنیا و آخرت پر کشد. این برنامه شش ماده ای این گونه است:

۱ - عبادت و راز و نیاز شبانه، یا رابطه دوستانه با خدا.

۲ - هماره به یاد او بودن و او را فراموش نساختن.

۳ - دل بستن به او و گسستن از هر چیز و هر کس، یا اخلاص ورزیدن.

۴ - توکل و اعتماد به سرچشمه قدرت ها و وانهادن کارها به او، و

او را حافظ و وکیل خود برگزیدن.

۵ - شکیبایی و پایداری در زندگی.

۶ - ضمن تلاش در انجام وظائف، مهر و مدارا با مردم و بردباری و دوری گزیدن نیکو از عناصر نادان و جریان های تاریک اندیش یا «هجر جمیل».

۱۱ - و مرا با دروغ شمارندگان [وحی و رسالت - که دارنده نعمت هستند - واگذار و به آنان اندکی مهلت ده!

۱۲ - بی گمان بندهایی [گران از زنجیر آتشین و آتشی شعله ور،

۱۳ - و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک [برای آنان نزدماست.

۱۴ - روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآیند، و کوه ها بسان توده ریگ روان، گردند.

۱۵ - بی تردید ما به سوی شما پیامبری را که بر شما گواه است، فرستادیم، همان سان که به سوی فرعون [نیز] پیامبری فرستادیم.

۱۶ - امّا فرعون آن پیام آور [ما] را نافرمانی کرد و ما نیز او را [به عذابی]سخت گرفتار ساختیم.

۱۷ - پس اگر کفر ورزید [و بسان او بیداد پیشه سازید] چگونه از [عذاب مرگبار]روزی که کودکان را پیر می سازد می توانید دوری گزینید؟

۱۸ - آسمان با [فرارسیدن آن [روز] شکافته می شود؛ وعده او انجام شدنی است.

۱۹ - راستی که این [نشانه ها] اندرزی است [دگرگون ساز]، تا هر که بخواهد به سوی پروردگارش راهی در پیش گیرد.

نگرشی بر واژه ها

یذر: این واژه به مفهوم وانهادن آمده است، بسان واژه «یدع»؛ و هر دو به صورت ماضی نیامده اند.

نَعمه: این واژه به فتح و کسر «ن» به معنی نرم و ملایم، و نیز خشن و زبر و به معنی ثروت و قدرت و

نعمت آمده است. امّا با ضم «ن» به معنی شادی و سرور به کار رفته است.

انکال: این واژه جمع «نِکل» و از ریشه «نکول» آمـده، که در اصل به مفهوم ناتوانی است، امّا بدان دلیل که کند و زنجیر انسان را زمین گیر می کند، به معنی کند و زنجیر به کار می رود و در آیه شریفه به مفهوم کندها و زنجیرهاست.

غصه: به گلوگیر شدن لقمه ای گفته می شود که در گلو مانده، نه فرو می رود و نه باز می گردد. گفته می شود: «غصّ بریقه» فرو برد به وسیله آب دهانش. و یا «یغصّ غُصَصاً» او سخت اندوه می خورد.

با این بیان «غصه» به معنی اندوه نیز از همین باب است.

کثیب: شن ها و ریگ های متراکم و یا «تل شن».

مهیل: از ریشه «هِیْل» به معنی شن روان. در روایت آمده است که: «کیلوا و لا تهیلوا» وزن و پیمانه کنید، امّا زیر و رو نکنید.

وبیـل: از ریشه «وبـل» در اصـل به معنی باران سـنگین آمـده، و به همین تناسب به هر چیز سـنگین گفته می شود. واژه «وابل» و «وبـال» نیز از همین ریشه انـد، که واژه نخست به معنی جایی است که باران آن فراوان و دانه های بارانش درشت است، و واژه دوم نیز به معنی گناه سنگین آمده است.

تفسیر

این زورمداران اصلاح ستیز را به من واگذار

در این آیات، خـدای فرزانه روی سـخن را به پیامبرش می کند، آن گاه در نکوهش کفرگرایان و خودکامگان و در هشدار به آنان می فرماید:

وَ ذَرْنِی وَ الْمُکَذِّبِینَ أُولِی النَّعْمَهِ

هان ای محمد(ص)! مرا با دروغ شمارندگان وحی و رسالت - که دارنده ثروت و نعمت هستند -

واگذار که کیفر آنان با من است، با من.

منظور آیه، آن زورمداران دارنده ثروت و امکانات بودند که دعوت پیامبر را با زبان خشن و ظالمانه انکار می کردند و توحیدگرایی و یکتاپرستی، عبادت خالصانه برای خدا، فرارسیدن رستاخیز و درست بودن پاداش و کیفر آخرت را دروغ می شمردند و با اذیت و آزار و گفتار و رفتار ناجوانمردانه و خشونت بار فرصت های پیامبر برای دعوت و آزادی بیان را از او سلب می کردند. از این رو خدای دادگر در راه هشدار به آنان و دلجویی از پیامبر فرمود: حساب این ثروتمندان و زورمداران سرکش و قانون شکن را به من واگذار و از این جهت آسوده خاطر باش. این پیام خدا بسان این سخن است که گوینده ای در مقام تهدید دیگری بگوید: مرا با او واگذار...

وَ مَهِّلْهُمْ قَلِيلاً

و به آنان اندکی فرصت و مهلت ده تا من به حساب آنان خواهم رسید.

این جمله نیز هشدار دیگری به آن زورمداران است. آری، اندکی صبر کن، که تا رویداد «بدر» چیزی نمانده و اینان آنجا به کیفر شرارت و خشونت و ناسپاسی خود خواهند رسید.

«مقاتل» بر آن است که این هشدار به همان ثروتمندان مغرور و سرکشی است که در جنگ «بدر» سپاهیان تجاوزکار را غذا داده و هزینه جنگ و جنون خود، بر ضد پیامبر و مردم آزادی خواه را می پرداختند. شمار آنان ده نفر بود و هر ده تن از زورمدارن قریش و عناصر تیره بختی بودند که پیامبر را به باد تمسخر و ریشخند می گرفتند.(۱۲۷)

آن گاه در تکمیل هشدار می افزاید:

إِنَّ لَدَيْنا أَنْكالاً وَ جَحِيماً

بی گمان بندهای گران زنجیرهای آتشین

و آتش شعله ور دوزخ نزد ماست.

به باور «مجاهد» و «قتاده» منظور این است که: بی گمان بندهای گران زنجیر نزد ماست که در سرای آخرت از گردن آنان جدا نخواهد شد.

اما به باور پاره ای، غل ها و زنجیرهای آتشین نزد ماست...

واژه «جحیم» از نام های دوزخ است، اما از دیدگاه برخی منظور از آن، آتش برافروخته و شعله ور و بسیار سهمگین می باشد، چرا که به آتش اندک «جحیم» گفته نمی شود.

سپس می افزاید:

وَ طَعاماً ذا غُصَّهٍ وَ عَذاباً أَلِیماً

و نیز غذا و عذابی گلوگیر و دردناک برای آنان نزد ماست.

به باور «ابن عباس» منظور عذابی است آکنده از خار که در گلوی خورنده گیر می کند و دیگر نه فرو می رود و نه باز می گردد تا او را با شکنجه و آزار بکشد.

اما به باور برخی دیگر منظور عذابی است سخت و درشت که گلو را می گیرد و مسدود می سازد.از دیدگاه پاره ای منظور «زقوم»(۱۲۸) و «ضریع»(۱۲۹) دوزخ می باشد که اولی به معنی گیاه بدبو و تلخ و کشنده است، و دیگری به مفهوم غذایی از خارهای مرگبار.

در روایت آمده است که روزی تلاوت کننده ای این آیه را تلاوت می کرد که پیامبر گرامی شنید و با شنیدن آن صیحه ای زد و نقش بر زمین گردید و از هوش رفت. ان النّبی(ص) سمع قارئا یقرأ هذه فصعق.(۱۳۰)

در ادامه آیات در اشاره به هنگامه فرا رسیدن این عذاب مرگبار به ظالمان و زورمداران می فرماید:

یَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ الْجِبالُ این عذاب دردناک و خفت آور روزی خواهد بود که زمین و کوه ها سخت به لرزه در می آیند و ساکنان خود را دستخوش دلهره

و هراس می سازند.

وَ کانَتِ الْجِبالُ کَثِیباً مَهِیلاً

و کوه ها پس از آن استواری و شدت فرو می پاشند و بسان ریگ روان، پراکنده می شوند.

«ضحاک» می گوید: واژه «مهیل» به مفهوم ریگ نرمی است که وقتی پابر آن نهاده شود از زیر پا می گریزد، و آن گاه که زیر آن را بگیری از بالا می ریزد و پخش می شود. با این بیان منظور آیه این است که: و کوه ها پس از آن سختی و استواری از ریشه کنده شده و فرومی پاشند و از شدت لرزش بسان ریگ روان، پراکنده می شوند.

از سرنوشت سیاه فرعون عبرت گیرید

در آیه بعد خدای فرزانه هشدار خود به سردمداران قریش و مردم مکّه را مورد تأکید قرار می دهد و می فرماید:

إِنَّا أَرْسَلْنا إِلَیْکُمْ رَسُولاً شاهِداً عَلَیْکُمْ ما پیامبری به سوی شما فرستادیم تا گواه بر عملکرد شما باشد و در سرای آخرت گواهی دهد.

کَما أَرْسَلْنا إِلی فِرْعَوْنَ رَسُولاً

درست همان گونه که به سوی فرعون، پیامبر بزرگی چون موسی را فرستادیم.

آن گاه می افزاید:

فَعَصی فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ اما فرعون در برابر آن پیامبر آزادی خواه و اصلاح طلب به نافرمانی و عصیان برخاست و دعوت توحیدی او را انکار کرد...

فَأَخَذْناهُ أَخْذاً وَبِیلاً

و ما نیز به کیفر بیداد و طغیانش گریبان او را سخت گرفتیم و با همه قدرت و امکانات و سپاه و لشکرش او را به امواج خوشان آب سپردیم و غرق کردیم.

سپس در هشدار به زورمداران خودکامه از گرفتار آمدن به عذابی دردناک، بسان عذابی که سراغ فرعون رفت می فرماید:

فَکَیْفَ تَتَّقُونَ إِنْ کَفَرْتُمْ یَوْماً یَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِیباً

اگر کفر بورزید

و در آن پافشاری کنید، روزی که سختی آن کودکان را پیر می کند، چگونه می توانید خویشتن را از عذاب دردناک آن روز دور دارید؟

واژه «شیب» بسان «سیب» جمع «اشیب»به معنی پیر است. این واژه در وصف روز رستاخیز و شدت گرفتاری و سختی آن آمده، همان گونه در فرهنگ عرب گفته می شود: «هذا امر یشیب منه الولید و تشیب منه النواصی» این کاری است سخت و مرگبار که کودک نورسیده را پیر و موی سر را سفید می کند.

با این بیان معنی آیه مورد نظر این می شود که: اگر شما کفر و بیداد پیشه سازید، آن گاه از عذاب مرگبار روزی که کودکان را پیر و موهای مشکی را سپید می کند به کجا پناه می برید و چگونه از خود دفاع می کنید؟

شاعر عرب، «نابغه» نیز در سروده خویش واژه «اتقیتنا» را به معنی «دفعتنا» به کار برده است که می گوید:

سقط النصیف و لم ترد اسقاطه فتناولته و اتقیتنا بالید

حجاب و پوشش او افتاد و چهره اش پدیدار گردید، آن گاه آن را با دست خود از ما پوشید و حفظ کرد.

در آیه بعد در وصف بیشتر آن روز سهمگین می افزاید:

السَّماءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ آسمان از سختی و هراس انگیزی آن روز می شکافد...

ضمیر در «به» به «الیوم» برمی گردد، و بسان این است که گفته می شود: «فلان بالکوفه» که در حقیقت این است که: او در کوفه است. با این بیان منظور این است که: آسمان آن روز می شکافد و از هم فرومی پاشد.

امّا به باور پاره ای منظور این است که: آسمان از شدت هراس انگیزی آن روز می شکافد.

و پاره ای نیز برآنند

که: آسمان آن روز به فرمان خدا شکافته می شود.

واژه «منفطر» مـذکر آمـده و نـه مؤنث؛ چرا کـه واژه «سـماء» مـذکر اسـت، بـه همیـن دلیـل، هـم می تـوان «منفطر» آورد و هم «منفطره».

كانَ وَعْدُهُ مَفْعُولاً

و وعده خدا انجام شدنی است و هرگز در آن تخلف و یا تبدیل و تغییری نخواهد بود.

در آخرین آیه مورد بحث هشدار می دهد که:

إِنَّ هذِهِ تَذْكِرَةٌ

بی گمان آنچه آمد برای صاحبان خرد و انصاف پند و اندرزی رسا و گویاست.

فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلاً

پس هر کسی در اندیشه راهیابی به سوی سعادت و رستگاری است، باید راهی به سوی پروردگار خویش برگزیند.

این کـار با فرمانبرداری از خـدا و رعایت مقررات او و دوری جسـتن از گناه ممکن است؛ درست به همین دلیل قرآن از سویی به اطاعت خـدا و انجام کارهای شایسـته برای رسـیدن به پاداش فرا می خواند، و از دگر سو به دوری از گناه تشویق می نماید. ۲۰ - بی گمان پروردگارت می دانـد که تو کمتر از دو سوم شب و [یا]نیمی از آن و [یا] یک سوم آن را [به نماز و نیایش بر می خیزی، و گروهی از آنان که با تو هستند [نیز این گونه اند]؛ و خداست که شب و روز را اندازه گیری می کند. او می داند که شـما هرگز نمی توانیـد این [هـا] را به حسـاب آوریـد، از این رو بر شـما ببخشود، اینـک آنچه ممکن است قرآن را تلاوت کنیـد. او می دانـد که برخی از شـما بیمار خواهنـد شد، و گروهی دیگر سـفر می کنند [و] از فزون بخشـی خدا [رزق و روزی خود را]می جویند و گروهی دیگر در

راه خـدا پیکـار می نماینـد؛ پس هر چه ممکن است از آن تلاوت کنیـد و نماز را به پا داریـد و زکات [و حقوق مالی خود] را بپردازیـد و به خدا وامی نیکو دهید؛ و [بدانیدکه هر کار خوبی برای خود از پیش فرستید، آن را بهتر و با پاداشـی پر شـکوه تر نزد خدا خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بخواهید؛ بی تردید خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

تفسیر

روح تساهل و تسامح در عبادت خدا

در این آیه که پایان بخش این سوره مبارکه است خدای فرزانه روی سخن را به پیامبرش می کند و می فرماید:

إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ أَنَّکَ تَقُومُ أَدْنی مِنْ ثُلُثَیِ اللَّیْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ هـان ای پیـامبر! بی گمان پروردگارت می دانـد که تو دو سوم از شب، یا نیمی از آن، و یا یک سوم از آن را برای عبادت شبانه و نماز و نیایش برمی خیزی.

وَ طائِفَهٌ مِنَ الَّذِینَ مَعَکَ و نیز گروهی از کسانی که به تو و قرآن تو ایمان آورده اند در این راه با تو همراه و همگامند.

به بـاور مـا ضـمیر«ها» در واژه «نصـفه»و «ثلثه»، به واژه «لیل» برمی گردد و منظور این است که: هان ای پیامبر! پروردگارت می دانـد که تو پـاره ای از شب هـا به انـدازه دو سوم از آن، و برخی از شب هـا را به انـدازه نیمی از آن، و برخی شب ها را نیز به اندازه یک سوم شب را به عبادت خدا برمی خیزی.

امـا به باور پاره ای دو ضـمیر مورد بحث به واژه «ثلثی» برمی گردد که در آن صورت منظور این است که: تو کمتر از دو سوم شب، و یا

نیمی از آن دو سوم، و یک سوم از آن دو سوم را به عبادت و نماز برمی خیزی. «حاکم حسکانی» با اسناد خویش از «ابن عباس» آورده است که: منظور از «و طائفه من الّذین معک»(۱۳۱) علی(ع) و ابوذر می باشد.

وَ اللَّهُ یُقَدِّرُ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ

و خدای یکتاست که شب و روز را اندازه گیری می کند و از ساعت ها و لحظه های آن آگاه است تا شما بدانید که در آن ساعت ها به انجام چه کاری فرمان یافته اید.

به باور «عطاء» منظور این است که: آنچه شما انجام دهید از نظر ذات آگاه او فراموش و یا فوت نمی گردد و او، هم ساعت ها و لحظه های شب را می داند و هم آن مقدار از شب را که شما برای نماز به پا خاسته اید.

عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ او می داند که شما هرگز نمی توانید این فرصت ها و ساعت ها را هماره و به صورت مداوم به حساب آورید و بشمارید.

«مقاتل» آورده است که: برخی از مسلمانان از ترس اشتباه محاسبه و آن گاه کوتاهی در انجام فرمان خدا تمام ساعت های شب را به نماز و تلاوت قرآن می پرداختند، به همین جهت خدا می فرماید: او می داند که شما هرگز نمی توانید این ساعت ها را بشمارید و ضبط کنید.

«حسن» می گوید: پاره ای در این رابطه، کار احتیاط را به جایی رساندند که گاه همه ساعت های شب را به عبادت بیدار می ماندند، به گونه ای که پاهایشان ورم کرد و پیام آمد که: او، می داند که شما نمی توانید ساعت های عبادت و شب زنده داری را به حساب آورید.

امّا به باور «جبایی» منظور این است که: شما هرگز توان ادامه نماز و نیایش شبانه

را ندارید و سرانجام در آن کوتاهی خواهید کرد.

فَتابَ عَلَيْكُمْ از این رو بر شما بخشود و با مهر و لطف خویش آن برنامه شبانه واجب را که برایتان مشکل بود به عنوان برنامه ای مستحب قرار داد تا هر کسی خواست نماز شب بخواند، و اگر کسی موفق نشد گناهی بر او نباشد.

به باور برخی منظور این است که: از این پس با مهر و لطف خدا نخواندن نماز شب، به عنوان ترک واجب و گناه به حساب نوشته نمی شود؛ درست بسان توبه کار واقعی، که کیفر و عذابی برای او نخواهد بود.

امّا بیشتر مفسران برآن هستند که منظور از این جمله آن است که: پس خدا به شما تخفیف داد و وجوب نماز شب را برداشت و کار را بر شما آسان گرفت.

فَاقْرَؤُا ما تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ اینک آن اندازه ای که برای شما ممکن است از آیات قرآن، در نماز شب خود تلاوت کنید.

به باور مفسران پیشین فرمان «قیام» برای عبادت شبانه در آغاز این سوره، فرمان به خواندن نماز است؛ امّا «ابومسلم» بر آن است که آنجا هم منظور قیام برای تلاوت قرآن است نه فقط نماز.

از دیدگاه برخی منظور از «فاقرؤا ما تیسر من القرآن» این است که: تا آن جایی که برایتان مشکل نیست نماز بخوانید، و تعبیر به قرآن و قرائت قرآن بدان دلیل است که در نماز، قرائت قرآن مهم هست.

اگر دیدگاه «ابومسلم» پذیرفته شود و منظور این باشد که هر چه برایتان ممکن است قرآن را تلاوت کنید، اینک آیا تلاوت قرآن واجب است یا مستحب؟

از دیدگاه بیشتر مفسران

واجب نیست، چرا که اگر تلاوت قرآن واجب باشد، باید حفظ آن هم واجب شود، و این با روح تخفیف و تساهل و تسامح در عبادت و در دین ناسازگار است.

اما به باور برخی، این دستور به قرائت قرآن به جای نماز شب، گر چه تلاوت چند آیه هم باشد واجب است و این وجوب تلاوت، باعث وجوب حفظ قرآن هم نمی گردد؛ چرا که انسان می تواند بر آیاتی چند از اعجاز قرآن و دلایل توحید و یکتایی خدا و صفات او، و نیز لزوم بعثت پیامبران و هدف های آن بسنده نماید، و این آیات را بخواند و لازم نیست همه قرآن را حفظ کند؛ چرا که حفظ قرآن از کارهای پسندیده ای است که بسیار مورد ترغیب و تشویق است، امّا واجب نیست که انسان در غیر نماز قرآن را از حفظ تلاوت کند.

در این مورد که منظور از جمله «فاقرؤا ما تیسر من القرآن» چیست؟ و در انجام آن، تلاوت چند آیه کافی است؟ دیدگاه ها متفاوت است:

از دیدگاه «سعید بن جبیر» اگر پنجاه آیه تلاوت شود کافی است، امّا از دیدگاه «ابن عباس» باید یکصد آیه تلاوت گردد.

امّا به باور «حسن» اگر کسی هر شب صد آیه از قرآن را تلاوت کند، قرآن شریف با او محّاجه نخواهد کرد.

امّا به باور «کعب» هر کسی هر شب صد آیه از آن را تلاوت کند در شمار عبادت کنندگان خواهد بود.

«سدی» می گوید منظور تلاوت دویست آیه است، اما «جویبر» تلاوت یک سوم را پیشنهاد می کند، و بر این باور است که خدا تلاوت قرآن را بر بندگانش آسان ساخته است.

به باور

ما از آن جایی که هیچ یک از این دیدگاه ها دلیلی ندارد، از ظاهر آیه این واقعیت دریافت می گردد که؛ هر شمار از آیات و هر چه دوست داشتید بخوانید، و این همان روح تساهل و تسامح است که در کالبد دین جاری است، و هر افراط و تفریط و تندی و سختی و فشار و اکراه و اجبار و تحمیل را مردود می شمارد.

آن گاه در اشاره به دلیل های دیگر این آسان گیری و تخفیف می فرماید:

عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضى خدای فرزانه می داند که پاره ای از شما بیمار می گردند، و همین مورد از مقتضیات تخفیف است.

وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ و گروهی دیگر از شما مردم به سفر می روند تا از فضل و رحمت خدا بجویند و هزینه زندگی خویش را با کار و تلاش و تجارت و کوشش به دست آورند.

وَ آخَرُونَ يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ و گروهی دیگر در راه خدا به پیکار با دشمنان تجاوزکار می روند.

فَاقْرَؤُا ما تَيَسَّرَ مِنْهُ اینک که چنین است آن اندازه که می توانید و دوست دارید قرآن را در شب ها تلاوت کنید.

از امام رضا(ع) آورده اند که به نقل از نیای گرانقدرش فرمود:

ما تیسر منه لکم فیه خشوع القلب و صفاء السّر(۱۳۲)

آن مقدار از قرآن و آیات آن را در شب بخوانید که در آن خشوع قلب و صفای باطن و نشاط روحی و شادابی معنوی در خود احساس می کنید.

وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ

و نماز را به پا دارید و آن گونه که خدا مقرر فرموده است، آن را با شرایط و آداب و

رعایت واجبات و ارکان آن بخوانید.

وَ آتُوا الزَّکاهَ

و زکات و حقوق مالی خود را بپردازید.

وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً

و با رسیدگی به محرومان و آسیب پذیران و درماندگان جامعه به خدا وامی نیکو دهید.

وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُمْ مِنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَیْراً وَ أَعْظَمَ أَجْراً

و به هوش باشید که آنچه از کارهای شایسته انجام می دهید و از پیش می فرستید، آن را بهتر و با پاداشی پرشکوه تر نزد خدا خواهید یافت.

وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ و از بارگاه خدا آمرزش وبخشایش بطلبید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

آری، او گناهان را می پوشاند و آبروی بندگانش را نمی ریزد، و به آنان نعمت ها ارزانی می دارد.

از «عبداللّه ابن مسعود» آورده اند که در تفسیر آیه مورد بحث می گفت:

ایّما رجل جلب شیئاً الی مدینه من مدائن المسلمین، صابراً محتسباً، فباعه بسعر یومه کان عنداللّه بمنزله الشهداء، ثم قرأ «و آخرون یضربون فی الارض...».

هر کسی کالا-یی را به یکی از شهرهای مسلمانان وارد کند و این کار را برای خشنودی خدا و در جهت پیشرفت و یاری بندگان او انجام دهد، آن گاه آن کالا را با قیمت عادلانه ای بفروشد، چنین کسی در بارگاه خدا بسان شهیدان راستین راه خداست، و آن گاه به تلاوت آیه می پرداخت...

و «عبداللّه بن عمر» می گوید: مرگی پس از شهادت در راه خدا نزد من دوست داشتنی تر نیست که در راه کار و تلاش و در جستجوی فضل و رحمت خدا و رنج و دشواری سفری که در این راه باشد بمیرم.

به باور پاره ای آخرین آیه این سوره در

مدینه بر قلب مصفای پیامبر فرود آمده است، چرا که در آن از نماز و پرداخت حقوق مالی و موضوع رسیدگی به محرومان و دادن وام نیکو به خدا بحث شده؛ امّا به باور برخی دیگر این آیه در مکّه نازل شده چرا که نماز و زکات در مکّه واجب شد.

تفسیر اطیب البیان

سوره مزمل ، غرض سوره :امر کردن رسولخدا ص به نماز شب و تهجد برای آنکه آماده دریافت و تلقی وحی گردد و نیز امر به صبر در برابر گفتار منکران و ذکر وعده و وعید.

(۱) (یا ایها المزمل):(ای جامه به خود پیچیده)

(۲) (قم اللیل الا قلیلا):(پاره ای از شب به جز اندکی از آن را برخیز)

(۳) (نصفه او انقص منه قلیلا):(یا نصف آن را و یا کمی کمتر از نصف)

(۴)(اوزدعلیه ورتل القران ترتیلا):(ویااندکی برنصف بیافزا،وقرآن راشمرده بخوان)

(۵) (انا سنلقی علیک قولا ثقیلا):(همانامابزودی کلامی سنگین رابرتونازل می کنیم)

(۶) (ان ناشئه اللیل هی اشد وطا و اقوم قیلا):(بدرستی که بهترین راه برای صفای نفس و حضور قلب ، سخن گفتن شب است که خدا آن را پدید آورده)

(۷) (ان لک فی النهار سبحا طویلا):(همانا تو در روز مشاغل بسیار داری)ظاهرا رسولخدا ص در ساعت نزول این آیه جامه ای را برای خواب یا غیر آن به خودپیچیده بود واین خطاب جنبه تحسین و یا توبیخ ندارد، ممکن است آنجناب به جهت دعوتش مورد آزار و استهزاء واقع شده و دچار غم و اندوه گشته و جامه ای به خودپیچیده تا اندکی استراحت کند، آنوقت به او خطاب شده : ای جامه به خود پیچیده برخیزو نماز شب بخوان

و بوسیله نماز از اطمینان نفس و صبر برخوردار شو و در مقابل آزار واستهزاء آنها و سخنان باطلشان صبر کن ، در ادامه ، امر به نماز شب ، یعنی قیام در شب برای نماز، می نماید و آنجناب را بین قیام در نیمی از شب یا کمی کمتر و یا کمی بیشتر ازآن مخیر می نمایـد و نیز امر به تلاوت آرام و شـمرده شـمرده قرآن می کنـد،چون ترتیل یعنی اینکه قرآن به گونه ای تلاوت شود که حروف آن جداجدا و شمرده به گوش برسد،و ظاهرا مراد از تلاوت قرآن در اینجا خود نماز است ،آنگاه می فرماید، و این تشریع نماز شب به جهت آنست که آماده شوی تا گفتاری سنگین و وزین را دریافت کنی ،چون مابزودی می خواهیم قرآن عظیم را که گفتاری وزین است بر تو نازل کنیم .یعنی کلام الهی را جز یک نفس مطهر نمی تواند دریافت کند و قرآن کتاب عظیمیست که دارای ظاهر و باطن و تنزیل و تأویل است و شامل حقیقت توحیـد و سایراصول عقاید می باشد و امر به دعوت و اظهار اسلام بر همه ادیان می نمایـد و قرآن به دواعتبار ثقیل است ، هم از حیث فهم معنایش ،(تا آنجا که نقل شده پیامبر ص بارهـا هنگـام نزول وحی دچـار بیهوشـی می گردیـد) و هم از حیث تحقـق بخشـیدن به حقـایق معـارفش ،ونیز از جهت دعوت جهانی و فراگیر آن ، و شاهد بر این ثقل ، آزارها و اذیتهایی است که پیامبر در راه تحقیق اسلام ، متحمل گشت و این قرآن بر امت نیز ثقیل است ،

هم از جهت تحقق دادن به حقایق قرآن در نفس ، هم از جهت پیروی از اوامر و نواهی الهی و رعایت حدود آنها.در ادامه می فرماید: علت اینکه ما شب را به جهت ادای نماز انتخاب کردیم ، این است که حادثه شب شدیدترین قدم نهادن است ، یعنی نماز شب بیش از هر عمل دیگر درصفای نفس انسان مؤثر است و او را ثابت قدم تر می سازد و بهتر از هر چیز نفس آدمی رااز اینکه به وسیله شواغل روز، دچار کدورت شود حفظ می کند و علت اینکه این نماز رادر روز قرار ندادیم این است که تو در روز سبح (دویدن و تند رفتن در آب) و اشتغال بسیاری داری ، یعنی در روز مشاغل بسیاری داری که همه وقت تو را فرا گرفته و فراغتی برایت نمی ماند که با توجه تام متوجه درگاه پروردگارت باشی و از هر چیزی منقطع گردی ، پس بر تو واجب است که از فرصت شب و فراغت و خلوت آن استفاده کنی و درآن به نماز بپردازی .

(۸) (و اذکراسم ربک و تبتل الیه تبتیلا):(و نام پروردگارت را ذکر کن و دست حاجت خود را به سویش دراز کن)

(۹) (رب المشرق و المغرب لااله الا هو فاتخذه وکیلا):(همان پروردگار مشرقها ومغربهای عالم که بجز او معبودی نیست ، پس او را وکیل خود بگیر)

(۱۰) (و اصبر علی ما یقولون و اهجرهم هجرا جمیلا):(و در برابر گفته های آنهاصبر کن و چنانچه قهر نمودی ، قهری ملایم و خوشایند و سازنده بنما)مراد از (ذکر اسم رب)ذکر زبانی و رعایت مطابقت

آن با قلب است و (تبتل)به معنای تضرع و زاری زبانی و یا انقطاع و بریدن از خلق و توجه به خداست ، در ظاهر،آیه شریفه درصدد توصیف نماز شب است و به پیامبر امر می نماید که در هنگام نمازاسمی از اسماء الهی یا لفظ جلاله الله و یا بسم الله را ذکر کن و در آن مداومت نما ونفس خود را با تضرع و زاری متوجه خداوند نما و یا از غیر او منقطع گشته و فقط متوجه پروردگارت باش ،(اما مطابق روایات وارده از اهل بیت (تبتل)به معنای تضرع و زاری است) و این التفاتی که در این آیه از غیبت (در آیه قبلی) به خطاب بکار رفته است به جهت تذکر دادن رابطه عبودیت و برانگیختن ذلت بندگی با ذکر صفت ربوبیت پروردگار می باشد.آنگاه به توصیف (ربک)پرداخته و می فرماید: او پروردگار مشارق و مغارب و رب همه عالم است ، نه اینکه فقط رب تو باشد و هیچ معبودی هم جز او نیست ، چون الوهیت فرع ربوبیت است ، حال که تنها رب همه عوالم الله است ، پس تنها معبود هم اوست ، لذا تو فقط او را در همه امورت وکیل بگیر و تمام کارهای خود را به خدا واگذارکن ،(وکیل گرفتن به معنای آنست که انسان دیگری را در جای خودش بنشاند) به گونه ای نه برای خود ونه غیر خود و نه هیچ یک از اسباب ظاهری استقلالی در تأثیر قائل نباشد و اینچنین توکلی مستلزم آنست که فرد در وظایف عملی و در عبادات و معاملات نیزاراده خود

راتابع اراده تشریعی خدا کند و فقط طبق اراده او ومطابق قوانین اوعمل کند.آنوقت در ادامه خطاب می فرماید: لازمه وکیل گرفتن خدا این است که بر آنچه این کفار و مشرکین می گویند و با آن تو را اذیت و استهزاء می نمایند، صبر کنی و با آنها به خوبی قهر کنی ، یعنی با آنان به حسن خلق رفتار کرده و با خیرخواهی آنها را به سوی حق دعوت نمایی و گفته های آنها را با مقابله به مثل جبران ننمایی .

(۱۱) (و ذرنی و المکذبین اولی النعمه و مهلهم قلیلا):(و اما مکذبان صاحب نعمت ، امرشان را به من واگذار کن و اندکی به آنها مهلت بده)

(۱۲)(ان لدیناانکالاوحجیما):(همانانزدماانواع شکنجه هاودرآخرعذاب دوزخ هست)

(۱۳) (و طعاما ذا غصه و عذابا الیما):(طعامی گلوگیر و عذابی دردناک)

(۱۴) (یوم ترجف الارض و الجبال و کانت الجبال کثیبا مهیلا):(در آن روزی که زمین و کوهها به لرزه در می آیند و کوهها چون تلی از ماسه می شوند)می فرماید: امر تکذیب گران سردمدار کفر را که به دلیل دارا بودن نعمت دچار کفران شده اند به من واگذار کن و بگذار تا من از آنها انتقام بگیرم و آنها را مجازات کنم و تو به آنها در این مدت اندک زندگی دنیایی مهلت بده تا وقتی که مرگشان فرا برسد و من خودآنها را مجازات کنم ، همانا در نزد ما انواع قیود و آتش زبانه کشیده جهنم و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک و شدید هست که بوسیله آنها ایشان را مجازات می کنیم و این عذابهای اخروی به جهت کفرانیست که در دنیا

نسبت به نعمات ما کردند.و این عذابها در روز قیامت به ایشان می رسد، روزیکه زمین و کوهها به لرزه می افتندو کوهها مانند تلی از ماسه از بالا فرو می ریزند.

(۱۵) (انا ارسلنا الیکم رسولا شاهدا علیکم کما ارسلنا الی فرعون رسولا):(بدرستی که ما به سوی شما رسولی شاهد گسیل داشتیم ، همانطور که به سوی فرعون هم رسولی فرستادیم)

(۱۶) (فعصی فرعون الرسول فاخذناه اخذا وبیلا):(ولی فرعون از اطاعت اوسرپیچی کرد، پس او را به عذابی سخت گرفتیم)

(۱۷) (فکیف تتقون ان کفرتم یوما یجعل الولدان شیبا):(شما اگر کفر بورزید،چگونه می توانید از عذاب قیامت خود راکنار بکشید،در روزی که کودکان راپیر می کند)

(۱۸) (السماء منفطر به کان وعده مفعولا):(و آسمان به وسیله تحول آن روزشکافته می شود و وعده خدا محقق است)

(۱۹) (ان هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا):(و این تذکر است ، پس هر کس که می خواهد می تواند راهی بسوی پروردگارش اتخاذ کند)در این آیات مکذبان قوم رسولخدا را از سرنوشتی مانند فرعون و نیز از عذاب قیامت بیم می دهد تا پند بگیرند و دست از عناد و تکذیب بردارند.سپس در مقام تصدیق رسالت پیامبر ص خود می فرماید: بدرستی که ما رسولی رابسوی شما فرستادیم که شاهد بر اعمال شماست که هر چه امروز در دنیا انجام دهیدمی بیند و نظارت می کند و فردا در آخرت شهادت می دهد، پس از نافرمانی و تکذیب اواجتناب کنید، چون همانطور که او رسول شماست ، ما بسوی فرعون نیز رسولی (حضرت موسی ع) را فرستادیم ، اما او از رسول ما نافرمانی کرد و

دعوتش را تکـذیب نمود،درنتیجه مـا او را بـا عـذابی شدیـد و سـنگین مؤاخـذه کردیم ، حـال که فرعون با آن عظمت ظاهری نتوانست خود را از عـذاب خـدا حفـظ کنـد، شـما چگونه می توانیـد خود را ازعـذاب روزی که جوانان را پیر می کنـد، حفظ کنیـد؟€ و این کلام کنایه از شـدت عـذاب وعظمت و هیبت اهوال قیامت است .در ادامه در توصـیف قیامت وشـدت آن می فرماید: آسـمان به سـبب شدت آن واقعه قیامت شکافته می شود و این امر یک وعده قطعی و حتمی الهی است که حتما محقق خواهـد شـد و این تهدیـدهای کوبنـده و این آیات تـذکر و موعظه ای است برای همه افراد،و بایـد از شـنیدن آن متنبه شـده و اعمال خود را اصـلاح کنند، پس هر کس که می خواهدراهی بسوی پروردگارش اتخاذ کند می تواند این کار را بوسـیله نماز شب انجام دهد،چون نماز شب راه مخصوصی است که بنده را بسوی پروردگارش هدایت می کند.

(۲۰) (ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نصـفه و ثلثه و طائفه من الـذین معک و الله یقـدر اللیل و النهار علم ان لن تحصوه فتاب علیکم فاقرؤا ماتیسر من القران علم ان سـیکون منکم مرضـی و اخرون یضربون فی الارض یبتغون من فضل الله و اخرون یقاتلون فی سبیل الله فاقرؤا ما تیسر منه و اقیموا الصلوه واتوا الزکوه و اقرضوا الله قرضا حسنا وما تقدموا لانفسکم من خیر تجـدوه عندالله هو خیرا و اعظم اجرا و اسـتغفروا الله ان الله غفور رحیم): (پروردگار تو می داند که تو و گروهی از مؤمنینی که با تو هستند نزدیک

دو سوم از شب و گاهی نصف آن و گاهی ثلث آن را زنده می دارید و خدا که تقدیر کننده شب و روز است می داند تشخیص دوثلث و نصف و ثلث در فصول مختلف برای شما میسر نیست ، به همین جهت بر شمابخشود، از این پس هر مقدار که برایتان میسر است از قرآن بخوانید و نیز می داند که برای شمابیماری پیش می آید، عده ای به سفر می روند تا از رزق خدا کسب کنند وبعضی دیگر در راه خدا جنگ می کنند، پس هر مقدار که می توانید از قرآن بخوانید و نماز رابپا دارید و زکات بدهید و به خدا وام دهید، وامی نیکو، و بدانید آنچه از کارهای خیرمی کنید و از پیش برای خود می فرستید آن را در نزد خدا می یابید، البته بهتر از آن و بااجری عظیم تر و از خدا طلب آمرزش کنید، همانا خدا آمرزنده و رحیم است)در اخبار وارد شده که پس از دستور نماز شب ، پیامبر ص و بعضی یاران و مؤمنان اطراف او، تا هشت ماه یا یک سال و یا ده سال ، هر شب نزدیک دو سوم و یا نصف و یاثلث شب را به نماز و عبادت مشغول بودند، سپس این آیه شریفه که احتمالا در مدینه نازل شده ، برای تخفیف دستور اول سوره نازل شد، لازمه این تخفیف توسعه یافتن تکلیف برای عموم مکلفین و برخوردار شدن همه مؤمنان از نعمت شب زنده داریست تاهر کس به مقدار وسعش به آن بپردازد.به هر حال با خطابی مشفقانه و شاکرانه ،(چون خداوند

نسبت به سعی بندگانش شکوراست)، می فرمایـد: ای محمد پروردگار تو که به امر تو توجه و اعتناء دارد می داند که تو و بعضـی از مؤمنین همراهت (در امر ایمان)نزدیک دو سوم از شب و گاهی نیمی از آن و گاهی ثلث آن را به نماز می ایستید و چگونه او ندانـد، بـا اینکـه اوست که خلقت و تقـدیرروز و شب بـدست اوست ، و او مقـدار شب و روز را در فصـول مختلف تقـدیر وانـدازه گیری می نماید و می داند که همه شـما نمی توانید یک سوم یا نصف و یا دو سوم ازشـبهای سال را در فصول مختلف اندازه گیری بکنید، به همین جهت با رحمت فراگیرش به جانب شـما رجوع کرد و تکلیف شـما را تخفیف داد، لذا از قرآن هر چـه برایتـان ممکـن می شـود بخوانیـد و ایـن همـان تخفیـف در وظیفه شب زنـده داری برای عمـوم است .در ادامه به مصـلحت دیگری که بـاعث تخفیف در امر به نماز شب شـده اشاره می کنـدو می فرمایـد: علاوه بر دشواری این انـدازه گیری دقیـق برای عمـوم مکلفـان ، دشواری آن برای افراد بیمـار و مسـافرانی که به قصـد تجـارت به نواحی مختلف می رونـد و برای رزمنـدگان در راه خدا، بیشتر است ، پس این عده هم در آن شـرایط هر قدر که می توانند وبرایشان میسـر است قرآن بخوانند، یعنی به قـدری که می تواننـد شب زنـده داری کننـد.در ادامه می فرمایـد: نماز واجب را بپا داریـد و زکات واجب را پرداخت کنید و درراه خدا انفاق کنید و به او وامی نیکو بدهید و بدانید

که هر عمل خیر و طاعتی که انجام می دهید و برای خود پیش می فرستید، چه واجب و چه مستحب ، آن را نزد خدا خواهیدیافت ، و در روز جزا آن را بهتر از همه کارهای نیک که می کردید و یا بهتر از هر چیزی که در دنیا باقی می گذارید و پر اجرتر خواهید یافت .پس از خدا طلب آمرزش و رحمت کنید، چون او آمرزنده و مهربان است ، و درنتیجه مغفرت ، درهای نعمات آسمانی و زمینی را به روی شما می گشاید و بعید نیست مراد از(استغفار)در اینجا انجام مطلق طاعات و عبادات باشد، چون طاعات وسائلی هستند که بوسیله آنها مغفرت خدا شامل حال انسان می شوند.

تفسیر نور

«مُزَّمّل» به معنای پیچیدن جامه و پارچه به دور خویشتن است. بعضی مراد از آن را جامه نبوّت دانسته و بعضی گفته اند: مراد آن است که رسالت با گوشه گیری و عزلت و انزوا سازگار نیست. بعضی گفته اند: مراد آن است که رسالت با استراحت سازگار نیست و باید قیام کنی.

«ترتیل» به معنای آهسته و درست و بدون شتاب خواندن قرآن است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: کلمات قرآن را به طور کامل آشکار کن و آن را مثل شعر نخوان و جداجدا و پراکنده نکن. با تلاوت آن دل های خود را به فزع وادارید و هدفتان رسیدن به آخر سوره نباشد.<۵۰۷>

امام صادق علیه السلام فرمود: ترتیل آن است که در تلاوت قرآن هرگاه به آیات بهشت رسیدید از خداوند بهشت بخواهید و هرگاه به آیات دوزخ رسیدید، به خداوند پناه ببرید. و در روایتی دیگر فرمود: ترتیل آن است که قرآن با صوتی

زیبا خوانده شود.<۵۰۸>

به گفته مرحوم طیّب در تفسیر اطیب البیان، مراد از «قول ثقیل» اعلام خلافت و امامت حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام است که بر آن حضرت سخت بود و مراد از آن قرآن نیست، زیرا می فرماید: قرآن بخوان تا در آینده قول ثقیل را دریافت کنی. پس قرآن قبل از قول ثقیل

وده است.

قرآن، کلامی سنگین است به گونه ای که اگر بر کوه نازل شود، آن را قطعه قطعه می کند. <<لو انزلنا هذا القرآن علی جبلٍ لرأیته خاشعاً متصدّعاً من خشیه اللّه>><۵۰۹> دریافت وحی و پیاده کردن قرآن در جامعه نیز کاری بس سنگین است. <<انّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً

با این که حضرت موسی علیه السلام مدت چهل شبانه روز برای مناجات با خداوند در کوه طور به سر برد، ولی خداوند، تنها از شب های آن نام برد: <<ثلاثین لیله>><۵۱۰> شاید به خاطر آن که شب، با مناجات تناسب بیشتری دارد.

۱- رهبر جامعه اسلامی باید از استراحت خود بکاهد. <<یاایّها المزّمّل قم الّلیل>>

۲- شب، بهترین زمان برای عبادت است. <<قم اللیل>>

۳- نماز شب مورد تأکید الهی واقع شده است. <<قم الّلیل>>

۴- عبادت شبانه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله واجب بوده است. <<قم اللیل>> (چنانکه در جایی دیگر می فرماید: <<فتهجّد به نافلهً لک>><۵۱۱>)

۵ - برای پذیرش مسئولیت های سنگین، آمادگی روحی لازم است. <<یا ایّها المزمّل قم الّلیل... انّا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً>>

۶- رهبران دینی، هم باید شبها برای عبادت خداوند قیام کنند: <<قم الّلیل...>> و هم روزها برای بیدار کردن مردم. <<قم فانذر>><۵۱۲>

۷- مقدار شب زنده داری محدودیّتی ندارد. (یک دوم، یک سوم یا دو سوم شب) (برای انجام امور عبادی، مردم را در تنگنا قرار ندهیم،

برای همه مردم و همه زمانها نمی توان یک نسخه نوشت و یک نوع دارو تجویز کرد.) <<نصفه او انقصه... او زد علیه>>

۸ - برای آن که عبادت با نشاط همراه باشد، باید بخشی از شب را استراحت کرد. <<نصفه اوانقص منه قلیلاً اوزد علیه>>

۹- خواندن نماز و قرائت قرآن در شب بهترین وسیله برای ایجاد آمادگی روحی و کسب انرژی است. <<قم اللیل الّا قلیلاً... و رتّل القرآن ترتیلاً>>

۱۰- تلاوت قرآن آدابی دارد و ترتیل، اولین ادب آن است. <<و رتّل القرآن ترتیلا>>

۱۱- تلاوتِ هر بخش از قرآن، مقدّمه ای برای بخش دیگر می شود. <<و رتّل القرآن... سنلقی علیک قولاً ثقیلاً>>

۱۲- در مدیریّت، همیشه شرائط را یکسان نپندارید، رهبر باید از ابتدا کارهای سنگین را پیش بینی کند. <<سنلقی علیک قولاً ثقیلاً>>

مراد از «ناشئه اللّیل» «برخاستن از خواب» است، چنانکه در روایتی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام می خوانیم: مراد از «ناشئه اللیل» قیام برای نماز شب است.<۵۱۳>

«وطأ» به معنای زیر پا گذاشتن و قدم نهادن بر چیزی است و در آیه به معنای قدم گذاشتن در راه عبادت است. امام صادق علیه السلام در تفسیر «اشدّ وطأ» فرمود: منظور برخاستن از رختخواب است در حالی که جز خداوند را اراده نکرده باشد. <۵۱۴>

«تبتّل» به معنای بریدن از هوای نفس و توجه کردن به خداوند است.

امام باقرعلیه السلام فرمودند: مراد از «تبتُّل» بالا بردن دست ها در هنگام تکبیر نماز است، و امام صادق علیه السلام فرمود: «تبتُّل»، حالت خضوع و خشوع به هنگام دعا در درگاه الهی است.<۵۱۵>

نماز شب در روایات

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: بهترین شما کسی است که کلامش نیکو باشد، گرسنگان را

سیر کند و به هنگامی که مردم در خوابند، نماز شب بخواند.<۵۱۶>

آن حضرت سه بار به علی بن ابیطالب فرمود: بر تو باد به نماز شب. «علیک بصلاه اللیل، علیک بصلاه اللیل، علیک بصلاه اللیل»<۵۱۷>

امام صادق علیه السلام فرمود: شرافت مؤمن به نماز شب است و در روایتی دیگر فرمود: زینت و افتخار مؤمن به خواندن نماز شب است.<۵۱۸>

شخصی به حضرت علی علیه السلام گفت: من از توفیق خواندن نماز شب محروم شده ام! امام علیه السلام فرمود: «قَیَّدتک ذنوبک» گناهانت تو را بازداشته است.<۵۱۹>

خداوند به حضرت موسی علیه السلام خطاب کرد: ای موسی، دروغ می گوید کسی که خیال می کند مرا دوست دارد ولی هنگامی که شب فرا رسد، به جای گفتگو با من، به خواب می رود.<۵۲۰>

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: دو رکعت نماز در دل شب، از دنیا و آنچه در آن است نزد من محبوب تر است.<۵۲۱>

در روایات از نماز شب به عنوان عامل زیاد شدن رزق، ادای دین، رفع همّ و غمّ و جلای چشم یاد شده است.<۵۲۲>

براساس روایات، نماز شب، سبب بخشش گناهان روز می شود.<۵۲۳>

همچنین، نماز شب، سبب سلامتی بدن و دریافت رحمت الهی شمرده شده است.<۵۲۴>

خداوند در قرآن پاداش بعضی از اعمال را بیان فرموده است ولی در مورد نماز شب می فرماید: هیچ کس نمی داند که خداوند چه چیزی برای او ذخیره کرده است: «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم...»<۵۲۵>

۱- در عبادت، عنصر زمان مؤثر است. <<ناشئه اللیل>>

۲- بعضی از فیوضات و برکات، از شب نشأت و ریشه می گیرد. <<ناشئه اللیل>>

۳- تاریکی شب، زمینه بهتری برای عبادت بی ریا و همراه با خضوع و خشوع فراهم می کند. <<ناشئه اللیل>>

۴- عبادت شبانه تأثیر ماندگارتری در

روح دارد. <<اشدّ وطأً>>

۵ - نمازشب، عامل ثبات قدم وتقویت عقیده مؤمن می شود. <<اشدّ وطاً واقوم قیلًا>>

۶- حتّی پیامبر، به یاد خدا و نیایش با او محتاج است. <<اذکر اسم ربّک و تبتّل الیه>>

۷- موفقیّت در روز، نیازمند کسب قوّت در نیایش های شبانه است. <<قم اللیّل... ان لک فی النهار سبحاً طویلا>>

۸ - ربوبیّت خداوند اقتضا دارد که همواره به یاد او باشیم. <<واذکر اسم ربّک>>

۹- دین و دنیا از هم جدا نیست. تلاش برای دنیا باید با یاد خدا همراه باشد. <<سبحاً طویلًا... تبتّل الیه تبتیلًا>>

۱۰- در دستیابی به کمالات، بالاترین درجه را مدّ نظر قرار دهید. <<تبتّل الیه تبتیلًا>>

۱۱- عبادت شبانه و ذکر روزانه، مقدّمه ای برای انقطاع کامل به سوی خداوند است. <<تبتّل الیه تبتیلًا>>

۱۲- ربوبیّت خداوند نسبت به مشرق و مغرب، دلیل یکتایی او و لزوم توکّل بر او است. <<ربّ المشرق والمغرب لا اله الاّ هو فاتّخذه وکیلًا>>

«هَجر» و «هِجران» به معنای جدا شدن از دیگری و آن کناره گیری است. خواه جدا شدن با بدن باشد یا با قلب.

«نِعمت» با کسر نون، به معنای چیزی است که خداوند به انسان داده و «نَعمت» با فتح نون، به معنای کامیابی و عیش و عشرت است.

«اَنکال» جمع «نِکل» به معنای ناتوانی است و نکول کردن یعنی عاجز شدن از پرداخت دین و انجام کار. به غُل و زنجیری که انسان را از حرکت عاجز می کند، اَنکال گفته می شود.

در روایات آمده است که درد دندان، حضرت علی علیه السلام را بی طاقت کرد، حضرت فرمود: خدایا این همه درد برای یک قطعه استخوان است پس عذاب آخرت چه خواهد بود؟ سپس این آیات را تلاوت فرمود:<۵۲۶>

<<انّ لدینا انکالاً و جحیماً و طعاماً ذا غصه و عذاباً الیماً>>

«کَثیب» به معنای تل شن و «مَهیل» به معنای شن روان است.

اعراض و کناره گیری از مخالفان، به معنای متارکه دائمی و دست برداشتن از هدف نیست، بلکه نوعی تاکتیک موقت در مراحل تبلیغ است. چنانکه در سوره نساء می خوانیم: <<فاعرض عنهم و عظهم>><۵۲۷>

تهدید در این آیه، ممکن است ناظر به شکست مشرکان در نبرد با مؤمنان باشد و یا عذاب الهی در آخرت. <<ذرنی والمکذّبین>>

۱- یاد خدا، بریدن از دیگران و توکّل بر خدا، زمینه صبر در برابر ناملایمات است. <<واذکر... و تبتّل... فاتّخذه وکیلاً واصبر>>

۲- صبر و سعه صدر، از شرائط مهم رهبری است. <<واصبر علی ما یقولون>>

۳- رهبر باید انتظار هر نوع زخم زبان و اتهامات ناروا را داشته باشد. <<واصبر علی ما یقولون>>

۴- گاهی لازم است که رهبر جامعه اسلامی افراد یا گروه هایی را بایکوت کند و از آنها کناره بگیرد. <<واهجرهم...>>

۵ - ابتدا باید صبر کرد و سپس کناره گیری نمود. صبر، مقدم بر هجر است. <<و اصبر... وَاهجر>>

۶- کسی که خداوند را به عنوان وکیل خود برگزید، به راحتی می تواند از دیگران کناره گیری کند. <<فاتّخذه وکیلاً... واهجرهم...>>

۷- کنار زدن مخالفان، باید به شکلی زیبا و در شأن رهبر جامعه اسلامی باشد. <<هجراً جمیلاً>>

۸ - کسی که خدا را وکیل گرفت، هرزه گویان را به خدا واگذار می کند. <<فاتّخده وکیلاً... واهجرهم و ذرنی والمکذّبین>>

۹- خداوند، پیامبرش را در برابر یاوه گویی های دشمن دلداری می دهد. <<ذرنی و المکذّبین>>

۱۰- آنچه انسان را به صبر وامی دارد و او را دلگرم می کند، حمایت بی دریغ الهی است. <<واصبر... ذرنی و المکذّبین>>

۱۱- معمولاً تکذیب کنندگان، از طبقه

مرفّه و خوشگذران بوده اند. <<والمكذّبين اولى النَّعمه>>

۱۲- اگر شما قادر به مقابله با صاحبان ثروت و قدرت نبودید، نگران نباشید، زیرا خداوند قادر به مقابله با آنان است. <<ذرنى والمكذّبين اولى النعمه>>

۱۳- مهلت دادن به مخالفان، سنّت الهی است. <<مهّلهم>>

۱۴- دوره تکذیب حق و خوشگذرانی، مدّت زیادی طول نمی کشد و فرصت آنان در دنیا اندک است. <<مهّلهم قليلاً>>

۱۵- اگر خداوند به کافران خوشگذران مهلت می دهد، نشانه رضایت او نیست بلکه مهلتی است تا قیامت فرا رسد. <<مهلهم... انّ لدنيا انكالاً و جحيماً>>

۱۶- کافران به کامیابی های زودگذر مغرور نشوند زیرا که غل و زنجیر و آتش برافروخته و غذایی گلوگیر در پی دارد. <<اولى النّعمه... انكالاً و جحيماً... ذاغصّه>>

۱۷- غذای لذیذ، امّا حرام دنیا، طعام گلوگیر آخرت را به دنبال دارد. <<طعاماً ذا غصّه و عذاباً اليماً>>

۱۸- تبدیل رفاه دنیا به عذابی دردناک، برای قدرتی که کوه را به شن تبدیل می کند، کاری آسان است. <<اولى النّعمه... طعاماً ذا غصّه... كانت الجبال كثيباً مهيلاً>>

۱۹- تبدیل کوهها به شن های روان، بیانگر عظمت لرزش زمین و زلزله قیامت است. <<ترجف الارض والجبال و كانت الجبال كثيباً مهيلاً>>

«وَبيل» به معنای وخیم و سنگین است.

شهادت و گواهی، به معنای آن است که انسان با حواس خود چیزی را بشنود و یا ببیند، و بنا بر آیات قرآن کریم و روایات، پیامبر اکرم و اولیای معصوم علیهم السلام بر تمام اعمال ما شاهدند.

تکرار کلمه «رسول» در این آیات، بیانگر این نکته است که مخالفت با انبیا به خاطر مقام رسالت آنهاست، همان گونه که تکرار کلمه «فرعون»، تأکید بر آن است که در برابر قهر خداوند، بزرگ ترین قدرت نیز توان دفاع و

مقابله را ندارد.

در قرآن در دو آیه دیگر نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به عنوان شاهد نام برده شده است.<۵۲۸>

همه پیامبران به سوی قومشان مبعوث شده اند، جز حضرت موسی که در همان آغاز، مأمور شد به دربار فرعون رود و او را دعوت کند. آری در جامعه ای که تحتِ حکومت یک حاکم ظالم است، مبارزه با طاغوت در رأس برنامه انبیاست. <<ارسلنا الی فرعون>>

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بر امّت خویش گواه است و نظارت کامل دارد. <<رسولاً شاهداً علیکم>>

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در دنیا شاهد بر اعمال است. <<شاهداً علیکم>> و در آخرت ادای شهادت می کند. <<جئنا بک علی هؤلاء شهیداً>><۵۲۹>

۳- انجام رسالت، همراه با نظارت است. <<رسولاً شاهداً>>

۴- فلسفه بعثت انبیا در همه زمانها یکی است. <<ارسلنا الیکم... کما ارسلنا الی فرعون>>

۵ - تاریخ آینه عبرت است، از آن پند بگیرید. <<کما ارسلنا الی فرعون فعصی... فاخذناه>>

۶- در مبارزه با منکرات به سراغ سرچشمه بروید. <<ارسلنا الی فرعون>>

۷- برای وعده و وعیدهایی که به مردم می دهید، نمونه عملی ارائه کنید. (خداوند که کافرانه مرفّه را تهدید می کند، عاقبت فرعون را یادآوری می کند.) <<ذرنی والمکذّبین اولی النّعمه... فعصی فرعون الرسول فاخذناه اخذاً وبیلًا>>

۸ - سرپیچی از فرمان رسول خدا، سبب گرفتاری می شود.<< فعصی فرعون الرسول فاخذناه اخذاً وبیلًا>>

«وِلدان» جمع «ولید»، به معنای کودکی است که تازه متولد شده و «شِیب» جمع «اَشیب»، به معنای شخص پیر و سفید مو است. آیه ۱۷ را دو گونه می توان معنا کرد:

الف. سختی روز قیامت به اندازه ای است که کودک تازه متولد شده را پیر می کند.

ب. آن روز به اندازه ای طولانی است که

کودک به پیری می رسد.

کلمه «هذه» در <<انّ هذه تذکره...>> می تواند به نافله شب که در اول سوره آمده است اشاره داشته باشد، همان گونه که در آیه ۲۹ سوره دهر، پس از دستور به سجده و تسبیح طولانی شبانه می فرماید: <<انّ هذه تذکره فمن شاء اتخذ الی ربّه سبیلا>> یعنی عبادت در دل شب ر

خداوند است، هرکس می خواهد آن را بپیماید.

۱- در قیامت، راه گریزی از دوزخ برای کفّار وجود ندارد. <<فکیف تتقون ان کفرتم>>

۲- صاحبان قدرت در دنیا، گرفتار عذاب سخت الهی شدند و نتوانستند از خود دفاع کنند، چه رسد به عذاب آخرت! <<فکیف تتّقون>>

۳- غم و اندوه، تلخی ها، ناکامی ها و سختی ها، عامل پیری زودرس و سفیدشدن موی سر و صورت می گردد. <<یوماً یجعل الولدان شیباً>>

۴- خطرات قیامت هم در انسان تأثیر می گذارد: <<یجعل الولدان شیباً>>، هم در آسمان ها. <<السماء منفطر به>>

۵ - انسان، آزاد آفریده شده است. <<فمن شاء...>>

۶- آگاهی یافتن از خطرات قیامت سبب تذکّر است. <<انّ هذه تذکره>>

۷- ربوبیّت خداوند اقتضا می کند که راه او را انتخاب کنیم. <<اتّخذ الی ربّه سبیلًا>>

این آیه می فرماید: با انجام کارهای نیک همچون نماز شب و تلاوت قرآن و رسیدگی به محرومان، مغرور نشوید که باز هم نیاز به استغفار دارید.

این آیه، جامعیّت اسلام را از اشک شبانه تا جهاد روزانه، از رابطه با خدا تا کمک به فقرا، از تلاوت قرآن تا سفرهای تجاری و از انجام کارهای خیر همراه با استغفار نمایان می کند.

در آیات قبل، فرمود: نصف یا ثلث و یا دو ثلث شب را به عبادت برخیزید. این آیه می فرماید: چون محاسبه این مقدار کار مشکلی است که از عهده شما

برنمی آید، لذا خداوند آن را بر شما بخشید و از این پس، هر مقدار که می توانید و برای شما مقدور است به عبادت برخیزید

ماز وقرآن بخوانید. خصوصاً هنگامی که بیمار هستید و یا در سفر به سرمی برید.

امام رضاعلیه السلام در تفسیر آیه <<فاقرؤا ما تیسّرمن القرآن>> از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت فرمود: تا آنجا که خشوع و صفای دل دارید، قرآن بخوانید.<۵۳۰>

در این آیه، سفر به قصد تجارت با سفر به قصد جهاد در کنار هم آمده است، با آنکه اوّلی امری دنیوی است و دوّمی امری اخروی. براساس روایات، اگر تاجر در کارش خدا را مراعات کند و از کم فروشی و گران فروشی و احتکار و کلاهبرداری دوری کند، معیشت مردم را تامین کرد

و همانند مجاهدی است که در میدان قدم می گذارد تا دشمن را از پای درآورده و امنیّت جامعه را تضمین کند.<۵۳۱>

گرچه تلاوت قرآن، از تکالیف واجب نیست، امّا مورد سفارش بسیار است، تا آنجا که در یک آیه، دوبار فرمان آمده و مورد تاکید قرار گرفته است. <<فاقرءوا ما تیسّر من القرآن... فاقرءوا...>>

احکام اسلام، هماهنگ با توان و امکانات انسان است و هیچ گاه عسر و حرج به دنبال ندارد. چنانکه برای بیمار، تیمم را به جای وضو قرار داده، نماز را در هر حالتی که می تواند بخواند، تکلیف کرده، روزه را از او برداشته و به جای آن کفّاره قرار داده است. اکنون به

خی آیات که این ویژگی دستورات الهی را بیان می دارد، اشاره می کنیم:

<<علم ان لن تحصوه فتاب علیکم>> خداوند دانست که شما توان احصا ندارید، پس بر شما آن را بخشید.

<<فاقرؤا ما

تیسّر من القرآن>> به مقدار میسر قرآن بخوانید.

<<الآن خفّف اللّه عنکم>><۵۳۲> اکنون به شما تخفیف داد.

<<اعدّوا لهم ما استطعتم>><۵۳۳> به مقداری که استطاعت دارید، عِدّه و عُدّه جمع کنید.

<<للّه علی الناس حجّ البیت من استطاع>><۵۳۴> هرکس که توان و استطاعت دارد، باید حجّ بگذارد.

<<لا یکلّف اللّه نفساً الاّ وسعها>><۵۳۵> خداوند هیچ کسی را جز به مقدار توانش، تکلیف نکرده است.

<<لا یکلّف اللّه نفساً الاّ ما اتاها>><۵۳۶> خداوند هیچ کسی را جز به مقداری که به او عطاکرده، تکلیف نمی کند.

<<فمن کان منکم مریضاً او علی سفر فعدّه من ایّام اُخر>><۵۳۷> آن که بیمار است یا در سفر است، در رمضان روزه نگیرد و به زمانی دیگر موکول کند.

<<و لم تجدوا ماءً فتیمّموا>><۵۳۸> اگر آب نیافتید، تیمم کنید.

<<یرید اللّه بکم الیّسر>><۵۳۹> خداوند برای شما آسانی خواسته است.

<<لیس علی الاعمی حرج و لا علی المریض>><۵۴۰> بر فرد نابینا و بیمار، تکلیف حضور در میدان جهاد نیست.

۱- علم خداوند به حالات بندگان، بهترین انگیزش برای انجام کارهای نیک است. <<انّ ربّک یعلم انّک تقوم>>

۲- یکی از برکات عبادت شبانه آن است که تنها خداوند از آن آگاه است و از هرگونه ریا و تظاهر به دور است. <<انّ ربّک یعلم>>

۳- پیامبر طبق دستور خداوند عمل می کند. در آیات قبل فرمود: <<قم اللیل... نصفه او انقص... او زد...>> در این آیه می فرماید: <<تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه>>

۴- خداوند در مقدار عبادت شبانه انسان را آزاد گذاشته است تا افراد بیشتری توفیق آن را بیابند و هرکس به مقدار توانایی اش از فیض آن بهره مند شود. <<ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه>>

۵ - سحرخیزی، سیره گروهی از اصحاب

پیامبر بوده است. <<طائفه من الذّین معک>>

۶- اقامه نماز وتلاوت قرآن از بهترین آداب شب زنده داری است. <<تقوم فاقرءوا...>>

۷- تکالیف الهی آسان است و انسان را به مشقّت نمی اندازد. <<فاقرءوا ما تیسّر>>

۸ - ارتباط با قرآن و تلاوت آن در هر حال لازم است، حتّی در بستر بیماری یا سفر و جهاد. <<مرضی - یضربون فی الارض، یقاتلون... فاقرؤا>> (اگر در فراز و نشیب ها تلاوت قرآن لازم است، در شرائط عادی به طریق اولی لازم خواهد بود.)

۹- کسب مال حلال، فضل الهی است. <<یبتغون من فضل اللّه>>

۱۰- امکانات زندگی، لطف و فضل الهی است، هرچند که با تلاش انسان به دست آید. <<یضربون فی الارض یبتغون من فضل اللّه>>

۱۱- ذکر سفرهای تجاری و اقتصادی در کنار سفرهای جهادی و جنگ، نشانه اهمیّت تجارت از دیدگاه اسلام است. <<آخرون یضربون فی الارض یبتغون من فضل اللّه و آخرون یقاتلون فی سبیل اللّه>>

۱۲- شیوه قرض دادن باید نیکو باشد. (با سرعت و خلوص و بی منّت پرداخت شود.) <<قرضاً حسناً>>

۱۳- شب زنده داری، تلاوت قرآن، اقامه نماز، پرداخت زکات و قرض دادن به دیگران نمونه ای از کارهای خیر است. <<ما تقدموا لانفسکم من خیر...>>

۱۴- پیش از مرگ، کارهای خیر را برای خودتان ذخیره کنید، یا به دست خود و یا از طریق وصیّت. <<تقدّموا>>

۱۵- کارهای خیر ذخیره قیامت است. <<و ما تقدّموا لانفسکم من خیر تجدوه عند اللّه>>

۱۶- کارهای خیر نزد خدا محفوظ است و هرگز از بین نمی رود. <<تجدوه عنداللّه>>

۱۷- پاداش های خداوند از هر نظر چند برابر است. <<هو خیراً و اعظم اجراً>>

۱۸- هیچ کس نباید خود را از قصور و تقصیر به دور بداند، زیرا با

انجام همه تکالیف، باز هم به استغفار نیاز داریم. <<واستغفروا اللّه>>

۱۹- خداوند، آمرزش اهل استغفار را تضمین کرده است. <<واستغفروا اللّه... غفورٌ رحیم>>

۲۰- گذشت خداوند همراه با مهربانی است. <<غفور رحیم>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

.Al Muzzammil ("The wrapped up") is one of the titles of the Holy Prophet

In the beginning of his prophethood he used to cover his whole body with a large .sheet of cloth

:Aqa Mahdi Puya says

The epithets Muzzammil and Muddaththir (the name of the next surah) are used to address the Holy Prophet. It means "folded in a sheet, as one renouncing the vanities of this world", or "separating himself from all worldly engagements for the purpose of meditation." Here it refers to the Holy Prophets preparedness at the eve of his mission to receive the divine command to guide mankind. The actual meaning is: O he .who is girded to undertake that which has been mentioned in verse ۵

Midnight and after midnight prayers and contemplation are called tahajjud. In the beginning the believers used to cease sleeping and pray tahajjud throughout the night. They are now advised to pray only for a small part of the night, or increase the .duration of prayers a little more if the prayer desires so

The words of the Quran must not be read hastily, merely to complete a ritual. They must be pronounced with ease and correctness, knowing the true meaning and .interpretation of every word

:Aqa Mahdi Puya says

It means the Quran was with the Holy Prophet. He knew every word of it. Here the people

.are advised through him to recite it in slow and measured tones

(see commentary for verse ٢)

(see commentary for verse ٢)

Qawlan thaqila, (weighty word) is the Quran. The Holy Prophet has used the word thaqalayn to refer to the Quran and his Ahl ul Bayt-two weighty things. Refer to page ۶, and commentary of Baqarah: ٢ and Ya Sin: ١٢.

:Aqa Mahdi Puya says

The responsibility to guide mankind described as weighty in this verse has been referred to as a burden in Inshirah: ٢ for which he needed a supporter as Musa had Harun to assist him (see commentary of Ta Ha: ٩ to ٩٨)-as verses ١۵ and ١۶ of this .surah imply and infer

For contemplation, prayer and talking directly to the Lord for seeking tranquillity, night is the most suitable time, when calm and silence prevail, free from the distracting business of the day. The daytime is for attending to and discharging duties as a citizen or a member of a community and family, or an individual. While discharging all his duties, he should work as if he is in the presence of Allah, and .should in all matters and at all times feel the sense of His nearness

Tabattal implies that man should detach himself from worldly things and devote himself to Allah, or forsake everything and apply himself to the worship or service of Allah. In this sense the daughter of the Holy Prophet, Fatimah Zahra, is known as "batul"

(see commentary for verse ۶)

(see commentary for verse ۶)

Refer to the commentary of Saffat: ۵ and

Ma-arij: ۴۰. Allah is Lord of all places. He rules over the universe. Therefore the .believers should not be discouraged by the plots or hostility of wicked men

The disbelievers utter blasphemies and calumnies against Allah, His Prophet and the religion of Allah. They must be ignored. A highminded and civilised attitude makes clear to them that a true believer never pays attention to ignorant nonsense and .always puts trust in Allah

Those who enjoy the various bounties of Allah must show gratitude to Him. If they do not do so, and associate themselves with the enemies of Allah, He can deal .adequately with them

The result of sin is the loss of spiritual deliverance and emancipation. The soul of a sinner is tied more and more closely in fetters, and his will itself becomes paralysed and degraded. He ultimately finds himself in a conflagration which seizes his mind, .heart and body

(see commentary for verse ۱۲)

.Refer to the commentary of Waqi-ah: ۱ to ۵ and Haqqah: ۱ to ۵

.Refer to the commentary of Yunus: ۷۵ to ۹۲

Allahs laws prevail in all circumstances. All else disappear. Firawn disobeyed Allahs .laws and defied His authority. He was destroyed for ever

Total annihilation was the punishment of Firawn for transgressing the laws of Allah in this world. The punishment awaiting him and men like him on the day of final .reckoning will be so terrible that it will even turn the children hoary

The promise of Allah to do justice-reward to the believers and punishment to the .disbelievers-will be fulfilled

The Quran is a

reminder to man that he should follow the right path to earn the mercy and grace of .Allah

:Aqa Mahdi Puya says

Verses ١ to ١٩ were revealed in the early period of the Holy Prophets ministry. Verses ١٠ to ١٩ refer to the period when opposition to his preaching was started. Verse ٢٠ refers to the period when jihad was ordained. The Ahl ul Bayt in particular and the Muslims in general have asserted this chapter to be complete and wellarranged, so it .can be recited in the prayers

A party of those with you refers to Ali ibn abi Talib" says Ibn Abbas. Ali was with the " Holy Prophet from the beginning of his ministry (refer to the commentary of Ali Imran: ٥٢ and ٥٣). He was the first person to pray salat with the Holy Prophet. It is written in Riyad al Nadrah that at the time of leaving this world the hand of the Holy Prophet was in the hand of Ali; and Ibn Sad writes: "At the time of the Holy Prophets death his hand was in the lap of Ali. It was Ali who performed the last rites. When he was washing his body Fazal bin Abbas held the Holy Prophets corpse and Usamah was ".pouring water

There was several authentic traditions that Ali used to pray salat with the Holy .Prophet in the nights

Ma tayassara minal Quran means whichever part of the Quran available to memory or easy to be recited. It may also mean reciting the Quran as much as

one can after praying the prescribed salat. The Quran must be recited whole-heartedly and willingly, not as a mechanical ritual nor its recitation should be felt as a burden. According to Ta Ha: ٢ the Quran has not been sent down on the Holy Prophet that he should be burdened or distressed. The command of Allah should be willingly .complied with

Fighting in Allahs cause" refers to Jihad. So this verse was revealed in Madina. The" reference to prescribed salat and zakat points to the same conclusion. For "the goodly loan" refer to the commentary of Baqarah: ٢۴۵; Ma-idah: ١٢; Hadid: ١١ and ١٨ and .Taghabun ١٧

:Aqa Mahdi Puya says

.This verse explains verses ٢ and ٣

A party of those with you" refers to Ali and Abu Dhar according to authentic" .traditions

As this verse deals with the command which makes easy praying of tahajjud salat the .recitation of the Quran refers to its portions to be recited in the said salat

The first and the last verses, if studied together, make it clear that though the night prayer (tahajjud) is highly desirable, yet is not obligatory. There is no compulsion to recite a complete surah in it, whereas in obligatory prayers recitation of a complete .surah is compulsory

Allah knew that if night prayer (tahajjud) was made compulsory a large number of believers would not be able to comply with the command, therefore, from the very .beginning it was left to the discretion of the believers

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹